



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

الاحتجاج في تقريب

الامام على بن موسى الرضا

صلوات الملك الاعلى

مؤلف: عبدالله عصام (رودسري)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الاحتجاج : نوری که به حیات جاودانی رهبری می کند

نویسنده:

عبدالله عصام رودسری

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۲	الاحتجاج : نوری که به حیات جاودانی رهبری می کند
۱۲	مشخصات کتاب
۱۲	اشاره
۱۴	مقدمه
۱۸	فصل اول : تبرک و تیمن، بشارات
۱۸	بخش اول : تبرک و تیمن
۳۴	بخش دوم : بشارات
۳۴	مبحث بشارات
۳۵	بشارت اول
۳۵	بشارت دوم
۳۶	بشارت سوم
۳۷	بشارت چهارم
۳۷	بشارت پنجم
۳۸	بشارت ششم
۳۹	بشارت هفتم
۴۰	بشارت هشتم
۴۰	بشارت نهم
۴۱	بشارت دهم
۴۴	بشارت یازدهم
۴۷	بشارت دوازدهم
۴۸	بشارت سیزدهم
۴۹	بشارت چهاردهم

۵۲	بشارت پانزدهم
۵۵	بشارت شانزدهم
۵۵	بشارت هفدهم
۵۷	بشارت هجدهم
۵۸	بشارت نوزدهم
۵۹	بشارت بیستم
۶۱	بشارت بیست و یکم
۶۲	بشارت بیست و سوم
۶۲	بشارت بیست و چهارم
۶۳	بشارت بیست و پنجم
۶۳	بشارت بیست و ششم
۶۴	بشارت بیست و هفتم
۶۶	بشارت سی و یکم
۶۷	بشارت سی و دوم
۶۹	بشارت سی و چهارم
۶۹	بشارت سی و پنجم
۷۰	بشارت سی و هفتم
۷۰	بشارت سی و هشتم
۷۱	بشارت سی و نهم
۷۲	بشارت چهلم و چهلم و یکم
۷۶	بشارت چهلم و دوم
۷۷	بشارت چهلم و سوم
۷۹	بشارت چهلم و چهارم
۷۹	بشارت چهلم و پنجم

۸۰	بشارت چهل و ششم
۸۱	بشارت چهل و هشتم
۸۲	بشارت چهل و نهم
۸۳	بشارت پنجاه و چهارم
۸۴	بشارت پنجاه و پنجم
۸۵	بشارت پنجاه و هفتم
۸۷	بشارت پنجاه هشتم
۸۸	بشارت پنجاه و نهم
۹۱	فصل دوم : سیری در مآخذ عهدین
۹۱	مقدمه فصل دوم
۹۴	سیری در مآخذ عهدین
۹۷	فصل سوم : بخش تناقضات تراجم
۹۷	تناقض اول:
۹۷	تناقض دوم:
۹۷	تناقض سوم:
۹۸	تناقضی چهارم:
۹۸	تناقضی پنجم:
۹۸	تناقض ششم:
۹۹	تناقض هفتم:
۹۹	تناقض هشتم:
۹۹	تناقض نهم:
۱۰۰	تناقض یازدهم:
۱۰۱	تناقض دوازدهم:
۱۰۱	تناقض سیزدهم:

- ۱۰۱ تناقض چهاردهم:
- ۱۰۱ تناقضی پانزدهم:
- ۱۰۲ تناقض شانزدهم:
- ۱۰۲ تناقض هفدهم:
- ۱۰۳ تناقض هجدهم:
- ۱۰۳ تناقض نوزدهم:
- ۱۰۴ تناقض بیست و یکم:
- ۱۰۴ تناقض بیست و دوم:
- ۱۰۵ تناقض بیست و چهارم:
- ۱۰۶ تناقض بیست و پنجم:
- ۱۰۶ تناقض بیست و ششم:
- ۱۰۷ تناقض بیست و هفتم:
- ۱۰۷ تناقضی بیست و هشتم:
- ۱۰۷ تناقض بیست و نهم:
- ۱۰۷ تناقض سیم:
- ۱۰۸ تناقض سی و یکم:
- ۱۰۸ تناقض سی و دوم:
- ۱۰۸ تناقضی سی و سوم:
- ۱۱۱ تناقض سی و چهارم:
- ۱۱۲ تناقض سی و پنجم:
- ۱۱۲ تناقض سی و ششم:
- ۱۱۲ تناقض سی و هفتم:
- ۱۱۳ تناقض سی و هشتم:
- ۱۱۷ تناقض سی و نهم:

- ۱۱۷ تناقض چهلیم:
- ۱۱۷ تناقض چهل و یکم:
- ۱۱۸ تناقض چهل و دوم:
- ۱۱۸ تناقض چهل و سوم:
- ۱۱۸ تناقض چهل و چهارم:
- ۱۱۹ تناقض چهل و پنجم:
- ۱۲۰ تناقض چهل و هفت:
- ۱۲۰ تناقض چهل و هشتم:
- ۱۲۰ تناقض چهل و نهم:
- ۱۲۱ تناقض پنجاهم:
- ۱۲۱ تناقض پنجاه و یکم:
- ۱۲۲ تناقض پنجاه و دوم:
- ۱۲۲ تناقض پنجاه و سوم:
- ۱۲۲ تناقض پنجاه و چهارم:
- ۱۲۲ تناقض پنجاه و پنجم:
- ۱۲۴ تناقض پنجاه و ششم:
- ۱۲۴ تناقض پنجاه و هفتم:
- ۱۲۵ تناقض پنجاه و هشتم:
- ۱۲۵ تناقض پنجاه و نهم:
- ۱۲۶ تناقض شصتم:
- ۱۲۷ تناقض شصت و یکم:
- ۱۲۷ تناقض شصت و دوم و سوم:
- ۱۲۸ تناقض شصت و چهارم:
- ۱۲۸ تناقض شصت و پنجم و شصت و ششم:

۱۲۹	تناقض شصت و هفتم:
۱۳۰	تناقض شصت و هشتم:
۱۳۰	تناقض شصت و نهم:
۱۳۱	تناقض هفتاد و یکم:
۱۳۱	تناقض هفتاد و دوم:
۱۳۲	تناقض هشتاد و سوم:
۱۳۲	تناقض هفتاد و چهارم:
۱۳۳	تناقض هفتاد و پنج:
۱۳۳	تناقض هفتاد و ششم:
۱۳۴	خلاصه نتایج حاصله
۱۳۴	تناقض هفتاد و هفتم:
۱۳۵	تناقض هفتاد و هشتم:
۱۳۵	تناقض هفتاد و نهم:
۱۳۵	تناقض هشتادم:
۱۳۵	تناقض هشتاد و یکم:
۱۳۶	تناقض هشتاد و یکم:
۱۳۶	تناقض هشتاد و سوم:
۱۳۶	تناقض هشتاد و چهارم:
۱۳۷	تناقض هشتاد و پنجم:
۱۳۷	تناقض هشتاد و ششم:
۱۳۸	تناقض هشتاد و هفتم:
۱۳۸	تناقض هشتاد و هشتم:
۱۳۹	تناقض نودم:
۱۳۹	تناقض نود و یکم:

- ۱۳۹ تناقض نود و دوم:
- ۱۴۰ تناقض نود و سوم:
- ۱۴۰ تناقض نود و چهارم:
- ۱۴۰ تناقض نود و پنجم:
- ۱۴۱ تناقض نود و هفتم:
- ۱۴۲ تناقضی نود و هشتم:
- ۱۴۳ درباره مرکز

الاحتجاج : نوری که به حیات جاودانی رهبری می کند**مشخصات کتاب**

سرشناسه : عصام، عبدالله

عنوان و نام پدیدآور : الاحتجاج فی تقریب الامام علی بن موسی الرضا صلوات الملك الاعلی / [مؤلف عبدالله عصام (رودسری)].

مشخصات نشر : تهران : [بی نا ، ۱۳].

مشخصات ظاهری : ۱۳۶ ص.

شابک : ۱۰۰ ریال

یادداشت : عنوان روی جلد: نوری که به حیات جاودانی رهبری می کند الاحتجاج...

یادداشت : کتابنامه بصورت زیر نویس.

عنوان روی جلد : نوری که به حیات جاودانی رهبری می کند الاحتجاج...

موضوع : محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق. -- تفاسیر مسیحی

موضوع : شیعه -- دفاعیه ها و ردیه ها

موضوع : تثلیث

موضوع : مسیحیت -- دفاعیه ها و ردیه ها

رده بندی کنگره : BP۲۲۸/۴ع/الف۳ ۱۳۰۰ی

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۷۹

شماره کتابشناسی ملی : ۲۲۴۲۳۵۹

ص : ۱

اشاره

ص: ۳

مقدمه

ص : ۴

تمام سعی مولف در این بود که با نوشتن این کتاب مورد عنایات خاصه حضرت بقیه الله (عج الله تعالی فرجه الشریف) قرار بگیرد.
تقدیم به ساحت پاک و مقدس قدس الاقداس حضرت صاحب الامر الاعلی ولی الله الاعظم حجه الله البالغه الکبری اما عصر عجل
الله تعالی فرجه الشریف و رحمه الله و برکاته

ص : ۵

به نام خداوند بخشنده مهربان

مقصود چیست و حق کیست؟

خداوند متعال جل جلاله ، برای نجات مردم از خطر گمراهی و شرک و هدایت ایشان به سوی صفات عالی انسانی ، انبیا را به دلیل معجزات و کتب مبعوث می فرماید که بعد از شهادت یا رحلت ایشان این وظیفه سنگین را بر عهده اوصیا ایشان قرار می دهد تا مردم صرفاً بر کتابی که در زمان نبی از نقطه وحی نازل شده (که به تنزیل معروف است) تکیه نکرده بلکه به راهنمایی آنها در پرستش آن حقیقتی (که به تاویل مشهور است) که در آغاز دیده اند و آنچه بعداً می یابند، دچار تناقض و اختلاف نشوند

ما انشاء الله به طور کامل و مختصر توضیح خواهیم داد که در میان مذاهبی که ریشه الهام الهی دارند یعنی نه بر اساس تفکر انسانی اند، سخن از یک نبی معظم موعود بود که می بایست بیاید و همه انبیاء در ضمن اداء رسالت خود بسیار بسیار از ایشان اخبار می کردند که البته ما در فصل اول این کتاب که به همین مطلب اختصاص دارد از کتاب مقدس مسیحیان به اثبات این نبوت پرداخته و درباره آن استدلال می کنیم و در ضمن شواهدی را نیز از گوشه

ص : ۶

و کنار ذکر کرده و در فصل دوم که مربوط است به تحقیق مختصر و کوتاهی در مورد چگونگی پیدایش کتاب مقدسه خواهیم دید که اعتبار کلی این متون و کیفیت پیدایش آن در عصر گذشته تا به حاضر (زیرا اناجیل و کتب بسیار زیادی که هم اکنون نیز موجود است صریحا به ظهور حضرت محمد صلی الله علیه و سلم بشارت داده اند مثل انجیل برنابا و غیره)، چگونه بوده است و در فصل سوم که به طور خلاصه اختصاص به بیان و شرح تناقضات و تضاد های عهدین دارد به اثبات وقوع تحریف در کتب مقدسه می پردازیم یعنی به عبارت دیگر با اثبات تناقضات ثابت خواهیم کرد که از نظر اعتقادی تا چه حد این مکتب را می توان رد و نفی نموده همانطور که با بیان اشارات خواهیم دید که راه نجات به کدام طرف است به هر حال امیدواریم این کتاب که نام مبارک امام هشتم حضرت علی بن موسی الرضا علیه آلا ف التحیه و الثنا مصرف شده بتواند با عنایات حضرت حق جل جلاله چراغی برای راهنمایی دوستداران راه حق و حقیقت باشد

(والسلام علی من التبع الهدی)

ماخذ این کتاب :

(چاپ فارسی) کتاب مقدس مسیحیان طبع لندن سالهای ۱۸۷۵ و ۱۸۵۶

The Hoiy Bilde in Persian Reproduced by Photography the Edition of ۱۹۰۴-۹۳P-۱۹۷۵-۳M

ص : ۷

فصل اول : تبرک و تیمن، بشارات**بخش اول : تبرک و تیمن**

در این بخش من باب تبرک و تیمن مباحثه مستدل و شیوا ثامن الائمه امام هشتم حضرت علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحیه و الثنا را با اعلم علما نصرانی (ترجمه از ص ۱۵۴ به بعد از کتاب عیون اخبار الرضا) بیان می کنیم و امید داریم که طالبان راه و نور خداوند جل جلاله بتوانند آن حقیقتی را که خداوند به آن وعده کرده و به جهان فرستاده دیده و افتخار پیروی از دین پیامبر آخر الزمان صلی الله علیه و اله و سلم را داشته باشند و در قیامت از خاسرین نباشند انشاء الله (نقل از آیه ۱۴ سوره آل عمران).

حضرت رضا علیه السلام پس از اینکه به عالم نصرانی (مسیحی) قول دادند که جمیع دلائل مبارکشان از کتاب خود ایشان باشد جاثلیق پرسید :

جاثلیق: چه می فرمایند راجع به نبوت عیسی و انجیل کتاب آسمانی او، آیا چیزی از این ها را انکار می فرمایید؟

حضرت رضا علیه السلام: من به نبوت عیسی و انجیل و آن بشارت ها که انجیل به نبوت یک پیامبر و پیدایش او بعد از عیسی داده اقرار می نمایم

ص : ۸

و هر عیسایی را که به نبوت و پیامبری محمد و کتابش اقرار نکرده و امتش را به آمدن او بشارت نداده باشد انکار می‌نمایم.

جائلیق: مگر برای اثبات احکام، نیازمند به دو گواه عادل نیستیم؟

حضرت رضا علیه آلاف التحیه و الثنا : البته.

جائلیق: پس دو گواه عادل برای نبوت محمد (ص) از کسانی که مورد قبول نصاری باشند اقامه فرموده و در ضمن همین سوال را از غیر ملت ما هم بفرماید

امام علیه السلام فرمودند: اکنون که منصفانه عمل کردی ای نصرانی، آیا گواهی کسیکه در نزد مسیح عادل باشد را می‌پذیری؟

جائلیق گفت: آن گواه عادل کیست؟

حضرت فرمودند: درباره یوحنا دیلمی چه عقیده ای داری؟

جائلیق: آفرین، آفرین از کسی نام بردی که در نزد حضرت مسیح بهترین مردم است.

امام علیه السلام: آیا در انجیل نوشته نیست که یوحنا گفت:

(که حضرت مسیح مرا خبر داد به دین محمد عربی و نیز به ظهور او بشارت داد) و حوارین هم به آمدن حضرت بشارت دادند و تمام به نبوت او ایمان آوردند؟

جائلیق: آری این مطالب را یوحنا از حضرت عیسی نقل کرده است یعنی بشارت داده به آمدن پیامبری و نیز جانشین او ولی خصوصیات (یعنی) نام و نشان آن شخص را بیان نکرده و نامی از او نبرده تا درست ایشان را بشناسیم

امام علیه السلام فرمودند: اگر کسیکه کاملاً انجیل را می‌داند عین عبارت حضرت مسیح را که مژده به حضرت محمد و اهل بیت و وصی او (صلوات الله اجمعین) و امت او داده برای شما بخواند ایمان می‌آوری؟

جائلیق: خوب فرموده اید البته قبول دارم و می‌پذیرم.

ص : ۹

امام علیه السلام : روی مبارک خود را به نسطاس رومی کرده و فرمودند که سفر سوم انجیل را حفظ داری ؟

نسطاس عرض کرد: حفظ ندارم

پس حضرت رضا علیه السلام عالم یهودی (راس الجالوت) را مورد خطاب قرار داده فرمودند : آیا تو انجیل را خوانده ای؟

عرض کرد : آری خوانده ام.

امام علیه السلام فرمودند: سفر سوم انجیل را در نظر بگیر تا برایت بخوانم پس اگر در آنجا نامی از محمد و اهل بیت و امتش بود گواهی بده و اگر نامی نبود گواهی مده (سپس حضرت رضا علیه آلف التحیه و الثنا شروع به قرائت سفر سوم انجیل نموده تا به جایی رسیدند که در آن موضع نام حضرت محمد صلی الله علیه و اله و سلم ذکر شده بود سپس حضرت در همان جمله ایستاده و فرمودند .

ای نصرانی از تو می پرسم و تو را به جان مسیح و مادرش سوگند می دهم که آیا من انجیل را می دانم و عالم به آن هستم؟

جائلیق عرض کرد: آری کاملاً آشنا با انجیل و دانش آن می باشید .

حضرت رضا علیه آلف التحیه و الثنا در پایان قرائت چند سفر دیگر از انجیل، از این عالم سوال می فرماید ای نصرانی چه می گویی در این سخنان که گفتار حضرت عیسی بن مریم است که اگر گفتار انجیل را تکذیب کنی همانا موسی و عیسی را تکذیب کرده ای و هر گاه انکار انجیل کنی قتل و کشتن تو واجب می شود زیرا تو انکار پروردگار و پیامبر را کرده ای .

جائلیق : آنچه را که برای من از انجیل آشکار فرموده اید انکار نمی کنم بلکه اقرار دارم

حضرت رضا علیه السلام روی مبارک خود را به حضار نمود و فرمودند شما شاهد باشید اقرار او را سپس حضرت روبه جائلیق

فرموده و پرسیدند هر چه دلت می خواهد از من بپرس

ص : ۱۰

جائلیق : خیر دهید مرا از یاران حضرت عیسی که چند نفر بودند و دانشمندان انجیل چند نفرند؟

امام علیه السلام فرمودند: بر دانا وارد شدی و به دانشمند رسیدی اما یاران حضرت عیسی دوازده نفر بودند و برترین آنها الوقا بود ولی علما نصارا سه نفر بودند یوحنا اکبر که در اج ساکن بود و یوحنا ثانی که اهل قرقیسا بود و یوحنا دیلمی که زجار بود و در پیش همین یوحنا است نام پیامبر و اهل بیت و امتش و هم او است آن کسی که امت عیسی و بنی اسرائیل را بظهور خاتم الانبیاء حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بشارت داد سپس به جائلیق فرمود که ای نصرانی من ایمان به همان عیسایی دارم که به حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) ایمان آورد و هیچ خرده گیری نیز به عیسی شما (یعنی آن عیسی که شما به زعم خود او را خدا می دانید نه پیامبر خدا!) ندارم جز اینکه او در نماز کاهلی می کرد و روزه نمی گرفت .

جائلیق : بخدا قسم که علم و دانش خود را تباه و فاسد کرده و با این سخنان ضعف، نا توانی خود را آشکار نمودید چون من با خود فکر می کردم که شما داناترین و دانشمندترین مسلمانان هستید .

حضرت فرمودند به چه جهت ؟

جائلیق گفت : به جهت اینکه شما فرمودید عیسی کم نماز می خواند و روزه نمی گرفت و چنین نسبت های ناروایی را به حضرت عیسی داده اید و حال آنکه همه می دانند که هیچگاه نماز و روزه حضرت عیسی ترک نشده و همیشه شبها بیدار و دوران زندگی خود را به عبادت پروردگار سپری کرد !

حضرت رضا علیه السلام فرمودند : عیسی برای کی روزه گرفت و برای کی نماز می خواند، در این قسمت روایت ، راوی می گوید که دیدم

ص : ۱۱

رنگ جاثلیق تغییر کرد و گویی زبانش بند آمد و لذا در پاسخ حضرت ساکت ماند .

حضرت فرمودند از تو سوال دیگری دارم ای نصرانی .

جاثلیق گفت : پرسید اگر بدانم جواب می دهم

حضرت رضا علیه السلام فرمودند : آیا قبول نداری که حضرت عیسی به فرمان خداوند متعال مردگان را زنده می کرد؟

جاثلیق گفت : از این جهت انکار ندارم که هر کس مردگان را زنده کند و پیس ها را شفا بخشد پروردگاری است که سزاوار پرستش است .

حضرت رضا علیه السلام فرمودند : یسع هم مانند عیسی بود در انجام کارهای خارق العاده، بر روی آب راه می رفت و مرده را زنده می کرد و کور مادر زاد را شفا می داد و برص را معالجه می کرد و اما امت و پیروانش او را خدا نمی دانستند و جز خدای عز و جل کسی را پرستش نکردند و حزقیل پیامبر نیز مانند عیسی علیه السلام معجزاتی داشت ، سی و پنج هزار مرده را پس آنکه از مرگ ایشان شصت سال گذشته بود زنده کرد پس حضرت متوجه راس الجالوت شده و به او فرمودند : ای راس الجالوت آیا تو در تورات خوانده ای که این سی و پنج هزار نفر را بخت النصر در جنگ بیت المقدس از جوانان بنی اسرائیل انتخاب کرده و با خود به بابل برد و در همانجا نابود شدند و خداوند متعال آنها را زنده کرد این داستان در تورات ذکر شده هر کس از شما انکار کند تورات را انکار کرده است !

راس الجالوت گفت : ما این داستان را شنیده و شناخته ایم .

امام علیه السلام فرمودند : راست گفتی ای یهودی .

سپس حضرت فرمودند : اکنون این سفر از تورات را در نظر بگیر تا برایت بخوانم امام شروع به خواندن تورات نمود به نحوی که دانشمند یهودی مضطرب شده و بحرکت در آمد و از قرائت آن حضرت تعجب کرده ! سپس حضرت رو به نصرانی کرده و فرمودند : ای نصرانی آیا این سی و

ص : ۱۲

پنج هزار نفر پیش از عیسی بودند یا عیسی پیش از آنان بود ؟.

جائلیق گفت : بلکه آنان پیش از عیسی بودند.

سپس حضرت فرمودند : بعد از حضرت عیسی گروهی از قریش خدمت پیامبر اسلام آمده از آن حضرت خواستند تا مردگانشان را زنده کند رسول خدا حضرت علی بن ابی طالب علیه صلوات الله الملک الاکبر را با آنان به گورستان فرستاد و فرمود با این گروه به گورستان برو و مردگان ایشان را با صدای بلند بخوان و به آنان بگو ای فلانی و ای فلانی ،محمد رسول خدا (صلی الله علیه و سلم) به شما امر می کند که به اذن خدا از جای خود برخیزید ، پس امیر المومنین به همین طریق عمل نمود و تمام مردگان آنان سر از خاک برداشته به نحوی که خاک از سر و صورتشان می ریخت و قریش کاملاً از چگونگی حال و گرفتاری آنان سوال کردند و آنها گفتند در این روزها پیامبری به نام محمود مبعوث و برانگیخته شده ای کاش ما او را درک می کردیم و به او ایمان می آوردیم...

سپس حضرت رضا علیه السلام فرمودند: که پیامبر اسلام کور را بینا کرد و پیس را شفا داده و دیوانه را معالجه کرده و در حالیکه چهارپایان و پرندگان و جنیان و شیاطین با او سخن می گفتند ما او را خدا ندانستیم و پرستش جز خدای عزوجل نکردیم ، ما امثال اینگونه معجزات را برای هیچ یک از انبیاء الهی انکار نمی کنیم و حال آنکه شما عیسی را در نتیجه همین معجزات خدا می دانید سپس چرا یسع و حزقیل را خدا نمی دانید .

با این که خوارق عادات و معجزاتی که از عیسی سر می زد نظیر مرده را زنده کردن و سایر معجزات در ایشان نیز بود یا گروهی از بنی اسرائیل از ترس مرض وبا از شهرهای خود فرار کرده و تعداد آنها هزار نفر بود اما فرمان الهی رسید تمام آنها در ساعت معینی جان سپردند ساکنین این قریه که این جریان را دیدند دیواری در اطراف آنان کشیده و آنها به همان حال بودند تا پیامبری از پیامبران بنی اسرائیل از ایشان عبور کرده و از کثرت استخوان

ص : ۱۳

های پوسیده تعجب نموده و در حال از خداوند تبارک و تعالی و به وی وحی شده که آیا مایلی که آنها را زنده گردانم تا ایشان را انذار کنی عرض کرد آری مایلم پس به آن پیامبر خطاب شد آنها را صدا کن تا زنده شوند آن رسول فریاد زد : ای استخوانهای پوسیده بلند شوید به فرمان خدای عزوجل تمام از جای خود برخاسته در حالیکه خاک از سر و روی ایشان می ریخت و پیامبر دیگر حضرت ابراهیم خلیل الرحمن است که چهار مرغ را گرفته قطعه قطعه نمود و با هم مخلوط کرد و هر قسمتی را بر فراز کوهی نهاد و سپس به اسم آنها را فراخوانده این اجزاء به هم در آمده و به صورت کامل به سوی حضرت ابراهیم پرواز کردند . دیگر پیامبر حضرت موسی بن عمران است که با هفتاد نفر از برگزیدگان بنی اسرائیل به کوه طور رفتند ، در آنجا به موسی بن عمران پیشنهاد کردند که تو خدای را دیده ای به ما نشان بده پس حضرت موسی به ایشان گفت من هم خدا را ندیده ام پس ایشان گفتند که ما هرگز به تو ایمان نمی آوریم مگر اینکه خدای را به ما نشان بدهی پس در حال صاعقه ای آمده و همه آنان را از بین برد پس حضرت موسی بن عمران تنها ماند سپس عرض کرد پروردگارا من هفتاد نفر از بنی اسرائیل را برگزیدم و با آنها به اینجا آمده ام پس چگونه برگردم و جواب قوم خود را چه بگویم مسلم آنها این خبر را تصدیق نخواهند کرد اگر در نظر داشنی ایشان را نابود کنی بهتر این بود که پیش از این هلاک می شدند و آیا به واسطه کارهای ناشایسته مردمان نادان ما را نابود می کنی؟ پس خدا آنان را پس از مرگشان زنده کرد .

سپس حضرت فرمودند : آنچه را گفتم قدرت بر آنکار آن نداری زیرا که تورات و انجیل و زبور و قرآن به این داستانها گواه و شاهدند پس اگر قرار باشد هر کسی مرده را زنده و یا نابینا را بینا و یا پیس را شفا و یا دیوانه را هشیار کند پس چرا تنها عیسی را خدا می دانید چه می گویی در این

ص : ۱۴

مورد ای یهودی؟

جائلیق گفت: سخن سخن شما است گفتار شما را تصدیق می کنم و اقرار می نمایم به اینکه خدایی جز خدای یکتا نیست

سپس حضرت رضا علیه السلام متوجه راس الجالوت شده و فرمودند: توجه به سخنان من داشته باش ترا سوگند می دهم به ۱۰ معجزه ای که بر حضرت موسی بن عمران

نازل شده که آیا در تورات خبری از محمد و امتش خوانده‌ای که چنین باشد:

(هنگامیکه امت بعدی بیایند پیروان کسی باشند که سوار شتر شود و امتش پروردگار را با جد و جهد تسبیح و تنزیه کنند و در عبادتگاهی نو و تازه، که باید بنی اسرائیل به ایشان و ملک ایشان پناه آورند تا آرامش خاطر داشته باشد به واسطه ایشان زیرا که در دست ایشان شمشیرهایی است که با آن شمشیرها از مردمان گمراه و منحرف در اطراف جهان انتقام می کشند) آیا در تورات اینطور نوشته شده یا نه؟

جائلیق گفت آری همینطور من در تورات دیده ام که نوشته بود.

سپس حضرت فرمودند ای نصرانی علم و دانش تونست به کتاب اشعیا در چه پایه است.

جائلیق: کاملاً میدانم بطوریکه حرف به حرف آنرا دانایم

حضرت به راس الجالوت و جائلیق فرمودند که در کتاب اشعیا خوانده اید که می گوید: (ای گروه گویا می بینم کسی را که می آید سوار بر الاغ است لباسی از نور پوشیده و می بینم کسی را می آید که بر شتر سوار است نور او مانند نور ماه میدرخشد).

راس الجالوت و جائلیق تصدیق می کنیم که اشعیا چنین فرموده است.

امام علیه السلام فرمودند: ای نصرانی در انجیل خوانده ای که عیسی می فرماید (من به سوی پروردگار شما و پروردگار خودم خواهم رفت و پس

ص : ۱۵

از من فارقلیط می آید و اوست کسیکه به پیامبری من گواهی می دهد. همچنانکه من از برای او گواهی دادم و اوست که از برای شما هرچیز را تفسیر کند و اوست که امتها را رسوا کند و ستونهای کفر و شرک را درهم شکند)

جاثلیق : آنچه را که از انجیل خواندید قبول داریم و درست است حضرت رضا علیه السلام: آیا اینهایی که من خواندم در انجیل ثابت است .

جاثلیق: آری ثابت است.

امام علیه السلام: ای جاثلیق می توانی یمن بگویی این انجیل در چه عصر و زمانی ناپدید شده و چه زمانی پیداشده و چه کسی این انجیل را برای شما وضع کرد.

جاثلیق : ما فقط یکروز انجیل را ناپیدا دیدیم و بعد آن را تر و تازه پیدا کردیم و یوحنا و متی این انجیل را برای ما آوردند.

امام علیه السلام فرمودند: شما اطلاعی از انجیل و دانشمندان انجیل در دست ندارید زیرا اگر اینطور است که شما می گوئید پس چرا درباره انجیل اختلاف دارید و حال آنکه نباید این اختلاف در میان شما باشد.

همانا در این انجیل که در دسترس شماست اختلاف واقع شده و حال آنکه اگر این همان انجیل عهد اول بود. در آن اختلافی نبود و اکنون من راز آن را به تو می گویم تا بدانی، پس بدان چونکه انجیل عهد اول ناپدید شد فرقه نصرانیان بگرد دانشمندان خود جمع شده به ایشان گفتند که عیسی بن مریم کشته شده و ما نیز انجیل خود را گم کرده ایم. شما هم که دانشمندان ما هستید در پیش شما از انجیل چیست؟

الوقا و مرقابوس که از دانشمندان آنان بودند به آنها گفتند که انجیل در سینه های ما ثبت است و ما سفر به سفر آنرا برای شما از سینه بیرون می آوریم و لهذا غمگین و افسرده نباشید و عبادتگاهها را خالی نگذارید که همانا ما برای فرد فرد شما به زودی انجیل را تلاوت می کنیم تا تمام

ص : ۱۶

انجیل را جمع آوری کنیم از این پس الوقا (لوقا) و مرقابوس (مرقس) یوحنا و متی با هم نشستند و این انجیل را برای شما پس از ناپدید شدن انجیل اول وضع کردند. در حالی که این چهار تن شاگرد شاگردان اولیه بودند آیا دانستی اینهایی را که گفتم؟

جائلیق: مطالبی را که شما فرمودید تا کنون نمیدانستیم و اکنون برای ما روشن شد و از برکت علم و دانش شما نسبت به انجیل چیزهایی شنیدیم که قلب من به حق بودنش گواهی میدهد و مامایلم بیشتر از این بفهمیم. حضرت رضا علیه آلاف التحیه والثناء فرمودند: شهادت و گواهی این گروه در نزد تو چطور است. جائلیق: صحیح و درست است زیرا که اینان دانشمندان برجسته اهل انجیل می باشند و بهره گواهی دهند حق است و درست امام علیه السلام روی مبارک خود را به حضار مجلس نموده فرمودند: تمام شما گواه باشید.

حضار گفتند، همه ما شاهدیم!

پس امام علیه السلام شروع به صحبت فرمودند:

ای جائلیق ترا به حق عیسی و مادرش سوگند می دهم آیا میدانی که متی گفت که: (مسیح بن داوود بن ابراهیم بن اسحاق بن یعقوب بن یهودا بن حضرون است) و نیز مرقابوس راجع به حسب و نسب عیسی گفته است: (عیسی بن مریم کلمه خداست که در پیکر آدم حلول و نفوذ کرده و بعد انسان شده است) و نیز الوقا گفته است که (عیسی بن مریم و مادرش هر دو انسانند از گوشت و خون یس در آن دو روح القدس وارد شده) و تو ای نصرانی اعتقاد داری که عیسی بر خودش گواهی داده و فرموده است ای گروه حواریین باآسمان نمی رود مگر کسی که از آسمان فرود آمده و مگر آنکس که بر شتر خاتم الانبیا سوار شود زیرا که او هم به آسمان می رود و هم فرود می آید. در این سخن چه خواهی گفت؟

ص : ۱۷

جائلیق: این گفتار هم قابل انکار نیست زیرا که اینها از گفتار حضرت عیسی می باشد.

امام علیه السلام پس شهادت سه دانشمند بزرگ الوقاومرقابوس ومتی را راجع به آنچه نسبت به عیسی گفتند چگونه پاسخ میدهی؟

جائلیق: بر عیسی تهمت و دروغ بسته اند.

حضرت رضا علیه آلاف التحیه والثناء روی مبارک خویش را به حضار مجلسی نموده و فرمودند: بخاطر دارید که جائلیق ایشان را پاک دانست و گفت ایشان دانشمندان و علما، انجیل هستند و حرفشان درست است.

جائلیق: ای عالم و دانشمند عالیقدر مسلمانان از شما تقاضا دارم مرا نسبت به گفته های ایشان معاف دارید.

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: ما ترا معاف کردیم هر چه دلت میخواهد از ما پرس؟

جائلیق: من مغلوب و محکوم شدم بحق حضرت مسیح من خیال نمی کنم در میان دانشمندان مسلمان عالمی و دانشمندی مثل و مانند شما باشد اجازه بفرمائید دیگران از شما پرسند که من تسلیم شما هستم. حضرت رضا علیه السلام: روی مبارک خویش را به رأس الجالوت نمود و فرمود تو از من سؤال می کنی یا من از تو سؤال کنم؟

رأس الجالوت: من از شما سؤال می کنم ولی اگر شما از غیر تورات و انجیل وزبور یا صحف ابراهیم و موسی دلیلی بیاورید از نظر من پذیرفته نخواهد بود. حضرت رضا علیه آلاف التحیه والثناء فرمودند: جز آنچه که تورات بزبان موسی از آن سخن گفته و آنچه انجیل به زبان عیسی و آنچه زبور به زبان داوود حرف زده است دلیل و برهانی از من مپذیر.

رأس الجالوت از کجا نبوت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) را ثابت میکنی؟

ص : ۱۸

امام علیه السلام : گواهی داده اند به نبوت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)، موسی بن عمران، عیسی بن مریم، و داوود خلیفه خدای عز و جل در روی زمین!

راس الجالوت : قول موسی را که به نبوت حضرت محمد گواهی داده بر من ثابت بفرمائید.

امام علیه السلام: ای مرد یهودی آیا میدانی که موسی سفارش کرد بنی اسرائیل را و به آنان فرمود.

(که به زودی پیامبری از برادران شما خواهد آمد او را بپذیرید و تصدیق کنید و گفتار و سخنانش را بپذیرید) و این را میدانی که برای بنی اسرائیل برادری نبود مگر از فرزندان اسماعیل و اگر تو نسبت قرابت بین اسماعیل و اسرائیل را بدانی و بشناسی که نسبت آندو از طرف ابراهیم خلیل است مطالب کاملاً روشن میشود.

راس الجالوت: درست است، این سخنان موسی بن عمران است و نمیتوانم رد کنم لذا میپذیرم

امام علیه السلام فرمودند: آیا از برادران اسرائیل پیغمبری غیر از محمد به سوی شما آمده است رأس الجالوت عرض کرد: خیر، غیر از ایشان کسی نیامده است. امام علیه السلام فرمودند: این گفتار را درست و صحیح می دانی؟

رأس الجالوت قبول دارم ولی میخواهم این معنی را از تورات بیشتر روشن بفرمائید.

امام علیه السلام: آیا انکار می کنی این قسمت تورات را که میگوید. نور از کوه سینا آمد و برای ما از طرف کوه ساعیردرخشید و از کوه فاران آشکار شد!

رأس الجالوت: این سخنان را می دانم اما از معنی و تفسیر آن درست آگاه نیستم.

ص : ۱۹

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: من ترا کاملا آگاه می کنم، مراد از نوریکه از طرف کوه طور آمد همان وحی خداوند است بر موسی بن عمران در طور سینا و مراد از نور کوه ساعیر همان وحی است که در آن کوه بر حضرت عیسی نازل شد و مراد از کوه فاران همان کوههایی است که تا مکه یکروز راه است و بقول تو وهم دینان تو در تورات اشعیا نبی چنین گفته است که "دو سوارا دیدم که زمین برایشان نوری داد یکی از آن دو برالاغی و دیگری بر شتر سوار بودند" بگوئید بینم شترسوار کی بود و مراد از الاغ سوار کیست؟ رأس الجالوت من اطلاعی ندارم لطفا شما بفرمائید تا آگاه شویم.

امام علیه السلام فرمودند: مراد از الاغ سوار عیسی و مراد از شتر سوار حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است. آیا این در تورات نیست؟

رأس الجالوت: چرا در تورات چنین ثبت است و من قبول دارم.

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: بگوئید بینم حیقوق پیغمبر را می شناسی؟

رأس الجالوت: آری، او را می شناسم. امام علیه السلام فرمودند: حیقوق می گوید چنانکه در کتاب شما هم چنین است که "خداوند از کوه فاران با آیات آمد و آسمانها از تسیح احمد و امتش پر شد و سپاهیان او در دریا حرکت می کنند آنچنانکه در خشکی حرکت می کنند. پس از خراب شدن بیت المقدس با کتابی جدید بیاید" که مراد از آن کتاب قرآن است، آیا این مطلب را می دانی و ایمان می آوری؟ رأس الجالوت: آری حیقوق پیغمبر این سخن را گفته و گفته او را انکار نمی کنم.

امام علیه السلام فرمودند: شما زبور را خوانده اید و میدانید که داوود پیامبر در زبورش چنین فرموده است "خدا یا کسی را مبعوث کن که سنت را بپا دارد. پس از آنکه دچار فترت شد آیا غیر از محمد پیغمبری

ص : ۲۰

را سراغ داری که پس از دوران فترت اقامت سنت کند؟

رأس الجالوت درست است این قول داوود است و ما آنرا می دانیم و انکار هم نمی کنیم ولی مراد از این پیغمبر که اقامه سنت کند عیسی بی مریم است و دوران او دوران فترت است

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: همانا حضرت عیسی که با سنت موسی مخالفتی نکرده زیبا سنت عیسی همان سنت موسی بن عمران بود تا زمانی که خداوند او را به سوی خود برد و در انجیل نوشته شد که " :این بره می رود و پس از او فارقلیط می آید و بارها را سبک می کند و برای شما همه چیز تفسیر می کند و آنچه‌انکه من برای او گواهی می دهم او نیز برای من گواهی می دهد من برای شما امثال آوردم و او برای شما تأویل این امثال را می آورد " آیا این سخنان در انجیل هست و شما ایمان دارید و قبول میکنید؟

- رأس الجالوت : چنین است که می فرمائید منم قبول دارم!

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: از شما می پرسم از پیامبر خودتان

رأس الجالوت : بفرمائید برسید:

امام علیه السلام: دلیل تو بر ثبوت نبوت حضرت موسی چیست؟

رأس الجالوت حضرت موسی با معجزاتی آمد که پیامبران پیشین آن معجزات را نیاوردند!

حضرت رضا علیه السلام: مثلاً چه معجزه ای را موسی آورد که انبیاء دیگر آن را نیاوردند؟

رأس الجالوت: مانند شکافتن دریا، ازدها شدن عصا، زدن عصا به سنگ و جاری شدن دوازده چشمه آب از آن، دست در گریبان بردن وید بیضاء نشان دادن و معجزات دیگری که دیگران قدرت انجام آنرا نداشتند.

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: راست گفתי معجزات موسی همین ها بود که بیان کردی و مردم از آوردن آنها عاجز بودند، اکنون بگو ببینم قبول داری که هرکس معجزاتی بیاورد که مردم از آوردن امثال آن

ص : ۲۱

عاجز باشند. بر شما واجب است که او را تصدیق کنید؟

راس الجالوت: چنین نیست زیرا که موسی بن عمران بواسطه قرب و منزلتش در پیشگاه خداوند بی مثل و مانند بود. بنابراین بر ما لازم نیست که هر کسی که ادعای نبوت کرد او را بپذیریم مگر اینکه مانند موسی بن عمران معجزاتی داشته باشد.

حضرت رضا علیه السلام: پس چطور پیامبران پیش از موسی را پذیرفتید در صورتیکه آنان نه دریا را شکافتند و نه دوازده چشمه آب از سنگ جاری کردند و نه معجزه عصا و ید بیضا مانند موسی بن عمران داشتند

رأس الجالوت: شما عرض کردم هرگاه که بر نبوتشان نشانه و علامتی آورند که مردم از آوردن آن نشانه ها عاجز باشند اگر چه معجزاتشان مانند معجزات حضرت موسی نباشد بر ما لازم است که نبوتشان را تصدیق و امضا کنیم.

امام رضا علیه السلام فرمودند: چه چیز ترا مانع میشود از اینکه اقرار به نبوت حضرت عیسی کنی که حضرت عیسی مردگان را زنده کرد و پیسها را شفا داد و از گل شکل پرنده درست کرد و در آن به فرمان خداوند دمید و بلافاصله آن گل به صورت پرنده ای شده و پرواز کرد.

رأس الجالوت: میگویند عیسی اینکارها را کرد ولیکن ما که ندیدیم؟

حضرت رضا علیه السلام فرمودند: آیا شما معجزات حضرت موسی را دیده اید؟ مگر نه اینست که معجزات حضرت موسی را از افراد مورد اطمینان شنیده ای.

راس الجالوت: چنین است که میفرمائید:

رأس الجالوت در جواب مانده و جواب نداد.

آنوقت حضرت رضا علیه آلف التحیه و الثنا فرمودند: همینطور اخبار متواتر هم رسیده است که عیسی بن مریم چنین و چنان کرد چرا با همین خبرهای شنیده شده موسی را تصدیق می کنید ولی عیسی بن مریم را تصدیق نمی کنید؟

راسی الجالوت در جواب ساکت مانده و جواب نداد.

امام رضا علیه آلف التحیه و الثنا فرمودند: هم چنین است نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و آنچه را که او آورده بلکه نبوت هر پیغمبری که برانگیخته شده، یکی از علامات پیغمبر اسلام این است که او یتیم و فقیر و تهیدست و شبان بود و نه کتابی خواند و نه آموزگاری داشت ولی قرآنی آورد که داستان همه پیامبران پیشین و خبرهای ایشان حرف به حرف همه در آن موجود است اخبار جمعیت هائی که تا روز قیامت بیایند همه در آنجاست مردم را از اسرار و رازهای نهانی که در خانه هایشان دارند و کارهایی که انجام می دهند آگاه می کند و خبر می دهد و آیات زیادی که آمار و شماره اش زیاده است با خودشان می آورند.

رأس الجالوت: خبر عیسی و محمد در پیش ما درست نیست. برای ما چیزی که روشن نیست نمی توانیم بپذیریم و قبول کنیم.

امام علیه السلام فرمودند: پس آنانی که به نبوت حضرت محمد و عیسی

خبر دادند گواه زور (مراد رد کلام به انبیا ایشان است: مثل موسی و داوود ... یعنی رد اخبار نمودن حضرت محمد و عیسی رد نمودن موسی و داوود

و غیره است زیرا آنان بر نبوت ایشان گواهی داده اند) بوده اند.

ص : ۲۲

رأس الجالوت در جواب مانده و پاسخ نداد

. البته نقل مناظرات مولی الكونین حضرت علی بن موسی الرضا خود کتاب مفصلی می خواهد و این مختصر طاقت و گنجایش آنرا ندارد ولدا با اجازه از پیشگاه عالی مقام حضرتش به این بخش خاتمه داده و بخش دوم از فصل اول را بنام نامی پسر تاجدارشان حضرت مهدی موعود عج الله تعالی فرجه الشریف

باز می نمائیم ،

بخش دوم : بشارات

مبحث بشارات

مقدم مبارک بزرگترین پیامبران ، نبی موعود انبیاء و اولیاء فرستاده شده در آخرالزمان که بدین اسامی بدو اخبار کردند :

(محمد، شیله، نبی مثل موسی، احسن الناس، افضل البشر، صاحب عصای آهنین، پسندیده، فارقلیط، احمد، منجلی از پاران (فاران)، مبعوث از میان قومی جاهل و نادان، مبارک تا ابدالآباد، دارای فرزندان صاحب عدالت، صاحب شتر قرمز، صاحب شمشیر، صاحب بلاغت، دشمن شرارت، دوستدار عدالت، صاحب عجائب از دست راست ، صاحب تیر تیز بر دشمنان ، صاحب اطاعات اغنیاء، کسی که نامش پشت در پشت مذکور است، صاحب جمیع امتهای، صاحب عدالت و صاحب حلم ، صاحب صدق ، صاحب تکبیرات خدا در دهان اولیاء و پیروانش، رحمت عظیم، شکنده ظالم، مولود عا قره مکه ، خوارکننده دشمنان، پایان برنده رسالت پیامبران ، گرمی دارنده خون امم و جمع کننده ایشان و ناجی ایشان، صاحب جلال ملکوتی، واسطه نزول برکات، صاحب دین حفظ شده تا ابدالآباد، نابود کننده دشمنان خدا، برگزیده از خلائق، رسول خدا، مدرک حق ، مدرک حق

ص: ۲۳

رحمت برای عالمیان، بزرگترین از اسلاف، عالیترین از اخلاف، امی، مبعوث از عرب، صابر در ذات خداوند، آخرین انبیاء، حبیب خدا، صاحب صورت قمر مثال، آئینه تمام نمای جلالت و عظمت خداوند، رسول الله، صاحب دوازده وصی و جانشین صلی الله علیه و آله و سلم را به مشهد شریعت تبریک و تهنیت عرض می‌نمائیم.

چنانکه قبلاً "نیز اشاره کردیم جمیع انبیا بطور ضمنی و صریح از نبی معظم مبعوث در آخرالزمان اخبار نمودند و از آنجایی که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند که: "من همان نبی موعودم" ما به عون و عزت خداوند متعال برگزیده ای از این بشارت را بیان نموده و امیدواریم که بتواند چراغ روشنی برای سالکان طریق رستگاری باشد.

بشارت اول

در آیه ۲۱ فصل ۳ اعمال آمده است: (که می باید آسمان او را (مسیح را) (عبارات داخل پرانتز در نقل قول از متون از مولف است). بپذیرد تا زمان معاد کل اشیاء که خدا از بدو عالم به زبان جمیع انبیای مقدس از آن اخبار نمود (فرا رسد) زیرا موسی به اجداد گفت که خداوند خدای شما نبی ئی مثل من از میان برادران شما (بنی اسماعیل) برای شما برخواهدانگیخت و کلام او را در هر چه به شما حکم کند بشنوید و هرنفسی که آن نبی را نشنود از قوم منقطع گردد (آیه ۱۴ سوره آل عمران) و جمیع انبیاء نیز از سموئیل و آنانی که بعد از او تکلم کردند از این ایام اخبار نمودند، مقصود از این ایام (زمان معاد کل اشیاء چنانکه حضرت موسی اشاره می فرماید زمان رسالت آخرین نبی معظم موعود یعنی حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و عجل فرجهم و اهل بیت عصمت و طهارت ایشان صلوات الله

علیهم اجمعین است).

بشارت دوم

موسی از قول خداوند در آیه ۱۷ و ۱۸ فصل ۱۸ سفر تثنیه (تورات مثنی) می گوید:

(... خداوند به من گفت آنچه گفتند نیکو گفتند*... نبی برای ایشان

ص: ۲۴

از میان برادران ایشان (یعنی بنی اسماعیل) مثل تو (لازم به تذکر نیست که حضرت موسی از بسیاری جهات به نبی معظم ما مسلمانان شباهت دارد مثل داشتن ازواج متعدد، حلالیت امر جهاد در شریعتش، و). مبعوث خواهم کرد و کلام خود را به دهانش خواهم گذاشت و هر آنچه به او امر فرمایم با

ایشان خواهد گفت و هر کسی که سخنان مرا که او به اسم من میگوید نشنود من از او مطالبه خواهم کرد (البته این مطالبه به حساب روز قیامت مربوط میشود چنانچه در آیه ۱۴ سوره آل عمران مذکور است) "...

بشارت سوم

خداوند در فصل ششم از کتاب یوشع نبی در جمله ۵ و ۶ پس از اینکه قوم اسرائیل را به بدی یاد میکند از رحمت و داوری خویش یعنی حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم که روزی به جهان می آید چنین سخن می گوید.... " : بنابراین من ایشانرا به وسیله انبیا قطع نمودم (یعنی به ایشان خبر دادم که آنها را ترک خواهم نمود) و به سخنان دهان خود ایشان را کشتم (یعنی به ایشان گفتم که قومی دیگر انتخاب کرده لذا ایشان از من نا امید (اطلاق لفظ کشتن برای رساندن معانی ناامیدی و یا بی سرپرستی مذهبی می باشد).

و داوری من مثل نور ساطع می شود* زیرا که رحمترا پسند کردم و نه

قربانی را و معرفت خداوند را بیشتر از قربانیهای سوختنی *

ص : ۲۵

بشارت چهارم

در آیه ۲۱ فصل ۳۲ تورات مثنی (سفر تثئیه) چون بنی اسرائیل خداوند را به اصرار در اعمال باطل خوار کرده و کتاب را ضایع می کردند خداوند متعال وعده فرمودند که در میان قومی وحشی و نادان که مهد جهل و حماقت باشند جلال مبارک خویش را تجلی دهند یعنی به ظهور حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم برایشان غضب کرده ایشان را خشمناک کند.

۲۱- (... و فرزندانى که امانتى (یعنى کتب و دستورات را ضایع کرده از بین می برند.) در میان ایشان نیست * ایشان مرا به آنچه خدا نیست. به غیرت آوردند * و با اباطیل خود مرا خشمناک گردانیدند * و من ایشانرا به آنچه قوم نیست به غیرت خواهم آورد و به امت باطل ایشان را خشمناک خواهم ساخت * ...)

(یعنی ایشان فکر میکنند که من ایشان را ترک نکرده و نبی از قوم دیگر مبعوث نمی کنم و خود را بهترین قوم میدانند و به اباطیل خود مرا خشمناک می کنند. پس ایشان را به علت اعمالشان ترک کرده و به ظهور جلالیت خود از میان قومی نادان ایشان را غضبناک خواهم کرد)

بشارت پنجم

خداوند برکتی را که به جمیع امم وعده نموده است در سفر تثئیه فصل ۳۳ جمله ۱ تا ۵ از زبان موسی به بنی اسرائیل میگوید که:

ص: ۲۶

"و این است برکتی که موسی مرد خدا قبل از وفاتش به بنی اسرائیل برکت داد* گفت یهوه از سینا آمد* از سعیر برایشان طلوع نمود و از جبل فاران درخشان گردید و با کروهای مقدسین آمد* و از دست راست او برای ایشان شریعت آتشین پدید آمد"*....

پس حاصل این بشارت همانطور که امام هشتم حضرت علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحیه والثناء فرمودند مقصود از آمدن خداوند از سینا، نزول آیات تورات بر حضرت موسی است و مقصود از طلوع از سعیر اعطایی انجیل است بر حضرت عیسی و مقصود از درخشش از فاران (که کوه مشهور مکه است)، نزول آیات عظیمه قرآن بر سینه پاک و بی مثال حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است، و مقصود از آمدن شریعت آتشین ظهور پر جلال حضرت ولی عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که قیام قائم آل محمد است به شمشیر عدل و داد. پس از آنکه جهان پر از ظلم و جور شده باشد.

بشارت ششم

حضرت یعقوب در آیه ۱۰ فصل ۴۹ سفر تکوین از وقایع آینده پیشگویی کرده و در مورد حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چنین می فرماید:

.... "عصا از یهودا دور نخواهد شد و نه فرمانفرمایی از میان پایهای وی تا شیلو بیاید و مراو را اطاعت امته خواهد بود*...)" مراد از نرفتن عصا از یهودا و بقاء فرمان فرمایی از میان پایهای وی (مقصود ارتباط این شرایع است یعنی پیامبری حضرت عیسی که از نسل اسحاق است)

ص : ۲۷

تا زمان آمدن شیله، باقی بودن شریعت حضرت موسی و عیسی است تا زمان ظهور حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم که در زمان قیام دوازدهمین وصی ایشان عجل الله تعالی فرجه الشریف بکلی منسوخ شده و امتها فقط ایشان را اطاعت خواهند نمود.

بشارت هفتم

حضرت داود در مزمور ۴۵ اوصاف پیامبر موعود را چنین بیان می کند :

"دل من به کلام نیکومی جوشد* انشاء خود را در باره پادشاه (که مقصود نبی معظم آخر الزمان حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم باشد) می گویم زبان من قلم کاتب ماهر است* تو جمیلتر هستی از بنی آدم (یعنی برگزیده از آدمیان هستی) و نعمت بر لبهای تو ریخته شده است (یعنی لبهای تو به وحی تکلم میکند) بنابراین خدا ترا مبارک ساخته است تا ابدالآباد ای جبار (جبار در معنی همردیف پادشاه پر جلال است). شمشیر خود را بران بپند یعنی جلال و کبریایی خویش را* و به کبریایی خود سوار شو غالب شو بجهت راستی و حلم و عدالت دست راستت چیزهای ترسناک را بتو خواهد آموخت (کنایه از اینکه خداوند بزرگ از سختیها و حوادث تو را نجات خواهد داد) به تیرهای تیز تو امتهای زیر تو میافتند (یعنی تسلیم تومی شوند) و به دلها دشمنان پادشاه فرو میرود (کنایه از اینکه دشمنان تو از بین می روند) ای خدا تخت تو تا ابدالآباد است (کنایه از اینکه پادشاهی این شریعت خداوند لازوال است) عصای راستی عصای سلطنت توست (یعنی حکومت واقعی حکومتی است که از سلطنت تو باشد و تو آن را ارزانی کنی)* عدالت را دوست و شرارت را دشمن داشتی بنابراین خداوند) خدای تو ترا به روغن شادمانی بیشتر از رفقاییت مسخ کرده (یعنی

ص : ۲۸

به واسطه سجایای اخلاقی تو خداوند ترا به جمیع انبیاء دیگر فضیلت داده است).....

بشارت هشتم

در زبور شصت و هفتم حضرت داوود علیه السلام به پیشگاه خداوند

دعا میکند تا هرچه زودتر نبی موعود بیاید و دین او جهان را تسخیر کرده و امم باهم جمع شده و زمین برکت خود را عرضه کند* (خدای ما رحم کند و ما را مبارک سازد، و نور روی خود را بر ما متجلی سازد سلاه* تا راه تو در جهان معروف گردد* و نجات تو (یعنی حضرت مهدی) به جمیع امتهای (ظاهر شود)* ای خدا قومها ترا حمد گویند* امتهای جهان را هدایت خواهی کرد سلاه* ای خدا قومها ترا حمد گویند* آنگاه زمین (یعنی در زمان حضرت مهدی علیه السلام) محصول خود را خواهد داد* و خدای ما ما را مبارک خواهد فرمود* خدا ما را مبارک خواهد فرمود و تمامی اقصای

جهان از او خواهند رسید.

بشارت نهم

حضرت داوود علیه السلام باز در مزبور هفتاد و دوم برای رهایی امتهای و آمدن بنی موعود و پسرش حضرت مهدی دعا کرده می فرماید:

(ای خدا انصاف خود را به پادشاه ده و عدالت خویش را به پسر

ص : ۲۹

پادشاه* (مقصود مظاهر جلوه را چنین بنما یعنی پادشاه (یعنی حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم) چنانکه مظهرانصاف و پسر پادشاه (یعنی حضرت م، ح، م. د مهدی علیه السلام) گسترش عدل در سراسر عالم باشند.) و اوقوم ترا بعدالت داوری خواهد نمود و مساکین ترا به انصاف

آنگاه کوهها برای قوم سلامتی را بار خواهند آورد و تلها نیز در عدالت مساکین قوم را دادرسی خواهد نمود و فرزندان فقیر را نجات خواهد داد

وظالمان را زبون خواهد ساخت و از تو خواهند ترسید مادامیکه آفتاب باقی است و مادامیکه ماه هست تاجمیع طبقات* (یعنی با ظهور این دو ملک صلوات الله علیهم اجمین تا قیامت این آثار باقی است) او مثل باران بر علفزار چیده شده فرود خواهد آمد و مثل بارشهایی که زمین را سیراب می کند. در زمان او صالحان خواهند شکفت (یعنی آن روز روزی است که در آن مومنین و صالحین عزت خواهند یافت (اللهم عجل فرج صاحب العصر و الزمان) از دریا تا دریا و از نهر تا اقصای جهان* به حضور وی صحرانشینان گردن خواهند نهاد و دشمنان او خاک را خواهند لیسید* پادشاهان ترشیش و جزایر هدایا خواهند آورد پادشاه شبا و سبا ارمغانها خواهند رسانید (کنایه از اینکه جمیع قبائل و امتهای ایشان را پیروی کرده و به اطاعت حضرتش گردن می نهند) و جمیع سلاطین او را تعظیم خواهند کرد و جمیع امتهای او را بندگی خواهند نمود* اللهم عجل فرج قائم آل محمد)

بشارت دهم

خداوند به زبان اشعیا نبی در فصل ۴۲ از کتاب او گفتار بسیار مفصلی

راجع به نبی موعود حضرت محمد مصطفی دارد که ما آنرا مختصرا در اینجا بیان می کنیم :

(اینک بنده، من که او را دستگیری نمودم (یعنی او را از بلا یا و خطرات نجات دادم) و برگزیده من (از مخلوقات من) که جان من از او خوشنود است (یعنی حبیب من است) من روح خود را بر او می نهم (یعنی او را به وحی از خود قادر می کنم) تا انصافا فراموشها صادر سازد* او فریاد نخواهد زد و آواز خود را بلند نخواهد نمود و آنرا در کوچه ها نخواهد شنواید (یعنی چنین عمل نمودن برخلاف اخلاق شریفه آن حضرت است)، نی خوردشده را نخواهد شکست و فتیله ضعیف را خاموش نخواهد ساخت (یعنی بر ضعیف ترحم خواهد نمود) تا عدالترا براستی صادر گرداند* اوضاع ضعیف نخواهد گردید و منکسر نخواهد شد تا انصاف را بر زمین قرار دهد (یعنی شریعت او از بین نمی رود تا اینکه عالمگیر شود) و جزیره ها منتظر شریعت او باشند خدا یهوه که آسمانها را آفرید و آنها را پهن کرد و زمین و نتایج آنرا گسترانید و نفس را به قومی که در آن باشند و روح را بر آنانی که در آن سالکند می دهد، چنین می گوید* (یعنی خداوندی که خالق جهان است چنین میگویند) (که ای نبی مکرم و معظم) من که یهوه هستم ترا به عدالت خوانده ام و دست ترا گرفته ترا نگاه خواهم داشت (یعنی از جمیع شرور و فتن ترا حفظ خواهم نمود) و ترا عهد قوم و نورامتها خواهم گردانید یعنی به جهت ایمان به تو نجات یابند و تو چراغ هدایت امتها باشی) تا چشمان کورانرا بگشایی و اسیران را از زندان و نشینندگان در ظلمت را از محبس بیرون آوری (یعنی ایشان را از کوری ایمان و زندان کفر و ظلمت جهل به نور معرفت کرد. کار بیرون بیاوری)* من یهوه هستم واسم من همین است و جلال خود را به کسی دیگر و ستایشی خود را به بت های تراشیده نمی دهم (کنایه از اینکه نمیگذارم که نام و جلال و ستایش من از آن دیگری باشد تا مگر آنرا به دست نبی موعودم به ظهور برسانم)* اینک وقایع نخستین واقع شد و من از چیزهای

ص: ۳۱

نو (که در آینده باید واقع شود) اعلام میکنم و قبل از آنکه بوجود آید شما را از آنها خبر می‌دهم ای شما که بدریا فرود می‌روید وای آنچه در آن است ای جزیره‌ها و ساکنان آنها سرود نو را به خداوند و ستایش وی را از اقصای زمین بستائید (کنایه از اینکه خداوند متعال را تسبیح گویند به جهت ارسال سرودنو دین جدید که به حق هم اکنون بیش از پیش سزاوار ستایش، شده است) صحرا و شهرهایش و قریه‌هایی که اهل قیدار (ابن اسماعیل) در آنها ساکن باشند آواز خود را بلند نمایند و ساکنان سالع ترنم نموده از قله کوهها نعره زننده برای خداوند جلال او را توصیف نمایند و تسبیح او را در جزیره‌ها بخوانند خداوند مثل جبار بیرون می‌آید و مانند مرد جنگی غیرت خویش را برمی‌انگیزد فریاد کرده و نعره خواهد زد و بر دشمنان خویش

غلبه خواهد نمود* (کنایه از اینکه هرچه رسولان فرستادم نتوانستند جلال مرا تجلی دهد ولیکن اکنون خود اراده کردم) از زمان قدیم خاموش مانده و ساکت مانده خودداری نمودم (۱) * الان مثل زنی که میزاید نعره خواهم کشید (۲) (کنایه از اینکه با رسولان قبلی مثل این بود که خاموش و ساکت بوده باشم ولیکن با ظهور رسالت از نبی موعود همچنان است که (۲) بی‌مهابا فریاد کنم) کوهها و تلها را خراب کرده تمامی گیاه آنها را خشک خواهم ساخت و نهرا را جزایر خواهم گردانید و برکه‌ها را خشک خواهم ساخت (از جملات بعد معلوم میشود . مقصود از این کوهها و تلها نابودی جلوه‌های کفر و نفاق به دست توانای نبی معظم موعود صلی الله علیه و آله و سلم است زیرا که می‌فرماید:) و کورانرا به راهی که ندانسته‌اند رهبری نموده ایشان را بطریق‌هایی که عارف نیستند هدایت خواهم نمود* ظلمترا پیش ایشان به نور و کجیرا به راستی مبدل خواهم ساخت این کارها را بجا آورده و ایشان را رها نخواهم نمود آنانی که بر بت‌های تراشیده اعتماد دارند و به اصنام ریخته شده (ساخته شده) می‌گویند که خدایان ما شمائید به عقب

ص: ۳۲

برگردانیده بسیار خجل خواهند شدای کران بشنوید وای کوران نظر کنید (مراد در اینجا کری و کوری به لحاظ ظاهر نیست بلکه این خطاب به بزرگان درگاه حق یعنی، پیامبران و انبیا می باشد یعنی کر و کور در مقام تسلیم و عبودیت یعنی فقر در درگاه حق تعالی. چنانکه فرمودند الفقر فخری یعنی فقر افتخار من است)

تا ببینید * کیست که مثل بنده من کور باشد (یعنی تسلیم اوامر و نواهی من باشد) و کیست که کرباشد مثل رسول من که می فرستم (یعنی کدام یک از انبیاء و مرسلین چنین مقام و مرتبه ای را دارند پس می گوئیم بخدا قسم کسی نیست) و کیست که کور باشد مثل مسلم من و کورمانند بنده خداوند* (یعنی حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم) چیزهای بسیار می بینی اما نگاه نمی دارای گوشها را می کشاید لیکن خود نمی شنود خداوند را بخاطر عدل خود پسند آمد که شریعت خود (یعنی شریعت پیامبر آخرالزمان حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم را) تعظیم و تکریم

نماید* الی آخر)

بشارت یازدهم

اشعیاء نبی در فصل ۵۴ به زبان خداوند متعال اوصاف مکه (محل ظهور پیامبر آخرالزمان) را چنین بیان می فرماید:

(ای عاقره ای که نزاينده ای بسرا، ای که درد زه نکشیده ای به آواز بلند ترنم نما و فریاد برآور زیرا خداوند می گوید پسران زن بیکس (هاجر) از پسران زن منکوحه (ساره) زیادترند (یعنی ای مکه (فاران) ای عاقره ای که آبستن صاحب حکم نشده ای یعنی پیامبری از تو مبعوث نگردیده است در خود احساس شادمانی کن که خداوند می فرماید پسران زن بیکس (یعنی هاجر

ص : ۳۳

کنیز حضرت ابراهیم علیه السلام که والده محترم حضرت اسماعیل جد گرامی حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم می باشد. از زن منکوحه (یعنی ساره والده حضرت اسحاق) زیادترند کنایه از اینکه ثقل مقام نبوت در بنی اسماعیل از بنی الاسحاق فوق العاده زیادتر است). مکان خیمه خود را وسیع گردان و پرده های مسکنهای توپهن بشود دریغ مدار طنابهای خود را دراز کرده و میخهایت را محکم بساز (کنایه از اینکه آماده وسعت باش) زیرا که بطرف راست و چپ منتشر خواهی شد و ذریت تو امتها را تصرف خواهند نمود و شهرهای ویران رامسکون خواهند ساخت (یعنی آئین آن نبوت که از تو روئیده می شود عالمگیر و دربرگیرنده همه امتها خواهد بود) مترس زیرا خجل نخواهی شد و مشوش مشو زیرا که رسوا نخواهی گردید (یعنی که این آئین پایدار است تا ابدالآباد و خداوند آنرا از شرور حفظ میکند) چونکه خجالت جوانی خویشرا فراموشی خواهی کرد و عار بیوگی خود را دیگر بیاد نخواهی آورد

(یعنی با ظهور نبی معظم موعود صلی الله علیه و آله و سلم چنان به مجد و عظمت می رسی که عار بیوگی (عار اینکه از تو نبی برنخاست) را فراموش خواهی کرد زیرا آفریننده تو که اسمش یهوه صباپوت است شوهر توست (کنایه از اینکه تورا رها نمی کند) و قدوس اسرائیل که به خدای تمام جهان مسمی است ولی تو می باشد .

زیرا خداوند ترا مثل زن مهجور ورنجیده دل خوانده است و مانند زوجه جوانیکه ترک شده باشد* خدای تو اینرا می گوید* زیرا به اندک لحظه ترا ترک کردم اما به رحمتهای عظیم ترا جمع خواهم نمود (که رحمت عظیم کنایه از نزول انوار طیبیه و طاهره حضرت محمد مصطفی و دوازده وصی عالیقدر ایشان

ص : ۳۴

صلوات الله و سلامه عليهم اجمعين به بطن این عاقره میباشد) و خداوند ولی تو می گوید بجوشش غضبی خود را از تو برای لحظه ای پوشانیدم اما به احسان جاودانی بر تو رحمت خواهم فرمود زیرا که این برای من مثل آبهای نوح می باشد (کنایه از اینکه تورا مفتخر به دین پیامبر آخرالزمان حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و دوازده وصی اوصلوات الله عليهم اجمعين می نمایم که به واسطه آن تا ابدالآباد عزیز و گرامی باشی) چنانکه قسم خوردم که آبهای نوح بار دیگر بر زمین جاری نخواهد شد همچنان قسم خوردم که بر تو غضب نکنم و تراعتاب ننمایم هر آینه کوهها زایل خواهد شد و تلها متحرک خواهد گردید لیکن احسان من از تو زائل نخواهد شد و عهد سلامتی (کنایه از شرع جاودانه اسلام است) من متحرک نخواهد گردید خداوند که بر تو رحمت می کند این را میگوید* ای رنجانیده و مضطرب شده که تسلی نیافته اینک من سنگهای ترا در سنگ سرمه نصب خواهم کرد و بنیاد ترا دریاقوت زرد خواهم نهاد یعنی تا عزت یابی (یعنی ای مکه ای که از نبوت انبیا عاقره هستی اکنون به رحمتی که خداوند عالم برای بشر فرستاد عزت یافتی که لازوال است و حفظ شده تا ابدالآباد) و منارهای ترا از لعل و دروازه هایت را از سنگ بهرمان و تمامی حدودتر از سنگهای گران قیمت خواهم ساخت و جمیع پسرانت از خداوند تعلیم خواهند یافت یعنی به علت مقام والایی که دارند مستقیما از خداوند تعلیم می گیرند (که به علم لدنی معروف است)، و پسرانت را سلامتی عظیم خواهد بود یعنی مراتب بهشت موعود وعده کرده خداوند را مالکنند) (پس بزودی

ص : ۳۵

با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) در عدالت ثابت شده و از ظلم (بکلی) دور مانده و نخواهی ترسید و هم از آشفستگی دور خواهد ماند و با تو نزدیکی نخواهند نمود همانا جمع خواهند شد اما نه به اذن من آنانی که به ضد تو جمع شوند بسبب تو خواهند افتاد (یعنی تو در پناه من هستی)، اینک من آهنگری را که ذغال را به آتش دمیده آلتی برای کار خود بیرون می آورد آفریدم و من نیز هلاک کننده را برای خراب نمودن آفریدم (پس مقصود از این آهنگر و ثمره او که هلاک کننده است وجود اقدس و نازنین مولی المولی امیرالمومنین علی علیه السلام و ذوالفقار بی امان ایشان است که در جنگل خشک کفر و شرک افتاده به جهت خدا و رسول همه شان را ریشه کن فرمود)

هر آلتی که به ضد تو ساخته شود پیش نخواهد برد و هرزبانی را که برای محاکمه بضد تو برخیزد تکذیب خواهی نمود* (کنایه از دشمنان تو محکوم بر شکستند)*

بشارت دوازدهم

در این بشارت خداوند وعده میفرماید که از نسل حضرت اسماعیل دوازده

رئیس پدید آمده و امتی عظیم از وی پدید آورد. در فصل هفدهم از سفر پیدایش (تکوین - آفرینش) جمله ۲:

(....)* اما در خصوص اسماعیل ترا اجابت فرمودم (زیرا حضرت ابراهیم در دعا نسبت به فرزندان خود (۱۸) اسماعیل را خطاب

کرده و از خدا می خواهد (... و ابراهیم به خدا گفت ای کاش اسماعیل در حضور تو زیست کند ۱۰۰۰۰)) اینک او را

ص : ۳۶

برکت داده بارور گردانم و او را بسیار کثیر گردانم دوازده رئیس (البته در متون اصلی عهد عتیق (چنانکه مشهور است) مادامد و یا طاب طاب آمده که مقصود از آن ظهور دوازده وصی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و مقصود از امت عظیم امت یکپارچه و جهانی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد) از وی پدید آیند و امتی عظیم از وی بوجود آورم* لیکن عهد خود را (فعلا) با اسحاق استوار خواهم ساخت.....)

که مقصود ظهور حضرت رسول اکرم و در نتیجه پدید آمدن دوازده رئیس که انشاء الله بزودی زود با ظهور دوازدهمین وصی عالیقدر یعنی آخرین ذخیره خداوند امتهای عالم بزیر یک پرچم الهی جمع می شوند.

بشارت سیزدهم

خداوند متعال در فصل ۶۵ از کتاب اشعیا نبی در مورد قومی که آنها را برگزیده و به ایشان پاسخ مثبت داده یعنی (به نام خود برگزیده است) یعنی اعراب را معرفی میکند و می فرماید (آنانیکه مرا طلب نمودند مراجستند و آنانیکه مرا طلب نمودند مرا یافتند و به قومی که به اسم من نامیده نشدند گفتم لیک لیک (در عربی به پاسخ مثبت اطلاق می شود)* تمامی روز دستهای خود را به سوی قوم متمریدی که موافق خیالات خود براه ناپسندیده سلوک می نمودند دراز کردم* زیرا ایشان قومی بودند که پیوسته در راه غیر مرضی

ص : ۳۷

حق قدم برمی داشتند و هیچگاه خداوند را طلب ننموده و به اسم او خوانده نشدند (یعنی از ایشان پیامبری مبعوث نشد) خداوند اینک فرمود لیک (یعنی این قوم را اجابت کرد تا از مهد کفر کل ایمان را تجلی دهد).

بشارت چهاردهم

خداوند تبارک و تعالی بزبان دانیال نبی بنو کد نصر (یعنی بخت النصر) را از آمدن پیامبر آخرالزمان خبر می دهد:

در فصل دوم دانیال نبی آمده است که بخت النصر در سال دوم سلطنت خود خواب ترسناکی می بیند سپس امر میکند، مجوسیان و جادوگران و فالگیران.... را تا این خواب را برای او تعبیر کنند چون ایشان از تعبیر آن عاجز می شوند (۶) بشدت خشمگین شده امر می کند سردار خود را (۱۲) که جمیع ایشان را هلاک کند و در این میان چون خواستند که دانیال و همراهان او را (که جزء انبیاء الهی بودند) را به بهانه عدم دانش و حکمت بقتل برسانند (۱۹) دانیال از خداوند میخواهد او را به کیفیت این خواب مطلع کند پس چون دانیال قول داد که خواب را برای پادشاه بیان کند او را به حضور بخت النصر می برند (۲۷) (دانیال به حضور پادشاه جواب داد و گفت رازیرا که پادشاه می طلبد نه حکیمان و نه جادوگران و نه مجوسیان و نه منجمان میتوانند آن را برای پادشاه حل کنند لیکن خدایی در آسمان است که کشف اسرار می باشد و او امروز اراده کرده است) بنو کد نصر پادشاه را از آنچه در ایام آخر (یعنی در دوره آخرالزمان) واقع خواهد شد اعلام نموده است. خواب تو و رویای تو سریست که در بستر دیده ای این است ای پادشاه فکرای تو بستر درباره آنچه

ص : ۳۸

بعد از این واقع خواهد شد بخاطرت آمد و کشف الاسرار ترا از آنچه (در آینده) واقع خواهد شد مخبر ساخته است* و اما این راز بر من از حکمتیکه من بیشتر از سائر زندگان دارم مکشوف نشده است بلکه تا تعبیر بر پادشاه معلوم شود و فکرهای خاطر خود بدانمی* تو ای پادشاه میدیدی و اینک تمثال عظیمی بود و این تمثال بزرگ که درخشندگی آن بینهایت و منظر آن هولناک بود پیش روی تو برپا شد (چنانکه بعد کلا توضیح خواهیم داد مقصود از برپا شدن این تمثال، آمده چهار سلطنت با اقتدارات مختلف به جهان است که پس از آن زمان شروع سلطنت بی زوال پادشاه آخرالزمان یعنی زمان ظهور و فرمانفرمایی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و دوازده وصی گرامی ایشان صلی الله علیه اجمعین است چنانچه دانیال در تعبیر می گوید)

سراین تمثال از طلای خالص (مقصود حکومتی است که از نظر مساحت محیط کمی را در برداشته ولی

(طلا) اقتدار فراوانی دارد. (حکومت بخت النصر))، سینه و بازوهایش از نقره (مقصود از آن حکومتی است که از حکومت اول ضعیفتر ولی محیط قدرت اقتدارش وسیعتر است (که مقصود سلطنت کورش است)) و شکم

و رانهایش از برنج بود (مقصود حکومتی است که ارزش اقتدارش از نظر اعمال از حکومت قبل کمتر است (حکومت رومیان)) و ساقهایش از آهن و پایهایش قدری از آهن و قدری از گل بود ((یعنی ایجاد حکومتهای مقتدر کوچک کوچک در میان مملکت وسیع (حکومت‌های ملوک الطوائفی) به تشبیه آهن در گل که بعد از بخت النصر فقط می تواند خصیصه حکومت اسکندر رو می باشد زیرا تنها او بود که اساس حکومت‌های ایلی را در فارس گذاشت که از آن ساسانیا ظهور کردند)) و مشاهده می نمودی تا سنگی بدون دستها جدا شده پایهای آهنین و گلین آن تمثال را زد و آنها را خرد ساخت آنگاه آهن و گل و برنج و طلا باهم خرد شده و مثل کاه خرمن تابستانی گردیده باد آنها را آنچنان برد که جایی بجهت آنها یافت نشد. و آن سنگ که تمثال را زده بود کوه عظیمی گردید و تمامی جهان را پرسیخت (آنوقت حضرت مهدی قائم آل محمد است که تمامی جهان را پر می سازد). مکرر خواب

همین است و تعبیرش را برای پادشاه بیان خواهیم نمود* ای پادشاه تو پادشاه، پادشاهان هسنی زیرا خدای آسمانها سلطنت و اقتدار و قوت و

ص : ۳۹

حشمت به او داده است و در هر جائیکه بنی آدم سکونت دارند حیوانات صحرا و مرغان هوا را با دست تو تسلیم نموده و ترا بر جمیع آنان مسلط گردانیده است، آن سرطلا تو هستی و بعد از تو سلطنتی بهتر از تو خواهد برخاست. و سلطنت سومی دیگر از برنج که بر تمامی جهان سلطنت خواهد نمود و سلطنت چهارم مثل آهن قوی خواهد بود زیرا آهن همه چیز را خرد و نرم خواهد ساخت چنانکه پایها و انگشتها را دیدی که قدری از گل کوزه گر و قدری از آهن بود همچنان این سلطنت منقسم خواهد شد و قدری از قوت آهن در آن خواهد ماند موافق آنچه دیدی که آهن با گل سفالین آمیخته شده بود و اما انگشهای پایش قدری از آهن و قدری از گل خواهد بود همچنان این سلطنت قدری قوی و قدری زودشکن خواهد بود (که مقصود حکومت ساسانیان است که مقارن زوال این قدرت و شکست آن، خداوند سلطنت ابدی محمد و آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین را برپا می کند). و چنانکه دیدی که آهن با گل سفالین آمیخته شده بود اینها خویشتن را با ذریت انسان آمیخته خواهند کرد (مقصود از میان یکدیگر ترویج می کردند تا قدرت

ص : ۴۰

بیشتر یابند) اما به نحوی که آهن با گل ممزوج نمیشود همچنین اینها با یکدیگر ملحق نخواهند شد و در ایام این پادشاهان (پادشاهان ساسانی) خدای آسمان ها سلطنتی را که تا ابدالآباد زایل نشود برپا خواهد نمود و این سلطنت به قومی دیگر منتقل نخواهد شد بلکه تمامی آن سلطنتها را خرد کرده مغلوب خواهد ساخت و خودش تا ابدالآباد مستقر خواهد ماند و چنانکه سنگرا دیدی که بدون دستها از کوه جدا شده (یعنی حضرت مهدی صاحب الزمان عجل الله فرجه الشریف که از طرف خدای متعال می آید) آهن و برنج و گل و نقره و طلا- را خرد کرد. همچنین خدای عظیم پادشاه را از آنچه بعد از این واقع می شود مخبر ساخته است، پس خواب صحیح و تعبیرش یقین است) پس بطور خلاصه خداوند به زبان دانیال نبی اخبار می فرماید که در آخر الزمان پیامبری را پس از اقتدار و ضعف حکومت‌های چندی مبعوث می فرماید و سرانجام سلطنت همه جهان را به ایشان می دهد هر چند کافران کراحت داشته باشند.

بشارت پانزدهم

حضرت دانیال نبی در فصل هفتم و هشتم از کتاب خود مفصلاً "قدرت نمایی چهارسلطان را تا زمان ظهور حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و ضعف این قوم و ظهور جلال مظهر حضرت قدیم الایام یعنی مهدی قائم آل محمد علیه صلوات الله الملك الاکبر را شرح می فرماید: فصل ۷ آیه ۱* (در سال اول بلشصر پادشاه بابل دانیال در بسترش خوابی و رویاهای سرش را دید پس خواب را نوشت و کلیه مطالب را بیان نمود (یعنی جمیع وقایع را اخبار کرد)* پس دانیال متکلم شده گفت شبگاهان در عالم

رویا شده دیدم که ناگاه چهار باد آسمان بر روی دریای عظیم تاختند (که کنایه از اراده ظهور چهار قدرت بر صحنه عالم است)

(یعنی) چهار وحش (اطلاق لفظ وحشی به جهت ستیزه گری و مخالفت ایشان با اراده، حضرت حق جل جلاله است) بزرگ که مخالف یکدیگر بودند (به ترتیب) از دریا بیرون آمدند (یعنی در عالم ظهور کردند) اول آنها مثل شیر بود و بالهای عقاب داشت و من نظر کردم تا بالهایش کنده شد و او از زمین برداشته شده برپایهای خود مثل انسان قرار داده گشت و دل انسان به او داده شد (یعنی حکومت او زائل شد که مقصود حکومت بخت النصر است) و اینک وحش دوم دیگر مثل خرسی بود و بریکطرف خود بلند شد و در دهانش در میان دندانهایش دنده بود و ویرا چنین گفتند (که مقصود حکومت هخامنشیان است). برخیز و گوشت بیار بخور مقصود از دنده دندانها ظهور شاهانه سلسله است) بعد از آن نگریستم و اینک دیگری مثل پلنگ بود که با پشتش چهار بال مرغ و این وحشی چهارسر داشت و سلطنت به او داده شد (که مقصود حکومت رومیان است). بعد از آن در رویاهای شب نظر کردم و اینک وحشی چهارم که هولناک و مهیب و بسیار زورآور بود و دندانهای بزرگ آهنین داشت و باقی مانده را می خورد و پاره پاره می کرد و پبایهای خویش پایمال می نمود و مخالف همه وحوشی که قبل از او بودند بود و ده شاخ داشت پس در این شاخها تامل می نمودم که اینک از میان آنها شاخ کوچک دیگری برآمد و پیش رویش سه شاخ از آن شاخ های اول از ریشه کنده شد (کنایه از اینکه اقتدار آنها رو به زوال رفت) و اینک این شاخ چشمانی مانند چشم انسان و

ص : ۴۲

دهانی که به سخنان تکبرآمیز متکلم بود داشت و نظری کردم تا کرسیها برقرار شد و قدیم الایام جلوس فرمود (که مقصود حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم است) و لباسی او مثل برف سفید و موی سرش مثل پشم پاک و عرش او شعله های آتش و چرخهای آن آتش ملتهب بود (یعنی ظهور حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم مصادف است با سلطنت سلطانی متکبر از امپراطوری ضعیف شده ای که در زمان حضرتش آن سلطان از بین میرود، (به احتمال بسیاری قوی این شخص خسرو پرویز که از سلاطین ساسانی وارث امپراطوری ساسانی است میباشد که با رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از در تکبر درآمد بلکه نامه حضرت را پاره کرد) نهی از آتش جاری شده از پیش روی او بیرون آمد هزاران هزار او را خدمت می کردند. و کورها کرور با حضور وی ایستاده بودند دیوان برپا شده و دفترها گشوده گردید (مقصود بیان رسالت به سرتاسر عالم آغاز گردید) آنگاه نظر کردم به سخنان تکبرآمیز آن شاخ (آن سلطان) می گفت (پس از چندی حکومت نحسش واژگون گردیده به درک واصل گردید) پسی نگریستم تا آن وحشی کشته شد و جسد او هلاک گردیده با آتش مشتعل (یعنی به آتش جهنم) تسلیم شد اما سایر وحوش سلطنت را از ایشان گرفتند لیکن درازی عمر تازمانی و وقتی به ایشان داده شد (یعنی فرمانفرایی سلاطین تا زمان ظهور حضرت مهدی قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه. الشریف ادامه دارد) و در آیه بعد به ظهور حضرت مهدی و تسلیم فرمانفرمایی جمیع امتهای و سلطنت بر همه جهان، که به دست ایشان صورت می گیرد خبر می دهد و در رویای شب نگریستم و اینک مثل پسرانسان ((یعنی حضرت صاحب الزمان) با ابرهای آسمان آمد و نزد قدیم الایام رسید و او را به حضور وی آوردند و سلطنت و جلال و ملکوت به او داده شد تا جمیع قومها و امتهای و زبانها او را خدمت نمایند (یعنی همه عالم تحت یک لوا و پرچم قرار گرفته

ص: ۴۳

و یکپارچه سلطنت ایشان را گردن نهند)* سلطنت او سلطنت جاورانی و بی زوال است و ملکوت او زایل نخواهد شد (اللهم عجل فرج قائم آل محمد)

بشارت شانزدهم

یهودا در آیه ۱۴ رساله خود میگوید (.... پس رب با هزار هزار از مقدسین خود آمده تا بر همه داوری کند...).

پس مصداق این بشارت یعنی داوری جمیع قبائل و امم به عدل و انصاف نیست مگر وجود نازنین و والای حضرت مهدی قائم آل محمد صلوات الله علیه و علی آبائه الطاهرین که با هزار هزار از مقدسین (شیعیان خالص) خود تشریف می آورند انشاء الله تعالی.

بشارت هفدهم

البته قبل از اینکه به اصل این بشارت پردازیم می گوئیم، چنانچه دیدیم خداوند تبارک و تعالی برنامه ظهور نبی آخرالزمان و نیز علامتهای وجود مبارکشان صلی الله علیه و آله و سلم را به موسی و انبیاء خبر داد. اما وجه اهمیت این بشارت در این است که خداوند در این بشارت کاملاً تشریح می فرماید که سرانجام نام مبارک خود را از این قوم گرفته و به قومی دیگر یعنی (پیروان نبی معظم آخرالزمان) می دهد و ایشان را ابداً رها نکرده و خدا خواهد بود.

تا از مهد جهل و تباهی، نور خویش را به اعظم خیرات متجلی سازد، البته لازم به تذکر نیست که با وجود اینکه در میان بنی اسرائیل و انبیا ایشان ترک خداوند بنی اسرائیل را و برگزیدن قومی دیگر به جهت تجلی جلال ملکوتی خود امری مسلم بود ولیکن خداوند امر می کند موسی را در آن زمان که این امور را مکتوب نموده تا بر بنی اسرائیل شاهدهی باشد.

ص : ۴۴

خداوند جل جلاله در فصل ۳۰ سفر تثبیه اخبار آینده عالم را به زبان موسی چنین به بنی اسرائیل اخبار می نماید.

فصل ۲۹ جمله ۱۸ (... پس امروز به شما اطلاع میدهم که البته هلاک خواهید شد (یعنی خداوند شما را ترک نموده هلاک خواهید گشت).

فصل ۳۰ جمله ۷ و یوشع (وصی خود) را فرا خوانده و در نزد تمامی اسرائیل و گفت ج ۱۴ در خیمه اجتماع حاضر شوید.... (پس) خداوند به موسی گفت اینک با پدران خود می خوابی (یعنی خواهی مرد) این قوم برخاسته در پی خدایان بیگانه میروند و ۱۷ عهده را که با ایشان بستم خواهند شکست و در آن روز خشم من به ایشان مشتعل شده و ایشان را ترک خواهم کرد.

پس الان این سرود را بنویس و به بنی اسرائیل تعلیم داده آنرا در دهان ایشان بگذار تا این سرود برای من بر بنی اسرائیل شاهد باشد. فصل ۳۲ جمله ۱۹ چون بهوه اینرا دیدایشانرا مکروه داشت

چون که پسران و دخترانش خشم او را به هیجان آوردند. پس گفت روی خود را از ایشان می پوشانم تا ببینم که عاقبت ایشان چه خواهد بود.

طبقه بسیار گردن کشند و فرزندانى که امانتى در ایشان نیست (یعنی کتب را تحریف می نمایند).

ایشان مرا به آنچه خدا نیست به غیرت آوردند و به اباطیل خود مرا خشمناک کردند و من ایشانرا به آنچه قوم نیست به غیرت خواهم آورد و به امت باطل خشمناک خواهم ساخت (کنایه از اینکه حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم و دوازده تن اوصیاء ایشان را مبعوت از قومی جاهل خواهد نمود).

زیرا آتشی در غضب من افروخته شده (پس خداوند در این خطاب اقوام دیگر را به جهت قوم خود ندا کرده و میگوید که با قوم او آواز شادمانی سردهند) ای امتهای با قوم او (نبی آخرالزمان اصلی علیه و آله و

ص : ۴۵

سالم) آواز شادمانی (هدایت و سعادت) (سر) دهید... (پس باز در آخر این فصل قوم یهود را خطاب نموده و می گوید) زیرا این برای شما امر باطل نیست (یعنی سخن حق است) بلکه حیات شماسه و بواسطه این امر عمر خود را... طویل (نه جاودانی) خواهید ساخت.

فصل ۳۳)* و این است برکتی که موسی مرد خدا قبل از وفاتش به بنی اسرائیل داد و گفت یهوه از سینا آمد و از سعیر بر ایشان طلوع کرد و از جبل فاران (کوه مکه معظمه) درخشان گردید و با کروهای مقدسین آمد و از دست راست او شریعت آتشین پدید آمد.

آفتاب بی غروب ،

پس جلال و نور خداوند چون خورشید از پس ابرهای جهالت بشری آمد (یعنی موسی) و طلوع نمود (با ظهور عیسی) و اکنون (به ظهور محمد صلی الله علیه و آله و سلم و عجل فرجه) درخشان گردیده است و به آغاز سپیده دم سعادت امتها نوید و بشارت رستگاری را می دهد و از دست راست ایشان بزودی انشاءالله تبارک و تعالی شریعت آتشین دوازدهمین وصی

گرامی او حضرت مهدی صاحب العصر والزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

خواهد رسید زیرا آفتاب صبر خداوند به ساعت ظهر فرج و لیش به جهت اذن صلوه عامه واقعی عالم پایان یافته است.

الحمد والله رب العالمین

بشارت هجدهم

بطور خلاصه می گوئیم که تفسیر مزبور اول در جمله اول تا ششم چنین

است که مقصود از شریعت خداوند در این متن همان شریعت پیامبر و نبی آخر الزمان حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم است به وعده موسی و عیسی مسیح علی نبینا و آله و علیهم السلام که به امتها بشارت داده شده و مقصود از شیران امت همان دسته از یهودیانی هستند که پیوسته گناه نموده

ص : ۴۶

و پیامبران را آزار کرده و می‌کشتند و لذا نتوانسته ایمان آورده و در کجی سیر می‌کنند و مقصود از گناهکاران، آن گروه مسیحیانی هستند که به امر عیسی به شریعت پیامبر آخرالزمان قبل از ظهور و یا زمان ظهور بعد از آمد ایشان ایمان حاصل نموده (با وصف علم) و بعضی از ایشان که کتاب را تحریف نموده و هر زمان مضامینی به جهت آن حاضر کرده به همسلکان خود تحویل داده و لذا جمیعا از این جهات گناهان عظیمی بر خود متحمل می‌شوند و مقصود از استهزاء کنندگان کفارند که به خدای بزرگ عالم جل جلاله ایمانی ندارند و دائما دراستهزاء انبیاء و در زمزمه کفر آمیز خود هستند و آن درخت نشانده شده در کنار نهر تشبیه شریعت جاودانی این نبی مکرم است که بر کنار نهر جاودانی رحمت لایزال خداوند عظیم جل جلاله نشانده شد و از آن سیراب می‌گردد که جاودانی است زیرا شریعتی بعد از آن نیست و آن میوه که در موسم می‌آید کنایه از ظهور بقیه الله العظم حجه الله البالغه الکبری ولی عصر عج الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد که گلش در موسم بهار اراده خداوند شکفته شده و اکنون شریعت خداوند در انتظار ظهور این میوه است و نیز مقصود از آن برگها که هرگز پژمرده نمی‌گردد همان اصول و قوانین و احکام الهی است که کهنه نشده و باقی خواهد بود تا ابد الابد

الهی آمین تذکر اینکه قسمتی از متن اصلی به جهت خلاصه نمودن بشارت حذف گردیده و لذا دوستان علاقمند می‌توانند به متن

رجوع نموده استفاده نمایید این قسمت ها با کلمه حذف مشخص شده است.)

بشارت نوزدهم

تفسیر صافی مزبور دوم از زبان حضرت داوود، (حذف)،

در این متنی ابتدا سخن از شورش امته‌ها و تفکر در اندیشه های باطل

ص : ۴۷

ایشان (بعد از ظهور موسی) و نیز به ظهور نبی بعد از او عیسی مسیح و اعلام فرمانی (بشارتی) که خداوند جل جلاله به او می دهد که از زبان او چنین آمده (... فرمانرا اعلام میکنم (زیرا) خداوند به من گفته است ...) و نیز (درخواست) و دعای ایشان در مورد تعجیل در ظهور آن نبی موعود که در صلب مبارکش مهر جمیع امتهای یعنی ظهور وجود مبارک و طیب و طاهر قائم آل محمد صلوات الله علیه و علی آبائه الطاهرین که خداوند آنرا به پیشانی بشر به جهت هدایت و راستی و رستگاری زده است بنماید تا هر چه زودتر حق و عدالت و ایمان به معنای واقعی کلمه بدست یدالله العظم حجه بن الحسن العسکری صلوات الله علیه برقرار گردد.

بشارت بیستم

(حذف) پس حضرت داوود نبی در این بشارت نیز پیشگویی می فرماید که چگونه جلال او (به عنوان نمونه) تا زمان ظهور حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم عار خواهد بود کنایه از اینکه در بدنامی و تهمت واقع خواهد بود. همانطور که گفتیم در این بشارت و بشارت مذکوره قبل با ظهور حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم این امر مسلما (روشن) و با ظهور وصی دوازدهم موبدا (همیشه) جمیع انبیاء عظام و اولیا حق از تهمت بدنامی و رسوایی های منسوب به ایشان نعوذ بالله العلی العظیم مبری خواهند گشت و قلوب ایشان از این تطهیر مسرور خواهد بود پس حضرت داوود در دنباله این بشارت دریابند کان زمان حضرتش و تشریح راه مبارکشان را چنین اخبار می نماید. (که دوست داشتن و طلبیدن غیر او (یعنی غیر شریعت او) باطل و دروغ است. اما بدانید ای فرزندان انسانی که خداوند جل جلاله مرد صالح را یعنی حضرت محمد صلی الله علیه و آله

ص : ۴۸

را انتخاب کرده است پس می گوید چون او را (همانند جمیع انبیاء دیگر) شفیع اعمال (و یا ترک اولی های) خود قراردهم. (حسنات الابرار سیئات المقربین در مقام تقرب به حق تعالی)

دعای ما را خواهد شنید (یعنی از کثرت برکات عظیمی که خداوند در این وجود مبارک قرار داده است) پس امت خود را به کلام خود موعظه می کند (پس با شنیدن این اخبار (بشارت) تا خشم پیشرفته (یعنی اگر میخواهید نسبت به ایشان کفر بورزید) اما گناه مکنید (یعنی وجود مبارکش را به اعمال و کلام خود انکار نکنید زیرا گناهی نا بخشودنی است ولیکن) تفکر کنید و قربانیهای عدالت را (به سبب رضای خدا) گذرانیده بر خدا توکل نمائید تا او راه خیر بگشاید (یعنی توفیق ایمان به مکرم ترین پیامبر، رحمت خود را نصیبتان بنماید.) ج ۶ (زیرا بسیاری از صلحا و اخیار) می گویند کیست (یعنی جز خدا) که به ما احسان کند پس کیست جز خداوند که نور چهره خویش (یعنی تجلی اعظم اسماء (اللهم انی استلک بالتجلی الاعظم فی

(عبارت اول از ادعیه زیارت شب باسعادت بعثت حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم که در بلد الامین از مرحوم عالم ربانی کفعی نقل گردید و نیز روایات (نحن اسماء الله الحسنی) به کلام ائمه اطهار علیهم السلام چنانچه قبلا مذکور گردید.) حسنی خویش) را بر خلق (عالم) بر افزود پس زیستن و مردن (در دین بافضیلت ایشان) به سلامتی (یعنی در رضایت حق) باشد (زیرا رضای او بالاتر از هر چیز در عالم است) و تنها وعده خداوند در خیر است که انسان را مطمئن می سازد (وعد الله المومنین و المومنات جنات تجری.... خالدين فيها و مساكن طيبه فی جنات عدن و رضوان من الله اکبر (سوره التوبه آیه ۷۳))

ص : ۴۹

بشارت بیست و یکم

(حذف) در این بشارت (مزمور ۵) داوود نبی علی نبینا و آله و علیه السلام به خداوند شکایت نموده زیرا قوم شرارت ورزیده و هدایت نمی شوند پس او طلب مینماید که این قوم (بنی اسرائیل را به کثرت خطای ایشان دور انداخته و برکت خویش را در مرد عادل (کنایه از وجود مبارک حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم) قرار داده و او را مبعوث فرماید زیرا تنها به واسطه این برکت عظیم که آخرین رسول خداست جمیع توکل کنندگان و کسانی که اسم او را دوست دارند ترنم نموده و به واسطه او به وجد خواهند آمد زیرا او را به برکت وجود قائم آل محمد صلوات الله علیه و علی آبائه الطاهرین سستی و زوالی نعوذ بالله العلی العظیم نیست و نخواهد بود تا ابد الابد.

بشارت بیست و دوم

(حذف) پس مقصود از آنچه به زبان داوود نبی در مورد جلال خداوند که در فوق آسمانها قرار دارد و به صراحت ذکر شده انوار طیب و طاهر و مقدس محمد و آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین است و مقصود از نزول و قرار گرفتن این تاج به سر آدمیان، نزول این قرآنها ناطق و معادن وحی و کلمه (نور) خدایند به ظاهر جسم (روایت مشهور مولی الموالی امیرالمومنین علی علیه السلام که می فرماید اترعم انک جرم صغیر و...) پنج تن آل عبا و ائمه اطهار صلوات الله علیهم اجمعین در میان خلق است و مقصود از تسلط نهایی آن بر وحوش و بهائم ظهور آخرین نورخاندان رسالت یعنی حضرت قائم آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین و سرکوبی و منقاد نمودن وحوش و بهائمی ایست که در قیام پر جلال ایشان به مقتضای عالم

ص : ۵۰

آن روز سر از رقعہ اطاعت حضرتش بیچند و درغایت، تسخیر امتها است که با مفاهیم مختلف تحت پرچم درایت و به علوم کامله و پر فضیلت ایشان درمی آیند زیرا که در آن وقت) نام خداوند مجید خواهد بود (یعنی به عظمت نام برده خواهد گشت زیرا قلوب مردم دنیا از کثافات ظلم و جور تطهیر گشته و آب زلال و صاف ولایت اعظم اولیا حق جل جلاله یعنی محمد و آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین در ایشان وارد شده است.

بشارت بیست و سوم

(حذف) داوود نبی علی نبینا و آله و علیه السلام مردم آخرالزمان را تا زمان ظهور حضرت بقیه الله العظم حجه ابن الحسن العسگری صاحب العصر والزمان عج الله تعالی فرجه الشریف را به دو گروه تقسیم می نماید اول گروهی که به شرارت خود گرفتار شده در پی هوی و هوس خویش رفته و مخالفت حضرتش را می نمایند. پس ایشان را تقییح نموده و به زشتی یاد میکنند و دیگر حلیمانی که در انتظار وعده ظهور که خداوند به زبان انبیاء خود اخبار نمود. پس ایشان را ستایش کرده و تمجید می نماید.

بشارت بیست و چهارم

(حذف) در این بشارت نیز که در زبور ۱۴ آمده است حضرت داوود نبی پس از اینکه به شرح فساد و تباهی در بنی اسرائیل می پردازد، ابتدا از خداوند جل

جلاله آمدن حضرت عیسی علی نبینا و آله و علیه السلام را به عنوان (طلوع) و مقدمه او از درخشش از فاران یعنی ظهور حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم طلب می نماید چنانکه از پیش اخبار کردن را خواسته و به عبارتی خواستار تعجیل این امر می شود.

ص : ۵۱

بشارت بیست و پنجم

در فصل ۲۱ اشعیا نبی از جمله اول تا ۱۷.

که وحی خداوند جل جلاله در مورد بیابان بحر بر اشعیا نبی که تا جمله ۶ تشویش و آمادگی سروران است و سپس امر خداوند تبارک و تعالی است به اخبار دومه تا جمله ۱۱ که آن وقت نوبت بشارت از سعیر (به زبان عیسی در مورد پیامبر عربی حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم که در جمله ۱۳ و ۱۴) آمده و می گوید. کسی از سعیر به من ندا می کند که ای دیده بان از شب چه خبر، ای دیده بان از شب چه خبر دیده بان گوید که صبح می آید و شام نیز اگر پرسیدن میخواهید برسید و بازگشت نموده بیائید) که مقصود از ندای سعیر اخبار حضرت عیسی علی نبینا و آله و علیهم السلام می باشد که فرشته وحی (دیده - بان) را ندا کرده و میگوید از شب چه خبر کنایه از اینکه ظلمت هدایت بعد از عیسی چقدر طول میکشد (در لحن اعتراض و شکوه) پس دیده بان میگوید که صبح ظهور نبی معظم آخر الزمان نزدیک است و بلافاصله می گوید و شام نیز که مقصود از آن شام ضعف و فتوری است که به تدریج در زمان ۱۱ امام و وصی تا ظهور دوازدهمین یادگار نبی معظم اسلام بر جهان مستولی می شود که همان لبریز شدن جام جهان است از ظلم و جور که مقدمه ظهور پر سرور امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف به جهت پرنمودن عدل و داد در جهان است.

بشارت بیست و ششم

اشعیا نبی در فصل ۲۹ از کتاب خود موضوع بعثت و ظهور حضرت خاتم الانبیا ﷺ محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم (۱) تا (۱۴) و نیز عذاب

ص : ۵۲

شدید خداوند بر بنی اسرائیل را شرح می دهد. تا حدی که کتب ایشان را ضایع شده باقی میگذارد تا هدایت نیابند زیرا تقرب ایشان را به دهان و لب می داند نه به قلب زیرا چنانچه به قلب باشد هدایت می یابند به ایمان و به خدای جهان آفرین همانطور که در آینده مذکور خواهد شد.

بشارت بیست و هفتم

خداوند جل جلاله و عظمه شانه در فصل ۴۱ بشارت بسیار زیبایی را به زبان اشعیا نبی اخبار می کند (۲۷)... اولاً به صهیون گفتم که اینک هان این چیزها (خواهد رسید) (یعنی از زبان موسی و انبیاء دیگر اخبار نمودیم) و به اورشلیم بشارت دهنده بخشیدیم (کنایه از اینکه حضرت عیسی علی نبینا و آله و علیه السلام را به جهت بشارت به نبی موعود حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه آله و سلم را مبعوث نمودیم) (و پس از آن) و نگریستیم ۲۸ و کسی یافت نشد و در میان ایشان مشورت دهنده نبود که چون از ایشان سؤال نمایم جواب تواند داد (یعنی جهان را از دلایل و هدایت خالی دیدم). پس اینک جمیع ایشان باطلند (یعنی جمیع امتها و آنان که بر طریق این دو نبی موسی و عیسی سلوک می کنند زیرا مکتب ایشان ضایع شده و اکثراً عاری از الهام است) و اعمال ایشان هیچ و بتهای ریخته شده ایشان عین بطالت است (یعنی هر آنچه خود ساخته اند از بت یا کتاب نابود است) زیرا (۴۲) (اینک بنده من که او را دستگیری نمودم (یعنی او را تفقد نمودم) و برگزیده من که جان من از او خشنود است (یعنی مصطفی و حبیب الله است) من روح خود را بر او می نهم (ما ینطق عن الهوی بل هو الا- وحی یوحی) یعنی از جانب خویش سخنان نمی گوید بلکه آنچه می گوید (حتی سخن عادی) از وحی است زیرا روح خداوند

ص: ۵۳

بر او قرار دارد یعنی از جمیع خطایا همچون ذات باری تعالی جل جلاله معصوم است) تا انصاف را (عاقبت به دست مبارک دوازدهمین فرزند برومندش) بر امته صادر سازد و.... فریاد نخواهد زد و آواز خود را بلند نخواهد نمود..... (زیرا دارای عالیتترین خلق و خوی در جهان آفرینش است و احدی همتای او نیست زیرا خداوند در حق او فرمود (انك علی خلق عظیم) و آنرا در کوچه ها نخواهد شنواید

ونی خورد شده را نخواهد شکست و فتیله ضعیفیرا خاموش نخواهد ساخت (یعنی به ضعیف رحم خواهد نمود و بیچاره دلشکسته محروم بر نمی گرداند) تا عدالت را براستی (وحقیقت کلمه به وجود نازنین امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف) صادر گرداند او ضعیف نخواهد گردید و منکسر نخواهد شد (یعنی بعد از این صعود او را نزولی نخواهد بود). تا انصافرا بر زمین قرار دهد و جزیره ها منتظر شریعت او باشند (زیرا تنها این شریعت وجود پاک خواستاران راه رستگاری را به خدای جهان آفرین پیوند می دهد).

بشارت بیست و هشتم و بیست نهم و سیم .

در این بشارت که از فصل ۵۲ اشعیا نبی نقل می شود آمده است که خداوند خطاب به صهیون نموده و می فرماید (بیدار شوای صهیون (چون نقطه عطف رسالت به لحاظ هدایت رسول اکرم است برای تمام مردم که زمان قبل از ایشان را شامل میشود). که نامختون و ناپاک بار دیگر داخل تو نخواهد شد) کنایه از اینکه بعد از مسیح نامختونان به تو وارد شدند و تو را ملوث نمودند ولی با ظهور حضرت مهدی موعود بکلی ریشه ایشان قطع شده و لذا دیگر نامختون و ناپاک باقی نمی مانند تا داخل تو گشته تو را ملوث نماید (لازم به تذکر نیست که این صفت از مختصات خاصی ظهور امام زمان است و چنانکه آمده است باید در دوره آخرالزمان واقع شود در بشارت ثانی خطاب به قوم بنی اسرائیل و مسیحیان

ص : ۵۴

میگوید اگر من پیامبری از قوم دیگر مبعوث نمایم.

(۶) (قوم واقعی من (یعنی موسویان و مسیحیان واقعی) اسم مرا خواهند شناخت و در آن روز (یعنی روز ظهور حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم) خواهند فهمید که تکلم کننده من هستم هان من هستم زیرا مبعوث کننده نیست مگر قدوس اسرائیل یعنی آفریننده این جهان زیرا فرمود که من. یهوه (کسی) که اول (یعنی بزرگترین کس) و با آخرین (یعنی با کسانی که پیرو پیامبر آخرالزمان حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم باشند) می باشد من هستم. و در ثالث می گوید ۷ (چه زیباست بر کوهها پایهای مبشری که سلامتی را ندا می کند و به خیرات بشارت میدهد و نجات را ندا می کند و به صهیون میگوید که خدای تو سلطنت می نماید) که منادی این ندا نیست مگر محمد پارانی که از کوههای مکه ندا درداد به کلام قولوالاله الاالله تفلحوا که هم ندای نجات است و هم رستگاری و هم بشارت به خیرات یعنی بگوئید خدایی نیست جز الله تا رستگار شوید. زیرا خداوند نام خود را از قوم سابق خود پنهان نموده به اعتراف جمیع یهودیان و مسیحیان چنانکه بعدا خواهد آمد و الله نامی است که خداوند به قوم منتخب خود داد. یعنی هر کسی آنها خالصانه طبق شرایطی که او خواست بگوید رستگار است.

بشارت سی و یکم

باز بشارت زیبای دیگری را اشعیا نبی در فصل ۶۲ کتاب خود نقل می فرماید (..... بخاطر صهیون سکوت نخواهم کرد (یعنی مقصود خداوند با رسالت موسی تمام نمی شود که سکوت فرماید یا شریعت عیسی چون می گوید) و بخاطر

ص : ۵۵

اورشلیم خاموش نخواهم شد (کنایه از اینکه صهیون و اورشلیم که مظاهر رسالت موسی و عیسی هستند محض پایان و مقصود خداوند از خلقت نیستند بلکه نجات بشر از آنها شروع میشود پس بازبشارت می‌دهم) تا عدالتش (یعنی عدالت خداوند) مثل نور طلوع کند و نجاتش مثل چراغی که افروخته باشد (که مقصود از عدالت خداوند جل جلاله ظهور حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد که مظهر عدل خداوند جلیل است و مقصود از نجات خداوند قیام و ظهور دوازدهمین فرزند برومند ایشان است که منجی عالم بشریت یعنی حضرت مهدی قائم آل محمد صلوات اله علیه و علی آبائه الطاهرین می‌باشد که بواسطه وجود مبارک ایشان جمع امتهای عدالت و جمیع پادشاهان جلال ملکوتی حضرت حق جل - جلاله را مشاهده خواهند کرد زیرا تنها نام خداوند متبارک و متعالی است تا ابد الابد).

بشارت سی و دوم

از کتاب ارمیای نبی

این کتاب که وقایع زمان ارمیای نبی را ذکر میکند نشان می‌دهد که چگونه خداوند فی الواقع فصل جدیدی را در تاریخ یهود می‌گشاید و چگونه غضب خود را تا آخرین حد نسبت به ایشان بالا - می‌برد به نحوی که ارمیای نبی ماموریت یابد که ریشه بنی اسرائیل را برکنده و منهدم سازد و مهم تر این که در عوض آن شریعتی سست منهای بشارتها پایه گذاری کند (فصل ۱۱) و در این راه از بذل جانش دریغ نکرده و هراسی نداشته باشد زیرا خدا او را رهایی داده و حفظ خواهد نمود و نیز اخبار می‌نماید که ایشان دیگر لایق هیچ کار نیستند و تنها راه نجات ایشان ایمان به ظهور نبی امی عربی مبعوث در آخرالزمان می‌باشد. بهرحال شریعتشان مانند (جمله ۱۱ فصل ۱۳) آن کمر بند پوسیده که مورد مثال بوده لایق هیچکار نخواهد شد و نیز کفار

ص : ۵۶

ایشان نیز هلاک شده زیرا گناه بنی اسرائیل بواسطه شرارت ها از پیش مقدر شده (جمله ۲۳ فصل ۲ ارمیا) و یهود بواسطه دشمنی ها ذاتا شرورو و گناهکارند (جمله ۲۳ فصل ۱۳) (که آیا حبشی پوست خود را تبدیل تواند کرد یا پلنگ پسه های خویش را) یعنی بدی کردن بنی اسرائیل بواسطه این شرارت ها امری ذاتی است و تا جایی که به ارمیای نبی می گوید ج ۴) ایشان را در تمامی ممالک جهان مشوش خواهم ساخت و ارمیا را خطاب کرده که برو و (کوزه ای بگیر و در حضور مشایخ قوم و کهنه و پادشاهان یهود و سکنه اورشلیم و غیره زمین بزن (فصل ۱۹ جمله ۱۱) و بگو. یهوه صبايوت چنین میگوید بنوعی که کسی کوزه کوزه گر را میشکند و آن را دیگر اصلاح نتوان کرد همچنان این قوم و شهر (مظهر اجتماع) را خواهم شکست ... (تا جایی که می فرماید) تا ابد برای ایشان سلامتی نیست (جمله ۱۷ و ۱۸ فصل ۲۳) و کلام را در جمله ۳۴ تمام می نماید که و چون این قوم یا نبی و یا کاهنی از تو پرسید وحی خداوند چیست (و چه می گوید) پس به اشاره (چنانکه در فصل ۷ جمله ۲۷ و ۲۶ حزقیال به همین مسئله شهادت می دهد که ... رویا از نبی می طلبند اما شریعت از کاهنان و مشورت از مشایخ

نابود شد... پس بگو کدام وحی، قول خداوند اینست که شما را ترک خواهیم نمود، و لازم به تذکر نیست بگوئیم که ترک خداوند عین نابودی شریعت است. و با صراحت) بگو کدام وحی قول (کلام حتم خداوند

چنانکه از پیش نیز اخبار نموده بود) اینست که شما را ترک خواهم نمود. من بکلی شما را فراموش خواهم کرد.

... و عار ابدی و رسوایی جاودانی را که فراموش نخواهد شد بر شما عارض خواهم گردانید....)

مومنین ایشان اگر دنبال من (قدوس اسرائیل) که به خدای جهان آفرین مسمی است می باشند صدای مرا از قوم دیگر می شناسند چنانکه در قبل مذکور گردید.

بشارت سی و چهارم

در این بشارت لوقادر فصل دوم از زبان شمعون نامی که مردی متقی و صالح و ملهم به روح القدس بود بشارت به ظهور حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم را بیان نموده و از زبان او میگوید که چون عیسی را دید

(در جمله ۲۶) از او به عنوان تسلی اسرائیل و در استتار از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان تسلی امم نام میبرد یعنی با دیدن عیسی میگوید. (زیرا "مثل این که چشمان من نجات ترا دیده است که آنرا (مسیح را) بیش روی جمیع امتهای مهیا ساختی (کنایه از اینکه همانطور یحیی طروق را برای مسیح به جهت بنی اسرائیل (تسلی اسرائیل) مهیا ساخت همینطور او (مسیح) نیز طروق را پیش روی پیامبر خدا حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم به جهت امتهای (تسلی امتها) مهیا می سازد.) یعنی نوری که کشف حجاب برای امتهای کند (یعنی جمیع امتهای بشارت او را به نبی موعود شنیده و قوم تو اسرائیل را جلال بود (یعنی رسالت اوفقط مختص به بنی اسرائیل خواهد بود (چنانکه قبلاً "معروض گردید) ولیکن بشارت او به نبی موعود را همه امتهای استماع خواهند نمود لذا به حضرت مریم می گوید که) ج ۲۴ این طفل قرار داده شد برای افتادن و برخاستن بسیاری از آل اسرائیل و برای آیتی که به خلاف (به جهت نبوت حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم) آن خواهند گفت الی آخر .

بشارت سی و پنجم

حضرت مسیح علی نبینا و آله و علیه اسلام چون (فصل ۴ لوقا جمله ۱۸) صحیفه اشعیا را باز نمود اوصاف خود را در آن دید (...روح خداوند بر منست زیرا مرا مسح کرد تا فقیرانرا (فقیران عدالت و دوستاران جلال خدا الی آخر)را) بشارت دهم

و از سال پسندیده خدا (که مقصود زمان و ایام ظهور حضرت بقیه الله

ص : ۵۸

العظم حجه الله بالغه الكبرى وليعصر عج الله تعالى فرجه الشريف می باشد) بشارت دهم (زیرا تنها در این ایام است که خداوند می پسندد زیرا که دین او عالمگیر شده و همه مردم عالم به دست یدالهی حضرتش نجات می یابند.

بشارت سی و ششم:

لوقا در فصل هفتم (۲۸) از قول عیسی برای مریم علی نبینا و آله وعلیه السلام جمله ای را نقل میکند و می فرماید (زیرا که به شما میگویم از اولاد زنان، نبی بزرگتر از یحیی تعمید دهنده نیست ولیکن آنکه در ملکوت خدا کوچکتر است از وی بزرگتر است. پس مقصود از ملکوت خداوند جل جلاله قدوسیت انوار طیبیه و طاهره محمد و آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین است و کوچکتر در این ملکوت در مقام عصمت و طهارت مقام اولیه ایشان است (نه خود ایشان) که از جمیع انبیاء بالاترند.

ص ۶۴

بشارت سی و هفتم

مرقس و متی به ترتیب در فصول ۹ و ۱۷ خود می نویسند که (خطاب از ابر رسید که اینست پسر حبیب من (یعنی محمد مصطفی صلی الله علیه و اله و سلم) که از او خشنود از او (بشارت او را به نبی معظم موعود) بشنوید.

پسی چنانکه قبلاً^{۱۱} نیز معروضی گردید، بنده برگزیده و محبوب خداوند متعالی جل جلاله یعنی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است که بی حساب افضل عیسی است زیرا اطلاق لفظ پسر اطلاق علی بی نهایت است چنانکه لوقا می گوید (...آدم بن الله)

بشارت سی و هشت

متی در فصل ۱۸ از جمله ۱ تا ۱۴ درباره والایی مقام حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و نیز امت او و سزای کسی که کسی از امت او را لغزش دهد سخن میراند. پس ابتدا شاگردان از عیسی مقام مقرب ترین مردم را نزد خدا سؤال می کنند و آنوقت (، و در همانست شاگردان نزد عیسی آمده گفتند چه کسی در ملکوت آسمان بزرگتر است، آنگاه عیسی طفلی را طلب نموده در میان ایشان بیاداشت و گفت هر آینه به شما میگویم تا باز گشت نکنید و مثل این طفل کوچک نشوید هرگز داخل ملکوت آسمان نخواهند شد)،

پس همانطور که گفتیم علویت مقام ملکوتی ائمه مقام عصمت و بی گناهی است و مقصود از افراشتن آن طفل نشان دادن مقام عصمت است که آن خاص و

ص : ۵۹

مخصوص محمد و آل محمد صلوات الله عليهم اجمعین می باشد و جالب اینکه عیسی مسیح در این موقع برترین کسی را نزد خداوند (سوی اهل بیت) شبیه ترین به ایشان می داند پس آن چون حرکت در عالم معنی است می فرماید "کسی که چنین طفلی را قبول کند مرا پذیرفته است (پس این دعوت عامه حضرت مسیح علی نبینا و آله و علیه السلام است، خطاب به همه مسیحیان و پیروانش که مدعی پیروی او هستند تا قبول نمایند کسی را که به جهت بشارت ایشان آمده است. پس ایشان را دعوت می نماید تا رسالت حضرتش را قبول کنند زیرا پیروان ایشان که راه یافتگان به ملکوت آسمانند در واقع پیروان واقعی به حضرت مسیحند لذا حضرت مسیح علی نبینا و آله و علیه السلام جهت خطاب خود را بسوی مسیحیان نموده و میگوید هر که یکی از این صغار را که (به کلام من در این مورد) ایمان دارند لغزش دهد او را بهتر بود که سنگ آسیایی به گردنش آویخته و در قعر دریا غرق می شد (و لذا حضرت مسیح در این موضع به عاملین گناه و گمراهی مسیحیان از راه حق و حقیقت اشاره نموده و می گوید) وای بر این جهان به سبب لغزشها زیرا که لابد است از وقوع لغزشها ولیکن وای بر کسیکه سبب لغزش (این امت و داخل نشدن ایشان به شریعت نجات دهنده پیامبر آخر الزمان حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم) باشد.

بشارت سی و نهم

یوحنا در فصل ۱۲ جمله ۳۸ کلام اشعیا نبی را نقل میکند که (..... ای خداوند کیست که خبر ما را باور کرد و بازوی خداوند به که آشکار کردید) مقصود از خبر ما در عبارت جناب اشعیا نبی علی نبینا و آله و علیه السلام جمع انبیاء عظام است که به لفظ ما تعبیر شده و مقصود از بازوی خداوند همان وجود اقدس و نازنین ید الله العظم حجه ابن الحسن العسکری صاحب العصر و الزمان عج الله تعالی فرجه الشریف است و تعظیم پیروان ایشان در این عبارت و یعنی کدام سعادت مند قبول اخبار ما

ص : ۶۰

نمود و کدام فیروزمند درک زمان بازوی خداوند را نمود که در واقع این خبردر بزرگداشت و تکریم آن گروه مخصوصی از مومنین خالص محمد و آل محمد، مخصوصاً "حضرت مهدی (سوره مبارکه بقره آیه) قائم آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین است که ندیده برغیب ایشان ایمان کامل دارند چنانکه خداوند

نیز در قرآن ایشان را می ستاید (...الذین یؤمنون بالغیب...) (برهان قاطع).

بشارت چهل و چهل و یکم

عیسی مسیح علی نبینا و آله و علیه السلام در وصیت خود به شاگردان در فصل ۱۴ جمله ۵ و ۱۶ یوحنا میفرماید: اگر مرا دوست دارید احکام مرا نگه دارید و من از پدرسئوال می کنم (یعنی خواهم خواست او تسلی دهنده دیگر (ترجمه این لفظ در متن اصلی چنانکه بسیار مشهور است فارقلیطاست) (که مقصود از آن صاحب رسالت دیگر است) بشما عطا خواهد کرد تا همیشه (مهم یعنی ابدی) باشما باشد (کنایه از اینکه شریعت مبارک این صاحب رسالت دائمی بوده و زوالی نخواهد داشت و مقصود از وصیت به شاگردان خطاب او به همه امم و مسیحیان از پیروان است تا به ایشان ایمان آورند پس این شخص معظم چنانکه قبلاً نیز اثبات گردید کسی نیست جز محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم که این شریعت بدست مبارک فرزند برومند شان حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف عالمگیر می شود.

۱۷ (روح راستی (یعنی محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و عجل فرجه) که جهان نمی تواند او را قبول کند (یعنی به محض ظهور ایشان دین مبارکشان عالمگیر نمی شود) زیرا که (جهان نور جمال الهی) او رانمی بیند و نمی شناسد (یعنی به جهت عدم شناخت و معرفت همه مردم جهان نمی تواند او را دیده و بشناسند).

ص : ۶۱

اما شما (به نور ایمان) او را می بینید و می شناسید زیرا که با شما می ماند و در شما خواهد بود و در اینجا اشاره به ظهور امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف فرموده و پیروان را می گوید) شما را یتیم نمیگذارم (یعنی فکر نکنید که مرا (پدر رادیکر نمی بینید) و نزد شما خواهم آمد (لازم است بگوئیم که در روایات مکرر و بسیار این موضوع ذکر شده است که عیسی مسیح از کسانی است که برای نماز به حضرت ولی عصر عج الله تعالی فرجه الشریف اقتدا نموده در نتیجه تمام آن مسیحیانی که تا آن زمان ایمان نیاورده اند جمیعا به اسلام مشرف می شوند.) پس چنانکه مذکور شد آن روح راستی که جهان نتوانست آنرا پذیرا شود وجود،

یگانه شمس عالم امکان حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم است که جهان تاب و قدرت درک و فهم مقامات عالی و معنوی حضرتش صلوات الله علیه و علی آله الطاهرین را نداشت ولیکن از آنجائی که خداوند وعده نجات به جمیع امم را داده است مظهر نجات خویش یعنی حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه و علی آله الطاهرین را در زمان بالارفتن عقول و شعور خلایق (به جهت درک مقامات حضرتش) به جهان عرضه خواهد داشت و حضرت مسیح نیز در این زمان برای نجات امت خویش از آسمان نزول فرموده و با حضرتش نماز خدمت بجای می آورد لذا جمیع مسیحیان در آن روز ایمان آورده و حضرتش را یاری خواهند نمود.

۲۱ (هر که احکام مرا نگاه دارد (یعنی در حفظ این بشارتها بکوشد چنانکه خواهد آمد) و آنها را حفظ کند آنست که مرا محبت می کند.....

و آنکه مرا محبت ننماید کلام مرا حفظ نمی کند (مثل جمیع علماء ایشان که کلام او را حفظ ننموده بلکه تحریف کرده و مسیحیان را گمراه می نمایند و از اصول کلام برمیگردند مثلا "یک لفظ (فارقلیطا) " را که در متون اصلی به یک لفظ واحد ذکر شده در یک موضع آنرا ترجمه میکنند به روح القدس در یک موضع دیگر

ص: ۶۲

به روح راستی در موضع دیگر به روح حقیقت در موضع دیگر به تسلی دهنده در موضع دیگر به پسندیده،... خوب معلوم است که در این زمان خواننده گیج و گمراه شده و به تنها چیزی که فکر نمی کند معنی کلمه فارقلیطا است و حال آنکه باید اصالت کلام را حفظ نموده بگویند که از خدا خواهم خواست تا فارقلیطا را به شما عطا کند یعنی شما را مشرف کند. به اینکه همیشه در میان شما باشد) یا فارقلیطا می آید ولی جهان نمی تواند او را قبول کند با فارقلیطا می آید و پدر او را به اسم من می فرستد، (یعنی بعد از من می آید).

یا فارقلیطا که از جانب خدای آید یا ولی اگر فارقلیطا که خدا او را می فرستد (۲۶) یا اگر نروم فارقلیطا نمی آید ولی اگر فارقلیطا بیاید شما را به جمیع راستیها هدایت خواهد کرد و یا حداقل بگویند (فارقلیطا روح راستی) یا فارقلیطا (روح القدس)، الی آخر یعنی معنی و تفسیر را در پرانتز قرار دهند همانطور که ما عمل نمودیم و گرنه این اعمال خیانت است به معرفت خداوند و هدایت بشری و در عین حال نیز چراغی برای خواستاران راه رستگاری است تا از میزان تعصب و دشمنی تحریف گران آگاه شوند، ...)

و کلامی که از من می شنوید از من نیست بلکه از پدریست که مرا فرستاد این سخنان (یعنی بشارت را به شما گفتم وقتی با شما بودم لیکن تسلی دهنده (یا روح القدس حال آنکه اصل و صحیح آن فارقلیطا است) که پدر او را هم به اسم من می فرستد (یعنی همانیکه من به او بشارت دادم و بعد از من می آید یعنی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم)

تذکرات:

لازم به تذکر است که به بعضی از نکات اساسی مبحث فارقلیطا اشاره نمائیم

(۱) = اینکه خبر آمدن نبی موعود قبل از ظهور حضرتش صلی الله علیه و آله و سلم در بین کتب و اخبار اهل علم امری مسلم و حیاتی بود.

(۲) ولی همچنانکه خائنان به موسی علی نبینا و آله و علیه السلام کتب را بعد از ظهور عیسی بن مریم علی نبینا و آله و علیه السلام دستکاری نمودند خائنین به عیسی نیز پس از ظهور نور الانوار حضرت محمد صلی الله علیه و آله

ص: ۶۳

و سهم متون را ضایع کرده و بشارت‌ها را تحریف نمودند.

(۳) = کتب تاریخ نیز جمیعا ضبط نموده اند اخبار این انتظار را و نیز هنوز هم خداوند متعال عده ای از مسیحیان را بر مسیحیان دیگر مورد حجت و استناد قیامت قرار داده است (زیرا هنوز هم عده بسیار زیادی مثلا (فرقه کثیری از مسیحیان) در انتظار فارقلیطایی هستند که مسیح وعده داد).

(۴) = یا اشخاصی که به نام حضرتش قیام نموده مردم را به دور خود جمع می نمودند (مانند منتس مرتاض که ادعا نمود که من همان فارقلیطا، موعود هستم که اکنون ظهور نمودم)

۵- شهادت کتب و رسالات مربوط به زمان نبی معظم اسلام که اسناد آن هنوز روی پوست موجود است مثلا "نامه مقوقس مسیحی پادشاه مصر که متن قسمتی نامه ایشان که در کتاب آمده است و (...لمحمد بن عبدالله)

صلی الله علیه و آله وسلم) من المقوقس عظیم القبط، وقد علمت ان نبینا " بقی) یعنی

(... من میدانستم پیغمبری باقیمانده که باید بیاید...)

۶= دیگر اینکه اسامی احمد و محمد در جمیع کتب ایشان که به صراحت تا قبل از بعثت رسول اکرم حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم در ترجمه فارقلیطا لفظ محمد و احمد آمده بود که کتاب آسمانی ما و نیز روایات ما و نیز روایات ما بدان شهادت می دهند و حال آنکه مسیحیان این اسناد خود را در صندوقها مخفی می نمایند. بهر حال با ترجمه لفظ فارقلیطا به الفاظ روح راستی - روح القدس و غیره این دشمنان سعادت انسانها با خداوند متعال جنگ می کنند.

۷= و اینکه صادق کل عالم یعنی آخرین فرستاده خداوند خود در ۱۵۰۰ سال قبل فرمود من همان نبی موعود هستم و قرآن هم که در واقع صرف نظر از موضوع وحی یک اثر تاریخی نیز می باشد بر اصالت آن گواهی داد.

ص : ۶۴

(بهرحال ادامه بشارت)، او همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد و آنچه به شما گفتم بیاد شما خواهد آورد ... والان قبل از وقوع، به شما گفتم تا وقتیکه واقع گردد (کنایه از اینکه وقتی ظهور فرمودند) ایمان آورید.

بعد از این بسیار با شما نخواهم گفت، زیرا رئیس این جهان (یعنی جمال کل حضرت حق جل جلاله حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم) می آید و در من چیزی ندارد (یعنی قائم برخوداست و صاحب شریعت عامه و جهانی) و (من وظیفه خویش را انجام می دهم) تا جهان بداند که پدر را محبت می نمایم چنانکه پدر به من حکم (به بشارت ایشان) کرد پس در جمله ۲۶ فصل ۱۵ میفرماید.

لیکن چون تسلی دهنده (یعنی فارقلیطا) که او را از جانب پدر (دعا کرده نزد شما میفرستم آید) یعنی روح راستی (یعنی محمد) که از پدر صادر می گردد (یعنی از جانب خدای متعال جل جلاله می آید (یعنی محمد رسول الله) بر من (یعنی به حقیقت و کمال من) شهادت خواهد داد.

بشارت چهل و دوم

باز در فصل ۱۶ جمله ۷ و ۶ می گوید (من به شما راست می گویم که رفتن من برای شما مفید است (کنایه از اینکه ما یلم تا زودتر رفته که ایشان تشریف بیاورند) زیرا اگر نروم تسلی دهنده و (احمد محمد) نزد شما نخواهد آمد اما اگر بروم (به خواهش از خداوند متعال جل جلاله) او را نزد شما میفرستم.

روز پنطیکاست (یوم الدار):

علماء متعصب و مغرض مسیحی چنانکه معروض گشت برای از بین بردن این بشارات یا حداقل گمراهی عوام الناس مسیحی (نه علما ایشان) بعد از بعثت و ظهور حضرت رسول اکرم محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم ادعا نمودند که

ص : ۶۵

مقصود از این لفظ اسم مبارک نبی مسلمین نمی باشد بلکه روح نازل در یوم الدار است غافل از اینکه چنانکه ذکر شد به دلایلی کافی و شافی و اگر از تراجم از خدا بی خبرانه مختلف برای لفظ واحد فارقلیطا صرف نظر نمائیم باز هم در می یابیم که این شخص باید بطور خلاصه دارای دو صفت زیر باشد (چنانکه مذکور شد و خواهد آمد)، اولاً رفتن عیسی شرط آمدن فارقلیطا بود ثانیاً او می بایست به جمیع راستیها هدایت نماید یعنی برای او زوالی نباشد ولی با کمال تعجب اگر بخواهیم فرض نمائیم نعوذ بالله العلی العظیم فارقلیطا همان روح نازل در یوم الدار (پنطیکاست) است می بینیم اولاً در آن ایام عیسی از میان ایشان نرفته بود به این دلایل (فصل ۹ اعمال و جمله ۵ و ۱۷ و ۲۷) و (فصل ۱۰ و جمله ۱۴ اعمال) و (فصل ۲۰ و جمله ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۶ یوحنا) و (فصل ۲۱ جمله ۱ و ۱۴ اعمال) و (فصل ۱۳ و جمله ۳۰ و ۳۱ اعمال) و (فصل ۲۲ و جمله ۹ آن) و ثانیاً هدایت به جمیع راستیها نشد که هیچ بقول معروف رفتن عیسی همانا و شروع بدبختیها همان زیرا هنوز چند وقتی از رفتن مسیح نگذشته بود که انجیل اصلی گم شد و ملعون‌ها به زعم پولس اناجیل کثیری ساخته و تدوین نموده به نحوی که هر قبیله ای انجیل مخصوص به خود داشت و در جریان انتخابات سیاسی گرفتار این ۴ انجیل محرف کذایی و ملحقات آن شدند که تا انجام این انتخابات کشت و کشتارها شده و بدبختیها واقع زیرا در آن رای به خدایی مسیح داده و فرهنگها اختراع کردند و مسیر دین را از راه بنی اسرائیل جدا کرده و گمراهی و رسوایی بالا گرفت بالا گرفتنی ...

بشارت چهل و سوم

چون فارقلیطا (رسول الله) آید جهان را بر گناه و عدالت توبیخ خواهد نمود اما گناه چون به کلام من ایمان نیاوردند بر عدالت از این سبب که پیش پدر می روم و دیگر مرا نخواهید دید و بردآوری از این جهت که بر رئیس

ص : ۶۶

جهان (صلی الله علیه و آله و سلم حکم (یعنی واجب) شده است . . . ادامه ج ۱۲) ولیکن چون او یعنی روح راستی (مقصود همان حضرت فارقلیطا محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم) آید شما را به جمیع راستی ها هدایت خواهد کرد زیرا از خود حکم نمی کند بلکه به آنچه شنیده است (یعنی سخن معمولی او نیز وحی است چنانکه خداوند در توصیف ایشان می فرماید (ماینطق من الهوی ان هو الا وحی یوحی و نفرموده است آنچه قرائت بلکه می فرماید آنچه نطق که مقصود کلام عادی است یعنی به وحی) پس از هدایت به جمیع راستی ها از امور آینده به شما خبر خواهد داد. (یعنی درضمن شما را به مظهر جمیع راستیها یعنی به ولایت وجود مبارک حضرت امیرالمومنین علی علیه اسلام رهنمون می شود چنانکه خداوند در قرآن می فرماید الیوم اکملت لکم دینکم ورضیت لکم الاسلام دینا که رضایت حق و کاملیت دین که مساوی شد با ولایت و وصایت مولا امیرالمومنین چنانکه در غدیر خم مشهور است یعنی هدایت به جمیع راستی ها و از امور آینده تا انقضای عالم نیز شیعیان را اخبار نمود که به علوم بلایا و منایا مشهور است) او مرا جلال خواهد داد (کنایه از اینکه مرا از بدیها منصوب به من متزه کرده و مقام عصمت مرا معرفی خواهد نمود) هرچه از آن پدراست از آن من است از این جهت گفتم که از آنچه آن من است (یعنی واقعیت مرا) به شما خبر خواهد داد، خدا شاهد است براین مطلب که چگونه ابلیس لعین به همکاری پیروان نادان حضرت مسیح علی نبینا و آله و علیه اسلام جلال زهد و قدوسیت ایشان را با یاوه گویی های خود در رابطه با مطالبی که در خصوص آن حضرت آورده اند از بین بردند.

ص : ۶۷

ولیکن خدای کریم جل جلاله از آنجا که وعده فرموده بودند به شریعت جامعه اسلام به رهبری پیامبر اکرم حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و فرزندانشان جمیع عقاید باطل و جسارت بار را از شخصیت عالی و معنوی ایشان طاهر ساخت.

بشارت چهل و چهارم

اشعیا نبی در فصل ۹ کتاب خود و در جمله دوم اوصاف قومیکه پیامبر آخرالزمان حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم از ایشان ظهور می فرمایند را تشریح نموده و می فرماید: (قومیکه در تاریکی سالک بودند) که مراد از این قوم اعرابند که در راه غیر مرضی حق جل جلاله در جهالت و نادانی قدم برمی داشتند) نور عظیمی خواهند دید (که مقصود از آنان نور عظیم وجود انور نورالانوار و سلیل الاطهار حضرت محمد صلوات علیه و علی آبائه الطاهرین می باشند که در ظلمت کفر و جهل و نادانی به اراده رب جلی جلت عظمه ظهور فرمودند) و بر زمین سایه موت نور ساطع خواهد شد. (کنایه از اینکه سرزمینی که از ظلم و جور، لبریز گشته است نوری عالمگیر خواهد شد که مقصود از زمین سایه موت، عالم است که در آخرالزمان در ظلم جور فرو رفته باشد و این نور نیست، مگر نور وجود، مبارک حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف که در تمامی عالم ساطع خواهد شد. بزودی انشاء الله تبارک و تعالی.

بشارت چهل و پنجم

جناب حزقیال نبی علی نبینا و آله و علیه اسلام در فصل ۳۹ از کتاب خود جمله ۲۱، از قول خداوند متعال جل جلاله بشارتی را در مورد والایی مقام حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم نقل می نماید: (... من جلال خود (یعنی وجود مطهر حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم) را در میان امتهای قرارخواهم داد (به جهت تجلی) ...

ص : ۶۸

و (لذا) خاندان اسرائیل از آن روز و بعد خواهند دانست که یهوه خدای ایشان من هستم (یعنی چنان این امر را برایشان روشن می نمایند تا بدانند که این نبی از جانب خدای تبارک و تعالی است).... و امتهای (نیز) خواهند دانست (یعنی به وضوح مشاهده میکنند) که خاندان اسرائیل را به سبب گناهان (ترک نموده)..... و روی خود را از ایشان پوشانیدم.

بشارت چهل و ششم

باز جناب اشعیا نبی علی نبینا و آله و علیه اسلام دو بشارت را بترتیب در فصل ۳۱ جمله ۹ و فصل ۳۲ جمله اولی نقل کرده و از حکومت مطلقه حضرت ولی عصر عج الله تعالی فرجه الشریف و ویژگیهای آن صحبت می نماید که ما به جهت اختصار فقط قسمتهایی از آنها را نقل می نمائیم (۹) (یهوه که آتش او در صهیون و کوره وی در اورشلیم است (یعنی خدایی که فرستنده موسی و عیسی علی نبینا و آله و علیهم السلام) چنین میگوید اینک پادشاهی به عدالت سلطنت خواهد نمود. (زیرا لقب پادشاه نیست جز برای ایشان که بر جمیع امم و جهان سلطنت مطلقه و خاصه الهی دارند) و سروران را به انصاف حکمرانی خواهند نمود و ویژگیهای آن) و عمل عدالت (و) سلامتی و نتیجه عدالت آرامی و اطمینان (در رستگاری) خواهد بود تا ابد الآباد (آمین یا رب العالمین)

بشارت چهل و هفتم:

متی در فصل ۶ جمله ۱۰ و ۹ در بیان ظهور و تجلی انوار طیبه و طاهره محمد و آل محمد صلوات الله علیهم و اجمعین در عالم ظاهر می فرماید (...، نام تو مقدس باد، ملکوت تو بیاید اراده تو چنانکه در آسمانست (به تجلی نامت و ظهور جلالت) بر زمین نیز کرده شود (که مقصود ظهور انوار طیبه و طاهره ۱۴ معصوم صلوات الله و سلامه علیهم

ص : ۶۹

اجمعین است که انشاءالله هر چه زودتر به تمامی وجه به ظهور دوازدهمین وصی حضرت محمد صلی الله علیه و اله سلم متجلی می شود) انشاءالله تبارک و تعالی .

بشارت چهل و هشتم

جناب اشعیا نبی علی نبینا و اله و علیه السلام در فصل نهم از کتاب خود در بیان کیفیت مکانی و زمانی ظهور و سجایای اخلاقی حضرت محمد و دوازدهمین فرزند برومندشان صلوات الله علیهم در آخر الزمان چنین سخن میرانند، (در زمان پیشین (یعنی تا قبل از ظهور ایشان) زمین زبولون و زمین نفتالیرا ذلیل ساخت اما در زمان آخر آنرا به راه دریا به آنطرف اردن، در جلیل امتهای محترم خواهد گردانید.

کنایه از اینکه شریعت مبارک ایشان صلوات الله علیه و علی آله الطاهریان را در عالم ساطع نموده در میان امتهای جلیل خواهد نمود.

و قومی که در تاریکی سالک..... بودند الی آخر که در بشارت چهل و چهارم مذکور گردیده جمله ۶ (... زیرا که برای اولاد ما ولدی زائیده و پسری به ما بخشیده است (که مقصود از آن پسر صاحب سلطنت ، دوازدهمین وصی حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و اله وسلم است که سلطنت عالم و هدایت امم بر عهده ایشان خواهد بود) واسم او عجیب و مشیرو (از کثرت عظمت) خدای قدیرو پدر سرمدی و سرور سلامتی خوانده خواهد شد ترقی سلطنت و سلامتی او را بر کرسی ، داوود (که مظهر سلطنت الهی تا زمانی ایشان است و بر مملکت وی انتها نخواهد بود تا آنرا به عدالت وانصاف از الان (وجود) تا ابد الابد استوار نماید . اللهم عجل فرج قائم آل محمد صلواتک علیهم اجمعین.

ص : ۷۰

بشارت چهل و نهم

در فصل اول رساله به افسسیان آمده است که (عیسی مسیح چونکه سر اراده خود را به ما شناسانید و (یعنی مقصود خویش را از نبوت که بشارت بظهور حضرت حتمی مرتبت محمد صلی الله علیه و آله و سلم وصی گرامی او بود به ما اعلام کرد)

بر حسب خشنودی خود که عزم کرده بود برای انتظام کمال زمانها (در رسالت انبیاء یعنی برای خشنودی خود که خشنودی خداست به جهت کامل شدن رسالت انبیاء عظام علی نبینا و آله و علیهم السلام، پس مقام رسالت پناهش را در اعظم درجات بالابرده و می فرماید) تا همه چیز را خواه آنچه بر زمین است در مسیح (واقعی بزرگ) جمع کند یعنی او (یعنی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم) البته لازم به تذکر نیست که جمیع انبیاء بواقع مسیحند یعنی مورد مسح و عنایت خدایند لیکن آنکه از همه در این فیض بالاتر است چنانکه اثبات گشت وجود نازنین و انور حضرت محمد مصطفی و خاندان گرامی او صلوات الله علیهم اجمعین هستند زیرا از همه کس بیشتر مورد عنایت خداوند (یعنی مسیحترند) لذا می گوید او ،

بشارت ملکوت آسمان:

بشارت پنجاهم و یکم و دوم و سوم.

که به ترتیب در فصول ۳ و ۶ متی و ۹ لوقا و در جملات ۱۷ و ۱۰ و ۷ و ۱۲

آمده است.

ملکوت آسمان را حضرت یحیی و عیسی مسیح علی نبینا و آله و علیهم السلام بطور مکرر به آن بشارت داده و آن را به صورت مثال برای مردم و شاگردان بیان می نمایند مثلاً متی در فصل ۱۳ جمله ۲۴ آنرا به بذر نیکو و جمله ۳۱ فصل ۱۳ متی آنرا به دانه خردل در جمله،

ص : ۷۱

۳۳ به (خمیرمایه) تشبیه فرموده اند که همانطور که قبلا نیز تشریح، گردیده بود مقصود از آن بشارت به ظهور انوار طیبه و طاهره حضرت محمد مصطفی و اهل بیت گرامیشان صلوات الله علیهم اجمعین در عالم ظاهر است که چون به اراده حق جل جلاله مانند تخم نیکو یا دانه خردل یا خمیرمایه بعد از ظهور مدتی در دل خاک اراده خداوند، از نظرها ناپدید می شوند آنوقت در زمان تشعشع اراده خداوند در تجلی جلال جبروتی به وجود قائم آل محمد از دل خاک رکود سر بیرون آورده و ریشه ظلم و جور را در جهان بر می کند پس به عبارت دیگر مقصود (خداوند) اینست که انوار طیبه و طاهره آل الله بعد از ظهور به انزوا رفته و نیز نور قائم ایشان چون خورشید در پس ابرها نهان می شود (به انزوا می روند) و پس از طی زمان، فتور و سستی تجلی دیگری که همان مقصود خداوند است آغاز می گردد و مقصود از این معرفی نیست مگر آنکه عظمت معرفت و اهمیت ظهور قائم آل محمد صلوات الله علیه و علی آبائه الطاهرین دریافته شود.

پس به عبارت خلاصه همانطور که مقصود از دانه نیکو و دانه خردل و خمیرمایه نهاد و نهان ایشان است. به لحاظ تجلی نهایی در زمان و مکان موعد از اراده خداوند، همینگونه مقصود نهایی از تمثیل، ظهور نهایی از جلالیت ملکوت آسمان اراده خداوند رب علی اعلی است از نور محمد و آل محمد به قائم و منتقم بالحق ولی الله المنتظر المهدی مولانا ابالقاسم حجه بن الحسن العسکری صاحب العصر و الزمان عج الله تعالی فرجه الشریف و رحمه الله و برکاته می باشد

بشارت پنجاه و چهارم

متی در فصل ۲۰ علت برتری امت نبی معظم مبعوث در آخرالزمان یعنی حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم را با مثالی کاملا روشن بیان

ص : ۷۲

نموده یعنی که خداوند در حق امم دیگر ظلم (نعوذ بالله) نفرموده منتهی مراتب فیض به پیروان حضرتش صلی الله علیه و آله و سلم را بی نهایت کرده است .

پس می گوید (... که اولین ایشان پیروان انبیاء اولین) آخرین است) (درمزد)، به جهت خوانده شدن و آخرین ایشان اولین است. (در فیض) اولین ، همان مزد را یافتند که با ایشان قرار کرده بودند ولیکن آخرین (پیروان پیامبر آخر الزمان حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم). مزد بیشتر یافتند چون برگزیده شده اند همانطور که حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند. (نحن الآخرون السابقون) یعنی مائیم امت آخرین که بر امم دیگر سبقت می جوئیم پس همانطور که معروض گردید مقصود واقعی و نهایی از نزول ملکوت به عالم ظاهر همانا ظهور و قیام حضرت بقیه الله العظم حجه الله بالغه الکبری ولی عصر عج الله تعالی فرجه الشریف می باشد که افضل آخرین و اکمل برگزیدگان است که به جهت داوری و انتقام از اعداء آل محمد و دماء انبیاء عظام هرچه زودتر ظهور فرمایند انشاءالله تعالی

بشارت پنجاه و پنجم

پس باز بطور خلاصه متی در فصل ۲۱ جمله ۴۳ به عنوان تمثیل داستان شخصی را مینویسد که دارای تاکستانی بود و در این داستان - چگونگی اراده خداوند در مورد بعثت پیامبران بنی اسرائیل و اعمال این، قوم و انتظار خداوند از آنان و کفر ورزیدن ایشان و ترک این قوم چنانکه اخبار مفصل آن در بشارتهای قبل مذکور گشت و سرانجام انتخاب نبی معظم موعود از میان قومی بی اعتبار سخن می راند پس بطور خلاصه مقصود از صاحب

ص : ۷۳

خانه خدای متعال است و آنچه مهیا نمود کنایه از دستوراتی است که به توسط انبیا عظام به بنی اسرائیل داد (و انتظار عمل از آنان داشت) پس ملازمان در این مثال انبیا بنی اسرائیل بودند که به طلب میوه (عمل به احکام می آمدند و کشته می شدند پس مقصود از آن پسر حضرت عیسی است که آخرین پیامبر بنی اسرائیل بود که حرمت او نیز نگاه داشته نشد پس در این زمان خداوند چه می کند پس می فرماید...همان سنگی را که همه معماران (صاحب نظران در مقابل خدا) رد نمودند همان را سرزویه نمود کنایه از اینکه رسالت خویش را در پیامبری قرار می دهد که از نسل حضرت اسماعیل علی نبینا و آله علیه السلام که در نظر اینان (معماران) حقیر است قرار می دهد و آن را سرزویه می کند کنایه از این که او را مبعوث نموده عزت می نهد و پشتیبان او هست تا حدی که هر کس بر آن افتاد شکسته شود و بر هر کس بر آن افتد نرم سازد.

(و کنایه از اینکه هر کس به ضد ایشان قیام نماید. خدا او را می اندازد و هر کس بر علیه او قیام نماید خدا او را نرم سازد زیرا گذشته از منزلت و مراتب بیشتر، در مقام نجابت و عفت آن حضرت مظهر جلال و نیز قهاریت خدای متبارک هستند که جبروت خداوند به احسن وجه به قیام قائم آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین بر عالمیان ظاهر خواهد شد هر چه زود تر انشاء الله تعالی .

بشارت پنجاه و هفتم

در فصل دوم مکاشفات یوحنا، مراد از غالبی که خداوند به او سلطنت داده تا بر جمیع امم حکمرانی کرده ایشان را به عصای آهنین رعایت نماید، همان دوازدهمین وارث حضرت محمد مصطفی یعنی حضرت بقیه الله العظم حجه بن حسن العسگری صاحب العصر والزمان است که در عالم به اسم ایشان سکه واحد زده شده و امنیت برقرار خواهد بود تا ابد الابد

پس قبل از اینکه به بشارت پنجاه و هشتم پردازیم لازم می دانیم متذکر شویم که مباحث بشارت مختص به این اناجیل و یا رسالات این کتاب

ص : ۷۴

مقدس نیست بلکه اناجیلی وجود دارند که با سعی و اهتمام علماء و مسیحیان واقعی که در راه خدای متبارک جان باخته و با فداکاری های آنان حفظ و ترجمه و در دسترس مردم عالم قرار گرفته، بسیار صریح تر و روشنتر به ظهور حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم بشارت داده اند که ما فعلا در این قسمت به جهت تبرک و نیزاستشهاد، قسمتی از متن انجیل برنابارا ذکر می کنیم و از خصائص برجسته این انجیل چنانکه معروف است اعتقاد به رسالت عیسی صرفا به عنوان یک پیامبر، یعنی خدا نبودن او و نیز صراحت در بشارت ظهور پیامبر موعود آخرالزمان حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم می باشد انجیل برنابا چنانکه مشهور است تا سال ۳۲۵ از اناجیل رسمی و قانونی بود ولی با قوانین انگیزاسیونی صدر مسیحیت این انجیل در اختناق و سانسور عجیبی (به واسطه دو خصیصه فوق الذکر) بسر برد تا اینکه مومنین مسیحی تا قرون حاضر آنرا به امانت حفظ نموده به بشریت رسانیدند در این متن انتخابی ما آمده است که از طرف مجلس سنای روم عیسی را مورد سوال قرار داده اند و

(تصمیم گرفته شد که به فرمان امپراطور کسی ترا خدا نخواند، مسیح گفت من خود به این عنوان راضی نیستم زیرا از آنجایی که نور می طلبید ظلمت خواهد آمد ولی تسلیت من (یعنی خوشی من) به واسطه آمدن پیامبر خداست که همه عقاید دروغ مربوط به من را از بین خواهد برد و قانون (شریعت) اودر سراسر جهان جاری خواهد شد و کسی بر آن نخواهد توانست غلبه کند. سپس حضرت عیسی علی نبینا و آله و علیه السلام فرمود"

نام رسول خدا احمد (محمود-محمد) است زیرا خدا خودش این نام را به او داد پس از آنکه روح او را خلق کرد و در نور آسمانها جای داد و گفت ببین یا محمد برای تو بهشت و جهان و عده زیاد مخلوقات را آفریدم و تو را هدیه ای قرار دادم تا جایی که هر کس به توید بگوید لعنت خواهد شد وقتی تو را به جهان بفرستم تو پیامبر نجات من و کلمات تو حقیقت خواهد بود تا جائیکه زمین ساقط خواهد شد ولی کلمات تو ازین نخواهد رفت محمد (صلی الله علیه و آله و

ص : ۷۵

سلم) نام مبارک اوست (مکتب اسلام شماره نهم سال ۱۴)

بشارت پنجاه هشتم

حضرت حقیق نبی (حقیق) در فصل سوم از کتاب خود بشارت به ظهور قدوس خداوند یعنی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم از کوه‌های فاران مکه و از پرشدن زمین از تسبیح ایشان و باقی بودن شریعت مبارکشان تا ابد الآباد خبر می دهد: (ای خداوند عمل خویش را در میان سالها (یعنی زمان) زنده کن (کنایه از اینکه در ظهورنیت حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم تعجیل بفرما) و در میان سالها آنرا معروف ساز (کنایه از اینکه به آن عزت و کرامت عظیم مرحمت بفرما) و در حین غضب (یعنی در آن زمانیکه اعمال بنی آدم به سبب دشمنی با آن حضرت ترا به خشم می آورند) رحمت را (که کنایه از ظهور حضرت بقیه الله الاعظم حجه الله بالغه الکبری ولی عصر عج الله تعالی فرجه الشریف می باشد را) بیاد آور (پس) از تیمان (که مظهر نبوت موسی و عیسی علی نبینا واله وعلیه سلام است) آمد ولیکن قدوس اطلاق لفظ قدوس در مقابل خدا رساننده نهایت تقدس در نبوت پیامبر آخر الزمان حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم است. از جبل فاران (که مقصود ظهور نبوت عظیم حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم از مکه است) سلاه سلاه کلمه ای است که مقصود گوینده آن اظهار نهایت خوشحالی و مسرت است مترادف الله و اکبر یا سبحان الله در بیان ما.)، جلال او آسمانها را پوشانید و زمین از تسبیح او مملو گردید، پرتو او مثل نور (عالمگیر) بود

ص : ۷۶

و از دست وی شعاع (هدایت امتها، که مقصود وجود مبارک حضرت بقیه الله الاعظم حجه الله البالغه الکبری ولی عصر عج الله تعالی فرجه الشریف باشد) ساطع گردید (زیرا می فرمایند) دست قوت او در آنجا بود (که کنایه از ظهور قوت ایشان، صلوات الله علیه به جهت جمع امتها و روز پیروزی دین خداوند بر کل کفر و شرک در عالم است که تا زمان ظهور ایشان مخفی می باشد) پیش روی وی و با می رفت و آتش تب زیر پاهای او بود (۱) او بایستاد و زمین را پیمود (کنایه از اینکه محض اراده، لازم زمین مسخرایشان می شود) او نظر افکند و امتها را پراکنده ساخت (چون آب که در خوابگاه مورچگان راه بیاید) و کوههای ازلی جستند و تلهای ابدی خم شدند (کنایه از اینکه آنچه که در معتقدات ایشان عظیم بوده و دائمی تصور میشد از جا جسته و در مقابل عظمت ایشان سر تعظیم فرود آورند زیرا)، طریقه‌های او جاودانی است (یعنی احکام از ایشان جاودانی است تا ابد الآباد زیرا بعد از شریعت مبارکشان صلوات الله علیه و علی آله الطاهرین شریعتی نخواهد آمد). (.. و با و آتش تب مظهر دو دشمن کفر و نفاق در مورد نبی مکرم اسلام حضرت محمد مصطفی صلوات الله علیه و علی آله طاهرین می باشد زیرا اولی همیشه از ایشان گریخته ولی ثانی با ایشان هست که تا زمان ظهور حضرت بقیه الله الاعظم حجه بن الحسن المهدی ارواحنا فداه نابود گردیده و در ایام رجعت به جزا شرارت خود برسند).

بشارت پنجاه و نهم

حضرت حق جل جلاله در این بشارت عظمت و مقام محمد و آل محمد

صلوات الله علیهم اجمعین را که از صلب اسماعیل ظهور می فرمایند را بیان

می فرماید.

ص : ۷۷

فصل ۱۵ جمله ۳ و ۴ سفر تکوین در این بشارت حضرت ابراهیم علیه السلام در مورد اینکه فرزندی ندارد تا وارث نبوت او گردد به خداوند شکایت می کند و در این بشارت خداوند به او وعده می دهد که از نخست زاده او (حضرت اسماعیل علی نبینا و آله علیه السلام) پیامبری ظاهر نماید که از نظر مقام و منزلت از جمیع انبیاء برترند،

۴ (در ساعت کلام خداوند بوی در رسیده گفت این (مختار خانه او العازارد مشقی، کنایه از اینکه وارث نبوت تو بوصایت در غیرنسل تونیست) وارث تونخواهد بود بلکه (اول) کسی که از صلب تو درآید وارث (اصلی) تو گردد (زیرا چنانچه می دانیم اول نخست زاده حضرت ابراهیم علیه السلام (که دارای حق بکوریت یا نبوت باشد) حضرت اسماعیل علی نبینا و آله و علیه السلام است که ایشان و والده مکرمه ایشان حضرت هاجر علی نبینا و آله و علیهم السلام به توسط آزار ساره همسر حضرت ابراهیم از خانه خارج شده در بیابانها منزل نمود پس فرشته خداوند بر او ظاهر شده و گفت فصل ۱۶ جمله ۷ و ۸ (و فرشته خداوند او را نزد چشمه آب در بیابان یعنی چشمه ای که به راه شور است یافت، و گفت ای هاجر کنیز سارای از کجا آمدی و به کجا می روی گفت من از حضور خاتون خود گریخته ام، فرشته خداوند به وی گفت نزد خاتون خود برگردد و زیر دست دست او مطیع شو، و فرشته خداوند بوی گفت (در عوض) ذریت ترا بسیار گردانم بحدی که از کثرت بشمار نیایند، (یعنی وارث امت آخر زمان که سرانجام عالم را فرا میگیرد باشند)، و او (اسماعیل) پیش روی همه برادران خود ساکن خواهد بود (کنایه از اینکه : خداوند در صلب پاک او نور اشرف مخلوقات و دوازده وصی گرامی صلوات الله علیهم جمعین را قرار می دهد که در مقام و رتبه از جمیع انبیاء اولین و آخرین

ص : ۷۸

افضل وبالترند)، اللهم صل علی محمد وآله الطاهرين .

البته با این بشارت به مباحث بشارت پایان داده و انشاءالله در جلد

آینده مباحث کلی تری را راجع به بشارت بیان خواهیم نمود، و امید است که خداوند از درگاه پر فیض ورحمتش درود فراوان بر محمدوآلش فرستاده و آنها را از ما راضی بگرداند و ما را از گروهی قرار دهد که حقوق مودت ودوستی را نسبت به ایشان و فرزندانشان علیهم السلام ادا کرده باشیم (اجررسالت نبی که خداوند در قرآن کریم فرمودند ما اسئلكم علیه اجرا "الا لموده فی القربی .)

والسلام علی من اتبع الهدی

فصل دوم : سیری در مآخذ عهدین

مقدمه فصل دوم

با تذکر و بحث کوتاهی به عنوان مقدمه در مورد مسئله الوهیت در کتاب

مقدس وارد فصل دوم از این کتاب می شویم:

با مطالعه متون موجود در کتاب مقدس در مورد خدای جهان آفرین مطابق شعور هر انسان عاقل و متعارف در می یابیم که معرفت خداشناسی در کتاب مقدس از سطح درک عامیانه بشر در اکثر و اغلب مواضع بالاتر نرفته لذا علما چنین استنباط میکنند که این کتاب نیست مگر مخلوطی از حقایق و داستانهایی که مردم از جانب خود به عنوان کتاب پرداخته و سپس به توسط سلاطین و قدرتمندان الهامی و مقدس معرفی شده زیرا این مدعا با فرض معجزات و الایی که حضرت مسیح علی نبینا و آله و علیه السلام در زنده کردن مردگان، شفای بیماران و غیره و با در نظر گرفتن سطح عقول مردم آن زمان که در حدود پائین از تفکر بودند و نیز با رایج بودن عقاید کفار و مشرکین هندی و یونانی و شیوع خرافاتی مثل نزول خدا به صورت جسم در نزد ایشان و ... (۴) زیاد دور از ذهن نیست و برای اثبات این مدعا کافی است به این داستان که ما آن را از فصل ۱۴ اعمال رسولان از آیه ۸ به بعد نقل میکنیم توجه شود در این داستان مشروحا آمده است که چطور و چگونه زمانی که دو حواری مردی لنگ را شفا می دهند این کرامت چنان در عقول و افکار آن مردم بزرگ جلوه کرده تا حدی که فریاد بر آوردند ج ۱۲ (... که خدایان به صورت انسان به نزد ما نازل شده اند (لاهوت در ناسوت)،

(پس دو رسول جامه های خود را دریده . (ج ۱۴) در میان مردم افتاده ندا کردند. ای مردم چرا چنین می کنید ما نیز انسانیم و صاحبان علت، شما را بشارت می‌دهیم که از این باطیل رجوع کنید به سوی خدای حی که آسمان و زمین و دریا و آنچه در آن است را آفرید،...)). پس چنانکه می بینید همانطور که این دو رسول هیچ تقصیری در خطا مردم در مورد تهمت الوهیت و خدایی برایشان نداشته اند حضرت مسیح (علی نبینا و آله و علیه السلام هم هیچ گناهی در مورد ادعای مردم به اینکه پسر خدا نه بلکه خود خدایند ندارد الی آخر بلکه اینگونه عقاید محصول کوتاه نظری مردم در شناسایی و معرفت خداوند جل جلاله و نتیجه الهام شیطان لعین است. البته سخن در این بخش فراوان است اما بطور خلاصه فقط می گوئیم تا آگاه شوید که چون خدای بنی اسرائیل خدایی است که به تخت می نشیند از خلقت دنیا پشیمان می شود طوفان فرستاده و از فرستادن آن پشیمان می شود به بهشت آمده به دنبال آدم می گردد و او را ندیده و فریاد می زند آدم کجائی و با یعقوب از سر شب تا به صبح کشتی رفته و سر انجام نه تنها غالب نمی گردد بلکه با امتیاز برکت یافتن یعقوب و مسمی شدن به اسرائیل یعنی همزور خدا.

به یعقوب بازنده میشود (که اطلاق لفظ اسرائیل (به معنی همزور خدا) کاملاً "غلط زیرا خدا به امتیاز باخته و در حقیقت برنده یعقوب بوده است.) و به موسی می گوید صورت مرا نمی توانی دید ولی بر کوه نازل می شوم از پشت سر مرا ببین و وقتی که با بنی اسرائیل از مصر بیرون آمد گاهی در قهر بود گاهی در آشتی و می گفت دیگر نمی آیم و می گفت داخل اردو را پاک کنید زیرا من داخل اردو راه می روم و به

ص : ۸۱

سلیمان التماس می کند که در زمین خانه ندارم برایم خانه ای بسازو این خدا نعوذ بالله العلی العظیم گاهی خراست گاهی شیر و گاهی ببراست گاهی کرم گاهی از دماغش دود و آتش بیرون می آید و گاهی از نفسش یخ منجمد شود دیوانه است خطا کرده و به پیامبران را به گناه وادار می کند. برای هدایت پیامبران به خواب آنها می آید و به لباس شیطان در آمده حتی پیامبران را نیز گمراه می کند و اگر به پیامبرش وعده ای کند آنرا انجام نمی دهد، پیامبران را در عوض اینکه به غیرت امر کند فرمان می دهد که زنان فاحشه را عقد کرده مادر پیامبران قرار دهند. البته (در فصل سوم اثبات خواهد گردید) اگر شیطان پیامبران را گمراه کرده و اسیر نماید و ایشان را به خطا دچار کند ایشان را وا گذاشته و اساساً پیامبران از خطا معصوم نیستند. در میان خوراکیها گوشت گوساله را بیشتر می پسندد شیر میخورد و رحمت و عقلش از ابراهیم کمتر است بحدی که عذاب قوم لوط را ابراهیم با استدلال علیه او رفع می کند بنحویکه خدا ناراحت شده به آسمان صعود می کند. بر کرویین سوار شده و موقع عذاب مصدر در اثر کمی بصارت بنی اسرائیل را امر می کند که پشت بامهای خود را قرمز کنید مبادا ندانسته شما را عذاب کنم در انسانها حلول کرده و دارای چهار پسر است و اگر آدم فقط از درخت حیات می خورد برای او شریک پیدا می شد، گاهی با کرویین بالا- میرود گاهی در ستون ابرپائین می آید یعنی در مخلوق خود محاط میشود برتخت نشسته بر چهار حیوان در حالی که آسمان گشاده می شود نزول می کند دارای وزیر دست راست و، چپ است و مردم گاهی نه او بلکه شبیه او را می بینند زمانی که بخواهد قوم خود

را یاری کنند عاجز میشود... ..

که البته انسان عاقل در می یابد که این سخنان باطل بوده و حقیقت در نور ولایت محمد و آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین است ،

سیری در مآخذ عهدین

۱- چرا چهار انجیل مورد قبول است.

۲- آیا کاتبان این اناجیل به زعم پولس ملعونند ؟

۳- چرا مترجمین کتاب مقدسه مسیحان از سه نسخه کلدانی عبرانی یونانی استفاده میکنند

۴- چرا گفتار و مطالب اناجیل و کتب اینطور با هم متناقض است.

مطالعه این فصل نه تنها به همه این سوالها پاسخ می دهد بلکه شما را در واقعیتهای روشنتری از زیر بنا اعتقادی مسیحیان وارد میکند پس می گوئیم. از کلام پولس در فصل اول به غلاطیان جمله ۷ به بعد چند نکته اساسی مبرهن است .

۱- انجیلی که در آغاز مسیحیت وجود داشت (غیر این چهار انجیل) اکنون موجود نیست

۲- دستهای پنهانی بسیاری حتی در زمان خود حواریون در صدد تخریب و تحریف دین مسیح بوده تا حدی که اناجیلی در حد خود کتاب مقدس می ساخته اند. و مطالب این اناجیل بحدی شبیه بوده که باعث گمراهی گروه کثیری می شده است. لذا می گویند که (... .. بر می گردید به سوی انجیلی که دیگر نیست) و جالبتر اینکه آنها در کلام خود سازنده و مولف هر انجیل دیگر راحتی از ناحیه حواریون یا بطور کلی حتی بصورت الهام،

لعن می کنند و می گویند (... .. هرگاه ما یا فرشته ای انجیلی غیر از این (یعنی انجیل واقعی مسیح) که وجود دارد بیاورد آناتیمما
 (د WEBSTER'S DICTIONARY -

anathema (anath e ma) n. [- s] the curse a Ccompanying – excommunication any solemn

curse; a person or thing distaste ful (.....). که البته مترجمین به علت خیانت خود، در ترجمه این کلام که
 به منزله انکار کتب است ترس دارند زیرا که معنی این کلمه تحت الفظ خواهد بود ملعون باد .

که البته باید بسیار بسیار ممنون پولس بود که این لعن را در کتاب باقی گذاشت که با وجود این لعن می بینید کثرت اکاذیب
 منسوب به حواریون مسیح و حضرت مریم را و اگر خدای نکرده در این مورد استحسانی وجود داشت شاید عالم را کاتبان اناجیل
 فرا می گرفتند. اما می رسیم به این مطلب که چرا کلیه تراجم کتاب به اصطلاح مقدسه از سه نسخه اصلی یونانی - عبرانی - وکلدانی
 ترجمه میشود (این اعتراف در کلیه کتب ترجمه شده کتاب مقدس در صفحه اول مشاهده می شود). و به عبارت روشتر با مطالعه
 دقیقتر در می یابیم که چرا این ترجمه که در حقیقت نسخه چهارم و مخلوق ثانی شخصی مترجم است با هیچ یک از نسخه اصلی
 وفق نمی کند. (زیرا اولاً سه نسخه هیچکدام با هم موافق نیستند ثانياً ناقصند ثالثاً "متناقضند رابعا.....") و هیچکدام به تنهایی کامل
 نیستند بلکه جمیع تراجمی که وجود دارند از یک نسخه واحد و اصیلی نیست تا با آن حواله دهند مثل کلام الله که اصلی آن روی
 پوست و امثال آن همچنان به خط ائمه اطهار سلام الله علیهم اجمعین موجود است و چرا این تراجم اینگونه به مردم القاء میشود
 بهر حال مفاهیم این معانی در آینده مشروحا ذکر خواهد شد و متأسفیم که علمای مسیحی جدیداً "روشی را در مقابله با کند و کاو
 جوانان و دانش پژوهان و حتی عوام پیش گرفته اند و آن اینست که وقتی جواب اشکالی از تناقض یا تناقضات انجیل

را مطرح می نمایندایشان جواب آنها را به اصل متن حواله می دهند و از آنجا که دسترسی شخصی به اصل کلام کاری سخت به نظر
 می رسد لذا

کشیش با این دروغ مصلحت آمیز او را به اصطلاح هدایت کرده و از افکار شیطانی - دور نگه میدارد. به هر حال تناقضات اصل نسخ با مدارک آن در بسیاری از کتب فارسی ولاتین و زبانهای مختلف آمده و ترجمه شده ولیکن از آنجا که ما از ابتدا، قرار بر این گذاشتیم که به گونه ای استدلال و احتجاج نمائیم تا هر فرد عوام حداقل با در دست داشتن ترجمه ای از کتاب مقدس بتواند به راحتی راه شرافتمندانه را انتخاب و تعیین بنماید پس بطور خلاصه و فهرست وار مطالبی را اشاره کرده و سپس به معرفی انجیل و تناقضات انجیل می پردازیم:

۱- وجود شك و تردید علماء مسیحی در انتخاب کتب تحت عنوان الهام نشانه عدم الهام و در واقع دلیل قاطع در بودن کتب حاضر است، زیرا کتاب مقدسه موجود مسیحان طی جلسات سه گانه نایس-اود سیا- کار تهیج انتخاب گردید.

۲- جملات نوزدهم و بیستم فصل دهم متی و جمله یازدهم فصل سیزدهم مرقس و شش جمله اول فصل بیست و سوم اعمال و ...، با استدلال به عبارت (، ، پس چه باید کرد و امثال آن که بعداً " مفصلاً مذکور خواهد گشت به اجتماع جمیع کثیری از علماء در واقع نشانه عدم الهامی و تحریفی بودن این کتاب است.

ص : ۸۵

فصل سوم : بخش تناقضات تراجم**تناقض اول:**

جملات ۹ و ۲۰ از فصل ۱۰ متی و جمله ۱۱ از فصل ۱۳ مرقس و جمله اول فصل

۲۳ اعمال در جمله (،... پس چه باید کرد) که دال بر عدم ملهم بودن شاگردان است و این عبارات همگی با جمله ۲۰ تا ۲۴ فصل ۲۱ اعمال که می گوید (اندیشه مکنید که چه گوئید) که نشانه الهام به شاگردان است کاملاً متناقض می نمایاند

تناقض دوم:

در جمله ۲ فصل ۲۳ تورات مثنی آمده که (... حرامزاده داخل جمعیت رب نمی شود حتی تا پشت دهم...) ولیکن در جمله ۹ فصل اول متی و فصل ۳۸ تکوین آمده که فارص جلد دهم داوود است.

یعنی اگر این دو کلام باهم متناقض نباشند لازم است که داوود نبی داخل جمعیت رب نشود و این امکان ندارد زیرا داوود نه تنها داخل در جمعیت رب بلکه رئیس جمعیت رب می باشد.

تناقض سوم:

غلط فاحشی است که متی در مورد داستان سی پاره نقره در فصل ۲۷ جمله ۹ به کتاب ارمیا نسبت می دهد. حال آنکه نه تنها این مطلب در کتاب ارمیا نیامده، بلکه در هیچ یک از کتب دیگر هم ذکر نشده است. که در نتیجه

ص : ۸۶

لازم می آید که علما فن اذعان نمایند که متون تحریف شده الهامی نبوده و بشریند .

تناقضی چهارم:

و نیز قول یوحنا در جمله ۵۳ از فصل هفتم کاملاً غلط مشاهده می شود و با جمله ۴۳ همین فصل متناقض است که می گویند از قول کاتبان و فریسیان که (....هیچ نبی از جلیل برنخواست) حال آنکه همه مردم حتی هر فرد عوام می دانست که داوود نبی از بیت اللحم بر خاست.

تناقضی پنجم:

لفظ توبه در عبارت (.... به توبه دعوت کنم) از زبان عیسی به اجماع جمیع مفسرین و علما در عبارت هفدهم فصل دوم مرقس کاملاً

غلط است زیرا مسیح به ایمان دعوت می کند نه به توبه چون صاحب رسالت است.

تناقضی ششم:

با صحیح دانستن عبارت ۲۰ از فصل ششم سفر خروج در مورد نکاح عمران عمه خود را لازم می آید که موسی و برادرش وارد جمعیت رب نشوند زیرا چنین نکاحی حرام (جمله ۱۲ فصل ۲۸ لاویان) و در نتیجه ثمره این ازدواج نیز حرام خواهد بود و در نتیجه لازم می شود که محروم از ورد به جمعیت رب شوند و حال آنکه این مطالب با هم اختلاف دارند زیرا موسی و برادرش از پیامبران خداوند و اولیاء ایشانند و از خالصان جمعیت ربند (...عمران عمه خود را نکاح کرد..) ...

ص : ۸۷

تناقض هفتم:

جمع مفسرین و علماء مسیحی در مانده اند از ترجمه عبارت اشعیا نبی در فصل ۶۴ جمله ۵ به واسطه تحریف عجیب و غریبی که در آن واقع گشته است چه رسد به تفسیر با توجیه ... (زیرا که از قدیم الایام نشنیدند و استماع نمودند و چشم خدایی را غیر از تو که به منتظران خود پردازد ندید، تو آنانی را که شادمانند و عدالت را بجا می آورند و به راه های تو ترا بیاد می آورند ملاقات می کنی ...)

تناقض هشتم:

بین جمله ۳۳ و ۳۴ (یعنی یک عبارت تمام) از فصل ۲۱ لوقا به دلیل جمله ۳۶ فصل ۲۴ متی یا جمله ۳۲ فصل ۱۳ مرقس کاملاً ناقص است. (... ولی از آن روز و ساعت غیر از پدر هیچکس اطلاع ندارد نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم ...)

تناقض نهم:

در فصل هشتم جمله ششم تواریخ ایام و جمله بیست و یکم فصل ۴۶ تکوین که به زعم ایشان به الهام سه پیامبر (عزرا- حکمی- زکریا) نوشته شده چنین آمده است (تواریخ ایام فصل هشتم) اولاد بنیامین پنج نفرند (بالع - اشپیل - آخرخ - نوحه - رافارا) در تکوین فصل ۱۰ تعداد آنها ده نفرند (بالع - باکر - اشپیل - جیرا - نعمان - یحیی - رش - مغم - حغم - آرد)

و جالب اینکه در فصل هفتم همین کتاب اولاد بنیامین را سه نفر می داند (بلع

بکر یدیعیل)

و تعجب مفسران در این است که کاتبان این کتاب به غیر از تناقضی که در اعداد فرزندان بنیامین ذکر کرده اند در بیان اسامی آنها نیز اختلاف دارند و لذا آخرین اعتراف بزرگان و محققین ایشان اینست که علمای یهود و نصاری این کتاب را از روی روایات ذهنی و

ص : ۸۸

اوراق پخش شده رونویسی کرده و به پیامبران محض اعتبار آنان نسبت داده اند و بعضی استدلال به این جمله از فصل ۲۷ تورات مثنی جمله پنجم (چاپ سال ۱۸۹۵) می نمایند که می گوید (" در آنجا مذبحی برای ... و تمامی این کلمات شریعت (تورات) را بر آن و به خط روشن بنویس) (نیز به جمله ۳۲ فصل هشتم کتاب یوشع) و می گویند از این جملات معلوم میشود که حجم تورات آن زمان به مقداری بوده که نوشتن آن بر روی سنگهای مذبح مزبور ممکن بود ، و اگر تورات عبارت بود از این کتابی که الان به تورات مشهور است شاید نوشتن آن بر روی سنگهای مذبح جهان ممکن نبود

تناقض دهم:

در جمله ۱۵ فصل ۴۶ سفر تکوین که در این تورات است می نویسد که جمع پسران و دختران لیه سی و سه نفر است و حال آنکه اگر به اسامی مراجعه کنیم می بینیم که دو تناقض موجود است اول در جمع تعداد اسامی که کلا ۳۴ نفر می شود نه ۳۳ نفر و ثانیاً فقط نام یک دختر بیشتر ذکر نشده و لذا آوردن لفظ دختران به ۵ جمع کاملاً غلط می باشد.

تناقض یازدهم:

علما متن غلط می دانند رشد جمعیتی هفتاد نفر اعداد بنی اسرائیل را که بعد از ۲۱۵ سال تعداد آنها به ۳۰۰/۶۳۰ هزار نفر به غیر از زنان و دختران کمتر از بیست سال و نیز پیران و اهل لاوی برسد زیرا اگر رشد این جمعیت را هر سال دو برابر بدانیم (بالاترین حد رشد جمعیتی در جهان از فرض محال ۲۰٪ در سال بالاتر نمی‌رود حال آنکه ما آن را ۱۰۰٪ فرضی نمودیم)، تقریباً بدون استثناء ۰۰/۳۷۰ نفر خواهند بود که البته نظر علماء فن کا ملا " قابل قبول است.

ص: ۸۹

تناقض دوازدهم:

عهد جدید در نسبنامه عیسی فقط از چهار زن نام می برد که هر چهار تا فاحشه و زانیه بنام بوده اند

۱ = راحاب (فاحشه مشهور بنی اسرائیل)

۲ = همسر اوریا حتی که به زعم کتاب با داوود نعوذ بالله زنا کرده و برای او اولاد حرام زاده آورده و لذا واجب الحد شده و چون برایشان حد جاری نشد عمری باهم زنا نمودند و سلیمان نبی نیز نعوذ بالله حرامزاده

۳ = تامار که

۴ = وراعت که

تناقض سیزدهم:

کتاب در جمله چهارم فصل دوازدهم سفر خروج مدت اقامت بنی اسرائیل را در مصر ۱۳۰ سال و جمله سیزدهم فصل پانزدهم تکوین ۴۰۰ سال و جمله هفدهم فصل سوم به غلاتیان ۴۳۰ سال می نویسند و جالب اینکه اگر بخواهیم از روی نسبت نامه ها به تعیین زمان فوق اقدام نمائیم جمع سال های مذکور از ۲۱۵ سال بالاتر نمی رود.

تناقض چهاردهم:

مفسرین مسیحی غلط می دانند جمله ۱۹ فصل ۲۸ کتاب دوم اخبار ایام را در اطلاق لفظ پادشاه اسرائیل بر آحاز، زیرا وی پادشاه یهود است نه اسرائیل

تناقضی پانزدهم:

همانطور که حضرت ثامن الائمه حضرت علی ابن موسی الرضا علیه آلافا التهیة والثنا - فرمودند اناجیل در اظهار نسبنامه عیسی مختلف القولند

ص : ۹۰

اولا متی یوسف را ابن یعقوب می داند ولی لوقا ابن هالی

ثانیا متی عیسی را از اولاد سلیمان پیغمبر می داند و لوقا از اولاد ناان و از اولاد ناان نبی کسی به پادشاهی نمی رسد لذا تلفیق این دو نسب نامه با هم چنانچه علماء پروتستانت هم می گویند بعید است .

یعنی مسیح باید از اولاد سلیمان باشد نه از اولاد ناان زیرا ناان از اولاد یهو یاقیم است و طبق حکم کتاب از اولاد او کسی سلطنت نمی یابد.

ثالثا متی جمیع آباء مسیح را از زمان داوود تا جلای بابل از سلاطین مشهور می داند و حال آنکه لوقا فقط دو تن را مشهور می داند (داوود - سلیمان)

رابعا متی شلتائیل را از اولاد یوخینا نام می برد ولیکن لوقا او را پسر نیری می داند.

خامسا متی زروبابل را پدر ابیهود میداند و لوقا او را پدر ریصا ولی علماء مفسر متعجبند از این امر که در میان فرزندان زروبابل اصلا اشخاصی بنام ریصا و ابیهود نیستند (جل الخالق)

سادثا متی طبقات داوود تا مسیح را بیست و شش طبقه می داند ولیکن لوقا آنها را چهل و یک طبقه ذکر میکند و به عبارت دیگر اگر عمر هر طبقه را هزارسال فرض نمائیم مدت هر طبقه طبق فرض لوقا ۲۵ سال ولیکن طبق قول متی ۴۰ سال می شود و این مطالب کاملا متناقضند،

تناقض شانزدهم:

وعده خداوند دو مورد وراثت دائمی زمین کنعان به بنی اسرائیل کشک شده و بلکه به علت وقوع اتفاقات عدیده و کثیره عکس آن واقع گردید.

تناقض هفدهم:

و نیز از مقایسه فصل ۲۵ ارمیا و فصل ۲۹ سفر تکوین این تناقضات مشاهده می شود.

اولا اقامت یهود را که در بابل ۷۰ سال است با محاسبه تاریخ حرکت یوخینال در ۵۹۹ ق.م و تاریخ ثبت شده دستور آزادی کورش در ۵۳۶ (ق- م - م)

ص: ۹۱

مدت این زمان ۶۳ سال می شود نه ۷۰ سال

ثانیا "ارمیا عده تمام یهودیان را در جلای سه گانه ۴۶۰ نفر می شمارد ولی با کمال تعجب در فصل ۲۴ سفر دوم پادشاهان جمله ۱۴ این رقم ۱۰/۰۰۰ نفر ذکر شده است .

ثالثا ارمیا مهاجرت سوم را همزمان با سال ۲۳ از سلطنت بخت النصر می داند و حال آنکه در جمله ۸ فصل ۲۵ سفر دوم پادشاهان این مهاجرت را مقارن سال ۱۹ سلطنت بخت النصر می کند.

تناقض هجدهم:

در فصل ۲۶ حزقیال آمده که بخت النصر شهر صور را متصرف شده وچنان به کشت و کشتار و غارت پرداخت که زبان از توصیف آن قاصر بود و با کمال تعجب در فصل ۲۹ همین کتاب آمده که بخت النصر ۱۳ سال شهر صور را محاصره کرده اما پیروز نشده برگشت.

همه مفسرین معترف به تحریفات و مطالب نادرست فوق هستند و به عدم الهامی بودن کتب به اصطلاح مقدسه رای میدهند ،

تناقض نوزدهم:

بنابر مفاد عبارات فصل ۱۲ جمله ۱۱ دانیال مسیح موعود یهود و نصاری می بایست آمده باشد ولیکن این موعود سالهای سال است که آمد و رفت ولی از مسیح خبری نشد. (... خوشا به حال کسانی که انتظار بکشند و به هزار و سیصد و سی و پنج روز برسد و ...)

لذا اکثر مفسرین این قسمت را بکلی انکار نموده و گفته اند که این قسمت کتاب

تحریف شده است.

تناقض بیستم

وعده و خبر تحریف گران از سوی خداوند در سفر اول اخبار ایام فصل ۲۲ و سموئیل دوم در مورد سلطنت دائمی داوود کشک از آب درآمد و کشک تر اینکه ایشان به کلی در عرصه عالم منقرض شدند به نحوی که کاهنی از ایشان باقی نمانده است.

تناقض بیست و یکم:

تناقضات ذیل بر جمله ۱۱ فصل اول متی وارد است. در عبارت آمده (یوشیاه ویوخانیا و برادرانش را تولید نمود در زمان جلای بابل) اولاً یوشیاه ۱۲ سال قبل از جلای بابل مرده بود چون بعد از مرگ او یهو یاحاز و یواقیم و یوخانیا اسیر بخت النصر شدند. ثانیاً یوشیاه پسرزاده یوخانیا است نه پسرش (بواقیم پدر یوخانیا و پسر یوشیاه است)

ثالثاً یوخانیا در جلاء بابل ۲۸ ساله بود (پس یعنی ولادتش در بابل بی معنی است)

رابعاً یوخانیا اصلاً برادری نداشت.

تناقض بیست و دوم:

تحریر مفسران، کاتبان، تاریخ نویسان و مردم زمان حضرت عیسی است نسبت به مطالب ذیل: مفسران کتب مسیحی متحیرند از کاتبان اناجیل سه گانه (لوقا - یوحنا و مرقس) از اینکه ثبت نکرده اند وقایع عظیمی را که متی با آب و تاب عجیبی ذکر کرده است مخصوصاً لوقا زیرا این انجیل چنانکه معروف است حریص در نوشتن کوچکترین حوادث راجع به معجزات عیسی و حوادث بعد از او از قبیل وقایع عظیمه ای مثل پاره شدن پرده های سرتاسری هیکل از بالا تا پائین - متزلزل

شدن زمین، گشاده شده قبرها و برخاستن بدنهای مقدسین

ورفتن آنها به شهرها و ظهور بر مردم و فرا گرفتن ظلمت سراسر زمین را و غیره و اینکه این کتب متفق القول باشند در ثبت معجزاتی مثل برداشتن نعلین و عصا و سوار شدن بر الاغ و غیره و در این حوادث و معجزات عظیمه که فوقاً عرض شد فقط یک انجیل آن مطالب را ذکر کرده و متکلم وحده باشد.

ص: ۹۳

و اضافه کن بر این دلیل فوق، عدم ثبت تاریخ نویسان بزرگ عالم که این وقایع عظیم را ثبت نکردند و نیز بر آن اضافه کن عدم ثبت عکس العمل مردم در مقابل این اعمال با توجه به اینکه می دانیم حدود انعطاف مردم آن زمان در پذیرش معجزات ساده چه بوده است چه رسد به این معجزات کامله و عظیمه ...

یعنی چگونه امکان دارد که مردم اینگونه در مقابل این اعمال چنین عکسی العمل سردی نشان بدهند (مثلا زمانی که شاگردان به زعم ایشان به زبانهای دیگر تکلم کردند و بلافاصله ۳۰۰ نفر ایمان آوردند به غیر از کسانی که بعدا مومن شدند و یا با شفای لنگ به دست دو حواری و اصرار مردم در اینکه شما خدائید به صورت بشر الی آخر که الحمد والله رب العالمین موت همه ایشان را دریافت اما نه مسیح نزول کرد نه قیامتی برپاشد و نه مکان مقدسی خراب گشت و نه آبی از آب تکان خورد)

و اینگونه اعمال محیرالعقول در کتب مورخان حتی به یک نقطه ثبت نشده باشد ...

تناقض بیست و سوم:

خبرمتی نیز در فصل ۲۴ جمله ۲۹ از قول مسیح در مورد وقایعی که خبر داد کشک از آب درآمد این وقایع عبارت بود از اولاً خرابی مکان مقدس ثانیاً نزول مسیح ثالثاً ظهور احوال قیامتی و ج ۲۹ (... تا این چیزها کامل نگردد این طبقه منقرض نگردد)

تناقض بیست و چهارم:

جملات ۲۳ فصل ۱۱ مرقس و جملات ۱۷ فصل ۱۶ یوحنا نیز در مورد خبر اقتدار بی نهایت در صورت ایمان به مسیح از قول مسیح نیز باطل از آب درآمد که گفت (...)

هر آینه من به شما راست می گویم که آن کس که (لفظ عام است) به من ایمان (ایمان عام است نه خاص و از آنجایی که هیچکس این اعمال را در میان مسیحیان انجام نداده یا باید اعتراف نمود که هیچکس ایمان نیاورده و اگر آورده این غلط با آن متناقض است یا کلام در این موضع کاملا تحریف شده است) آورد. این کارها که من می کنم او نیز خواهد کرد بلکه بزرگتر از این نیز خواهد کرد.

ص: ۹۴

تناقض بیست و پنجم:

در فصل ۳ لوقاجمله ۲۷ آمده است که (... ریصابن زروبابل بن شلتائیل) حال آنکه زروبابل پدرش فدایا است نه شلتائیل و ثانیاً شلتائیل پدرش یوخانیاست نه نیری و ثالثاً، زروبابل اصلاً فرزندی به نام ریصا ندارد، و نیز بازدرهمین فصل شالح را پسرقتیان وقتیان را پسر ارفحشد می داند.

تناقض بیست و ششم:

مرقس در جمله ۱۱ فصل ۱۳ موکدا اظهار می کند که شاگردان به روح مویدند و از جانب خود سخن نمیگویند تعجب مفسرین و علماء فنون تفسیری از توجیه بسیاری از مواضع کتب از قبیل موارد زیر است که از تفسیر آن بازمانده اند.

(یعنی با این مطالب متناقضند)

الف - بافصل ۲۳ اعمال که ناگهان پولس گفت (..... ای برادران ندانستم که او کاهن بزرگ است)

ب - بطور کلی تمام مواضعی که کتب اختلاف شاگردان را ذکر کرده اند مثل پولس و پطرس در فصل ۱۵ اعمال رسولان و غیره ، ، ،

ج - خطاء کلیساء اورشلیم و در نتیجه توبیخ پیروان توسط فرشته درمکاشفات، تلفیق این تناقضات کلا موید این مطلبند که شاگردان با وجود الهام در خطا هستند و این به هیچ وجه توجیه نمی شود مگر اینکه معترف شویم که این کتاب

ص : ۹۵

تحریف شده و شاگردان در الهام روح القدس بوده اند زیرا اگر به خطاء روح القدس اقرار کنیم پس شریعت ناقص و معلوم است اگر شریعت ناقص باشد آن سربعات محکوم به عدم پیروی است.

تناقض بیست و هفتم:

بطور خلاصه جمله ۵ فصل ۱۱ و جمله ۷ فصل ۱۲ رساله دوم به قرناتیان با جمله ۹ فصل ۱۱ متی و فصل ۱۳ اعمال کاملا متناقضند (... مرا یقین است که از بزرگترین رسولان هرگز کمتر نیستم ...) و (... آیا به دیدن چه چیز بیرون افتید ... بزرگتر از یحیی برنخاست ...)

تناقضی بیست و هشتم:

و نیز جمله ۹ فصل ۲۴ سفر سموئیل ثانی و جمله پنجم فصل ۲۰ اسفراول اخبار ایام نیز با هم متناقضند
یواب در سفر اول (تعداد اسرائیل را ۸۰۰۰/۰۰ نفر و یهود را ۵۰۰/۵۰۰ نفر) معرفی می کند و حال آنکه در سفر ثانی همان تعداد را به اختلاف ذکر کرده و تعداد اسرائیل را ۱۰۰/۱۰۰ نفر و یهود را ۴۷۰/۰۰ نفر معرفی می کند)

تناقض بیست و نهم:

جمله ۲۶ فصل هشتم سفر ملوک دوم که سن احزیا را فصل ۲۲ سال می نویسد با جمله فصل ۲۲ سفر اخبار ایام که سن او را ۴۲ سال معرفی می کند متناقض است و جالب اینکه همین کتاب سن پدر احزیا را (حین وفات) ۴۰ سال ثبت کند
یعنی به اعتبار وجه دوم یعنی از سن احزیا (۴۲ سال) لازم می آید هنگام تولد پدر احزیا دوساله بوده باشد.

تناقض سیم:

جمله دوم فصل ۱۳ سفر ثانی اخبار ایام که می نویسد (... میکاه دختر

ص: ۹۶

اوری نیل) با جمله ۲۰ از فصل ۱۱ سفر مذکور که می نویسد (میکه دختر ابی شالوم) کاملاً باهم متناقضند و جالب اینکه چون به نسب نامه فرزندان ابی شالوم مراجعه شود (جمله ۲۷ فصل ۲۴ سموئیل دوم) معلوم می شود که ابی شالوم فقط دارای یک دختر بوده آنهم تamar نام داشته است.

تناقض سی و یکم:

باز بطور خلاصه سه جمله از فصل ۱۰ رساله پولس به عبرانیان (۵ تا ۷) با مزموور ۴۰ و نیز ۴ جمله از مزموور ۱۶ با ۴ جمله از فصل ۲ اعمال رسولان باهم متناقضند.

تناقض سی و دوم:

انجیل اول در فصل ۳ جمله ۱۷ اندایی را که از آسمان برای مسیح آمد بیان می کند (...ندا آمد که اینست پسر حبیب من که از او خشنودم) یعنی غیر عیسی مخاطب است ولی در انجیل ثانی این ندارا اینگونه بیان می کند (آوازی از آسمان در رسید که تو پسر حبیب من هستی که از تو خشنودم) که می بینید خود عیسی مخاطب نداء است.

تناقضی سی و سوم:

نفرین پیامبر رحمت عیسی مسیح درخت انجیر را که اولاً تناقض متون متی و مرقس را در این مورد بیان نموده و ثانياً ایراد کلی بر اصل این داستان را توضیح خواهیم داد

اولاً

متی در جمله ۱۹ فصل ۲۰ جریان اثر نفرین را چنین تعریف می نماید.

(... نفرین عیسی درجا اثر کرده درخت در ساعت خشک شد به نحوی که شاگردان پرسیدند چه زود خشک شد) حال آنکه مرقس درست به عکس متی اثر نفرین را با چنین پیود زمانی بیان می نماید.

ص : ۹۷

(.... شب شده برگشت (یعنی یک روز بعد) در راه درخت خشکید و بطرس به عیسی گفت (یعنی خبر داد که) درخت خشکید)

ثانیا ایرادات کلی که به عنایات حق بیان خواهیم نمود. به غیر از تناقضات جزئی دیگر چنانکه خواهیم دید بسیار مهمتر است از این داستان که عیسی با شاگردان خود به راهی گذاری کرد و بر درخت انجیری که در کنار راه بود نفرین کرده درخت خشک شد و

ایراد (۱): می دانیم انسانی که در حد معمولی عقل داشته باشد (یعنی دیوانه نباشد) می داند که از درخت در غیرموسم میوه خواستن کار عاقلانه ای نیست ج ۲۱ (....موسم انجیر نبود) پس عیسی و حواریون که به اصطلاح عقلا آن زمان بوده اند چه انتظار نابجایی از درخت خشک داشته اند.

ایراد (۲): با فرض اینکه میدانیم موسم میوه نبوده و در واقع درخت تقصیری در نداشتن میوه نکرده پس نفرین عیسی درخت را کاملا غلط است زیرا غضب کردن بر کسی که خطا نکرده از صفات انبیا و مرسلین نیست مخصوصا از عیسی مسیح که به زعم ایشان مظهر رحمت بردشمنان است چه رسد به بیگناهان.

ایراد (۳): با فرض اینکه می دانیم انبیا قاعدتاً باید مظهر رحمت و امانت و کرامت و غیره باشند. فرض اینکه موسم میوه هم بوده باشد و درخت از عرضه آن استنکاف نموده باشد، به قول علما به فرض تقصیر، رسالت نبی ایجاب می کند که دعا کند نه نفرین یعنی وظیفه عیسی مسیح این بود که به درگاه خداوند از رحمت دعا نموده تا درخت را میوه دار نماید نه اینکه به عکس نفرین کند درخت درجا یا پس از یکروز خشک شود.

ایراد (۴): و رابعاً، انسان باید بیندیشد که این عمل در جامعه چه سکتی (یعنی حرکت انفعالی مذهبی)،

ص : ۹۸

موج (تعین ضرر-ضربه-خطر) و یا چه انعکاسی (یعنی عکس العمل-مقابله به مثل) و ..، دارد که یعنی ورود ضرر به غیر (بدون تقصیر) اگر از جانب شخصی که خداوند او را برای رحمت فرستاده که مظهر امنیت باشد هیچ ضابطه صحیحی نداشته باشد از پیروان اینگونه مسالک چه انتظار می توان داشت. ز باغ رعیت گر ملک خورد سیبی بر آورند غلامانش درخت از بیخ

ایراد (۵):

دانستن علم و آگاهی از وقایع آینده تا انقضای عالم از واجبات وخصائص رسالت انبیاء است پس چگونه میتوان قبول کرد که عیسی مسیح خبر نداشت که درخت میوه مطلوب او را نداشته و لذا ظهور صفت منفی از درخت او را دچار عکس العمل شنیعی نماید.

ایراد (۶): بسیار بعید به نظر می رسد از عیسی که در جمیع امورش به همه چیز طبق دستور رب خود مأمور به برکت و رحمت است چگونه امکان دارد که شاگردان را که گرسنه بودند تا پای درخت مذکور آورده و به عوض برکت داده نفرین کرده ایشان را محروم برگرداند الی آخر.

ایراد (۷): چگونه میتوان پذیرفت از عیسایی که بدون هیچ مزدی حتی مرده هارا زنده می کرد به درخت بی گناه سود که نرسانده یعنی برکت که نداده است هیچ بلکه آنرا از بیخ و بن نابود کرده که شاید بتوان ادعا نمود که شاید آن درخت هزاران سال بود که انواع وحوش ودرندگان از گراز و پلنگ خرس و غیره درامان بوده یعنی چنین زیان وضرری بر - - - - او وارد نیامده که بر اثر نزول این پیامبر رحمت.... الی آخر

ایراد (۸): تعجب ما از هوش شاگردان عیسی است که از زود خشک شدن

ص : ۹۹

درخت تعجب نموده ولیکن از وقوع این حادثه که به روش و شان عیسی نمیخورد تعجب نکرده عکس العمل نشان نداده اند، . . . الی آخر.

و نیز ایراد و تناقضی که این متن بطور کلی با جمله ۲۵ همین فصل دارد که میگوید (.... هر کس به شما خطا کرده باشد او را ببخشید . . .) زیرا با وصف اینکه می دانیم که درخت مزبور اولاً " شعور عالم ظاهر را نداشته و ثانياً "تقصیری نداشته یعنی زمان رشد و ظهور میوه نبوده...، یعنی در واقع خطایی از جانب او واقع نشده چگونه چنین امری امکان دارد و نیز با فصل ۹ لوقا جمله ۵۳ که عیسی در جواب شاگردانش که آنها را سامریان به شهر خود راه نداده بودند و از او طلب عذاب کردند می گوید (... نمی دانم که از کدام روح هستید زیرا که پسر انسان نیامده تاجان مردم را هلاک کند . .)

ما برای وصل (رحمت) کردن آمدیم

نی برای فصل (غضب) کردن آمدیم

تناقض سی و چهارم:

متون متی - یوحنا- و لوقا- بترتیب در فصول ۲۶-۱۲ و ۱۴ در بیان داستان خانمی که عطری قیمتی را بر روی مسیح ریخته و از او پذیرایی کرد تا اولاً مرقس و یوحنا در زمان وقوع این ماجرا اختلاف دارند یعنی مرقس و قوع این زمان را ۲ روز قبل از عید فصح می داند و حال آنکه یوحنا آنها ۶ روز قبل از عید فصح میدانند. ثانياً متون متی و مرقس در مکان وقوع این واقعه با متن یوحنا تناقض دارند متی و مرقس و قوع این حادثه را در خانه شمعون ابرص می دانند و حال آنکه یوحنا جمیع آن وقایع را از بیت (خانه) مریم نقل می کند.

ص: ۱۰۰

ثالثا در متن آمده است که آن خانم تمامی آن عطر را روی سر مسیح ریخت و حال آنکه متن یوحنا میگوید آنزن تمامی عطر را روی پاهای مسیح ریخت لفظ تمامی عطر نشانه بارز تناقض دو متن در بیان چگونگی استفاده آن زن در مورد ریختن عطر نسبت به عیسی است

رابعا در متن مرقس معترضین به عمل زن را که در واقع عملی منافقانه است جمعی از حاضرین مذکور نموده و حال اینکه متی این اعتراض را به شاگردان عیسی مختص میدانند و با کمال تعجب یوحنا اعتراض را فقط از جانب یکنفر آنهم یهودا اسخریوطی که به زعم ایشان منافق است می داند.

خامسا میبینیم که متون این اناجیل قیمت عطر را مثل مقام عیسی در الوهیت و خدایی به اختلاف نقل کرده اند یعنی یوحنا آنرا ۳۰۰ (ناسوت) و مرقس آنرا زیاد تر از ۳۰۰ (ناسوت و لاهوت) و متی بسیار گرانبها (لاهورت) آورده اند.

تناقض سی و پنجم:

متی در فصل هشتم ولوقا در فصل ۹ در بیان اشخاصی که بعد از سوال کاتب اذن و رخصت میگیرند اختلاف دارند متن لوقا ابتدا سوال کاتب بعد اذن دو مرد پی در پی آنوقت قصه تجلی را نقل میکند ولیکن لوقا ابتدا سوال کاتب بعدی استیاذان یک مرد و سپس قصه تجلی را آورده است

تناقض سی و ششم:

بطور کلی کتاب در زمان و مکان ایمان آوردن شاگردان مسیح تناقض فاحشی دارند مثلا در چگونگی زمان و مکان ایمان آوردن پطرس و یعقوب و یوحنا....

تناقض سی و هفتم:

متن مرقس در جمله ۲۵ فصل ۱۵ با متن یوحنا فصل ۱۹ جمله ۱۴ در ساعات بدار زدن عیسی باهم بکلی اختلاف دارند و مرقس می نویسد (عیسی را در ساعت

ص: ۱۰۱

سوم به دار زدند) حال آنکه یوحنا در متن خود می نویسد که عیسی را تازه در ساعت ششم نزد پیلاتس (جهت محاکمه) بردند).

تناقض سی و هشتم

متون (جمله ۱۰ فصل ۳) قرناطیان جمله ۵ فصل رساله اول تیطس ومتی (فصل ۵) و مکاشفات (فصل ۸) رساله یهودا بکلی در تشریح شریعت مسیح با هم متناقض بلکه متضادند. که ما ابتدا بعنوان نمونه دو متن رساله یهودا و عبارات رسالات پولس را به علت تضاد عجیب ذکر می نمایم ولی بطور خلاصه تشریح می کنیم که رسالات پولس علاوه بر تناقضاتی که با هم دارند کلا با قوانین عیسی مسیح و تورات موسی مخالفت شدید می نمایند و در اکثر رسالات پولس پراست از مطالبی که از شخص اسقاط تکلیف می کند و نیز فلسفه چینی بر اطراف این مسائل، و حال آنکه مسیح در متی و یعقوب حواری و فرشته در مکاشفات...

با شدت نهی از عمل ننمودن به احکام شریعت اول و ثانی می کردند یعنی در همان حال که پولس احکام آنها را افسانه خوانده و همه چیز را برای پاکان پاک می دانست و فلسفه نزول عیسی در فدیة از گناه عالم و نجات به محض ایمان و به عدم اجرای احکام شریعت امر می کرد. یعقوب حواری در رساله خود در مخالفت کلام پولس که خطاب به مومنین است می نویسد:

ای برادر من چه سود کسی گوید که من ایمان دارم و عمل نداشته باشد و نیز ایمان نیز اگر اعمال ندارد خود مرده است بلکه کسی خواهد گفت

تو ایمان داری و من اعمال، ایمان خود را بدون اعمال به من بنما، من ایمان خود را از اعمال به تو خواهم نمود (یعنی عمل) (اگر نفاق نباشد) تجلی ایمان است و گرنه تجلی کفر در لباس ایمان یعنی نفاق است.

ص: ۱۰۲

نوایمان داری که خداند واحد است و نیکو می کنی شیاطین ایمان دارند و می‌لرزند (یعنی درست به عکس آنچه پولس مردم تعلیم کرد که محض ایمان عدالت حاصل میشد). ای مرد باطل (شاید یعنی ای پولس)

آیا خواهی دانست که ایمان بدون اعمال باطلست آیا پدر ما ابراهیم به اعمال عادل نشد یعنی جناب حواری متذکر می شود که ایمان ابراهیم بعد از عمل او به شریعت خدای عزوجل برای او عدالت محسوب گشت برعکس پولس که معتقد بود که ابراهیم به ایمان عادل شد،

(ابراهیم به خدا ایمان آورد و برای او عدالت محسوب گشت) پس ایشان از اعمال عادل می شوند نه از ایمان تنها و نیز را حاب فاحشه ازاعمال عاده شمرده شده. پس اگر ایمان بی عمل سبب نجات باشد پس شیاطین هم باید اهل نجات باشند چرا که ایمان دارند و می لرزاند.

و نیز عبارات مسیح در جمله ۲۱ فصل ۵ متی بکلی با تعالیم پولس که به تعبیر کالونیستها دین مسیح را نابود نمود، شدیداً متناقض است زیرا در این متن میبینیم کسانی که به مسیح ایمان آورده حتی به نام او نبوت کرده اند ولی چون گناهکارند مغضوب درگاه او هستند، (عیسی می گوید که من در پاسخ کسانی که می گویند آیا به نام تو نبوت نکردیم، خواهم گفت، دور شویدای بدکاران که هرگز شما را نشناختم)

پس با این حسابی که مسیح برای اشخاص گنهکار باوجود نبوت در نام او باز کرده دیگر چه جای برای شاگردان مکتب پولس یعنی زناکاران - شریران - دزدان - دروغ گویان - قاتلان و ... می ماند که او نه امید بلکه یقین در نجات را برای ایشان تصویر کرده است.

ص: ۱۰۳

اما متن مکاشفات توییخ فرشته (. . . کفر آنانی که خود را یهود می دانند و نیستند بلکه از کنیسه شیطان هستند) زیرا از آغاز قرار دین مسیح بر این بود که رسالت مسیح را در میان گوسفندانی گمشده بنی اسرائیل مستقر سازد یعنی فقط در میان یهودیان لذا در این متن فرشته اشاره می کند به پیروان مسیح و بعد از صعود از غیر یهودیانی که به شریعت عیسی روی آوردند که مسئله یهودیت باطن کفر است و تنها یهودیانی که از بنی اسرائیل اند حق دارند در شریعت عیسی حضور یابند چنانکه عیسی گفت که نیامدم مگر به جهت گوسفندان گمشده بنی اسرائیل و نیز حق ندارند که در احکام تورات افتاده و آنها را افسانه بخوانند. زیرا ایشان که از اقوام غیر بنی اسرائیل بودند مسئله یهودیت باطنی را پیش کشیده بودند لیکن بحث کمی با تو دارم که در اینجا اشخاصی را داری که متمسکند به تعلیم بلعام که بالا قرا آموخت که در راه (تعالیم) بنی اسرائیل سنگ مصادم بیندازند (یعنی احکام آنرا افسانه بدانند) و قربانیهای بت را بخورند (و بگویند هر چیز برای پاکان پاک است) و زنا کنند (گوش مگیر به اینکه لمس مکن و میچش).

در عبارت فصل اول جمله ۱۵ رساله پولس به تیطس چنین آمده است که (... هیچ چیز در ذات خود نجس نیست بلکه هر کس آنرا نجس بداند، نجس است) یعنی اول خدا و بعد تمام انبیا حتی موسی و عیسی که او به ظاهر پیرو او هست و نعوذ بالله و او را خدا هم می داند نجس بوده و کم شخصیت ترین فرد مسیحی محض ایمان به مسیح حتی اگر مرتکب به شیعتین اعمال بشود (مقامش از این جهت که جناب پولس

فرمودند) از همه انبیا اولعزم بلکه خدا نعوذ بالله بالاتر است

سخنی با منصف

بر مسیحیان واجب است که هر چه زودتر به

ص: ۱۰۴

حکم عقل به شریعت والای اسلام مشرف شوند زیرا اسلام تنها شریعت الهامی عالم است که ندای خسران در عدم ایمان به آن را به سروش جاودانی سر داده است و گفته است "

(و من يتبع غير الاسلام دينا فلن يقبل منه و هو في الاخره من الخاسرين) یعنی هر کس به غیر از دین اسلام شریعت دیگری را تبعیت نماید از او قبول نخواهد شد و او در آخرت از زیانکاران است

و از آنجائیکه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند، (هر که با ما نیست علیه ماست) ملاحظه می فرمائید که طبق حکام عقل دو مسئله مطرح میشود.

اول، ورود در شریعت اسلام،

ثانیا. ابقاء یا ورود در شریعت مسیح

اولا، اگر شخصی در شریعت اسلام وارد شود در قیامت یا پس از مرگ وضع او از دو حالت خارج نیست یا دین اسلام را حق می بیند یا نعوذ بالله باطل. اگر حق است انشاء الله که هست سعادت مند شده با محمد و آل محمد محشور می شود و اگر نیست نعوذ بالله ضرری نکرده زیرا به زعم پولس مسیح آمد تا همه مردم را نجات بدهد (فصل اول جمله ۱۵ رساله پولس به تیطس)

ثانیا در صورت ابقا با ورود در شریعت مسیح در عالم برزخ اگر دین مسیح باطل شده و به شریعت والای حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم منسوخ گشته باشد اعمال او باطل و ضایع شده و از خاسرین خواهد بود زیرا عقل خود را برای یافتن این راه ابدی با سعادت بکار نینداخته است زیرا بنا به فرمایش امام علیه السلام، العقل ما عبد به الرحمن واكتسب به الجنان .

زیرا عقل آن چیز است که به واسطه آن خداوند رحمان عبادت شده و بهشت بواسطه آن کسب می گردد صدق الله و صدق رسوله و ابناء رسوله صلوات الله عليهم اجمعین و رحمه الله برکاته

ص: ۱۰۵

تناقض سی و نهم:

غایت رحم خداوند در جمله ۱۱ فصل ۵ رساله یعقوب در عبارت (... خداوند به غایت مهربان است...) با عبارت متن یوشع در جمله ۱۶ فصل ۱۳ کاملاً متناقض است در این متن آمده است که چگونه خداوند با زنان حامله و اطفال، صغیر اهل شومیرون به غایت بی رحمی رفتار می کند.

تناقض چهارم:

عبارات متون (جمله ۱۶ فصل ۲۴) تورات مثنی (سفر تثییه) که آمده است (بلکه هر کس به گناه خودش کشته میشود) با فصل ۱۳ جمله ۱۴ ارمیا که در آن خدا پیامبران را با گناهکاران عذاب کرده بکلی متناقض می نماید و نیز این دو متن با متن حزقیال، در عبارت ۲۳ فصل ۱۸ که میگوید (...آیا از مرگ شریر (عذاب) حظی می برم بلکه حظ من این است که از راههایش رجوع کرده زنده بماند...) بکلی متناقض است.

تناقض چهل و یکم:

مفهوم غلط ادبی عبارت اشعیا نبی در فصل ۵۴ جمله هشتم، (البته امثال این غلطهای نگارشی و دستوری بلکه بسیار واضح تر از این در متون کتاب مقدس فراوان است مثلاً در متن رساله فلیمون - یا (قصص ۲۱) کتاب ایوب یا در متی فصل (۶جمله ۲۳).... الی آخر که در آینده مذکور خواهد گشت ان شالله) که می گوید (... و به احسان جاودانی بر تو رحمت خواهم فرمود) کاملاً غلط است.

زیرا عملاً به واسطه صفات ظهور می کند و هیچگاه به واسطه عمل

ص: ۱۰۶

صفت بر فاعل منتقل نمی شود پس صحیح عبارت خواهد بود (... و به رحمت خود بر تو احسان جاودانی خواهم کرد ...) که (صفت) رحمت از (ذات) رحیم در (عامل) احسان جاودانی تجلی کرده است.

تناقض چهل و دوم:

متون کتاب استیر و سرود سلیمانی (فصل ۴) از لحاظ صحیح نبودن اصول و مبانی الهام دلالت بر تحریفی بودن کتب دارد،

مثلا در متن کتاب استیر که به عنوان یک کتاب الهامی مورد اعتقاد همه مسیحیان عالم است بقول معروف برای خالی نبودن عریضه حتی یک بار هم نام خدا یا احکام یا صفات او را بیان نکرده است و در عوض به شرح حال خانه و تعریف احوالات عمومی شخصی از قوم یهود (مردخای یهودی) پرداخته است و یا متن سرود سلیمانی، که پر است از اشعار زشت و بد که این اشعار علاوه بر وقاحت بقول معروف به دست چین یک شعرگوی ناشی شبیه است تا به وحی زیرا مثلا (فصل ۴) موی محبوبه را به کله بزیا دم یابو و دندانهای او را به گله گوسفند پشم بریده و گردن او را به برج ... و غیره تشبیه کرده است.

تناقض چهل و سوم:

لوقا در نسب نامه خود عیسی را از اولاد یهوایقیم می داند حال آنکه به حکم (فصل ۳۶ جمله ۳) متن ارمیا (۱) از اولاد یهوایقیم کسی نباید پیامبر شود (یعنی وارد جمعیت رب شود)

تناقض چهل و چهارم:

به حکم متن متی (جمله ۵ و ۷ فصل اول) داوود و سلیمان و عیسی مسیح از نسل عوبید و رحبعام بوده و بر طبق متن (فصل ۲۳) تورات مثنی لازم می آید که داوود و سلیمان و عیسی وارد جمعیت

ص: ۱۰۷

رب نشوند... الی آخر زیرا بنی عمون و بنی مؤاب دو نسلی هستند که بر طبق مفاد کتاب از زنای پیامبر آنها حاصل شده و اهل نجات نیستند تا ده پشت و اصلاً...

زیرا عوبید جد داوود که مادرش را عوت است موابی (کتاب روت فصل اول جمله ۴) و رحبعام بن سلیمان نیز جد عیسی است که مادرش عمانی است (جمله ۲۱ فصل ۱۴ سفر اول پادشاهان) پس می بینید که با این حساب نه تنها این بزرگواران نمی توانند پیامبر باشند بلکه صد در هزار اهل نجات هم نیستند.

تناقض چهل و پنجم:

با مطالعه بعضی از متون کتاب هر شخص به راحتی می تواند دریابد که این کتب بیشتر به نامه های دوستانه کودکان یا نویسندگان ناشی شباهت دارد تا به وحی مثلاً پولس در رساله دوم خود به تیموتاوس جمله ۱۲ و ۱۳ میگوید

(... بالاپوش مرا هم بیاور... فلانی خیلی با ما جنگ کرد..).

یا مثالهای ناشیانه چنانکه در قبل اشاره کردیم و نیز اشاره خواهیم نمود مثل رساله فلیمون که آمده است (برای سفید کردن لباس گناهکاران آنها را به خون می شویند) که البته این تشبیه بسیار نابجا است زیرا پر واضح است که شستن لباس به خون آن را قرمز می کند نه سفید.

تناقض چهل و ششم:

در مواضع بسیاری از متون کتب چنانکه می دانیم گناهان کبیره بسیاری از پیامبران (مثل نوح - داوود - مسیح...) ذکر شده است.

البته چنانکه می دانیم قبول اینگونه مطالب اولاً " با شعور و عقل سالم انسان

ص : ۱۰۸

متعارف مذهبی تناقض دارد ثانیاً" با رساله اول یوحنا رسول که از متون کتاب مقدس است در فصل که می گوید (هر که از خدا مولود شده) (یعنی به او ایمان دارد چه برسد به پیامبران) گناه نمی کند زیرا تخم او در او می ماند و نمی تواند گنه کار باشد .

تناقض چهل و هفت:

متن یوحنا (جمله ۱۰ فصل ۳) در عبارت (... من و پدر یک هستیم)

با عبارت متن پولس به قرناتیان (فصل ۱۱ جمله ۳) که می گوید (بعد از

رستاخیز هم) (خدا سر مسیح است) کاملاً متناقض است.

تناقض چهل و هشتم:

عبارت فصل ۵ متی اجرا قوانین موسی در شریعت عیسی را به حکم عیسی مسیح و به زبان خود او به صراحت قید می کند به نحوی که شکننده آن را کمترین کس می خواند این عبارت با عبارت فصل ۱۵ جمله ۲۸ اعمال که مربوط است به پارلمان شاگردان و انحصار احکام حرام شریعت موسی در ۴ مورد کاملاً متناقض است.

و نیز عبارات این متون با متن رساله اول پولس به تیطس (جمله ۵ فصل اول) در مورد صدور حکم حلالیت همه اشیا و کشیدن خط بطلان بر شریعت موسی (کاملاً متناقض است) (همه چیز برای پاکان پاک است)

تناقض چهل و نهم:

عبارت هشتم فصل ۱۲ لوقا که از قول مسیح می گوید (هر کس مرا نزد

ص: ۱۰۹

خلق انکار کند او را نزد خداوند انکار می‌کنم).

با انکار پطرس مسیح را به هنگام صعود تناقض دارد زیرا مفهوم آن عدم نجات پطرس در آخرت است. حال آنکه در فصل ۲۲ لوقا مسیح به ایشان وعده داوری بر ۱۲ کرسی به بنی اسرائیل را می‌دهد و از طرفی چون که یکی از این کرسی‌ها متعلق است به یهودا اسخریوطی زیرا در این خطاب یهودا نیز حضور داشت پس باید به این مطلب حکم کنیم که شیطان نیز در آخرت همنشین عیسی و حواریون است.

تناقض پنجاهم:

در این تناقض متن متی در فصل ۵ جمله ۲۱ موعظه لغزش را قبل از اعزام شاگردان به شهرهای بنی اسرائیل ذکر می‌کند و حال آنکه مرقس این موعظه را بعد از فرستادن حواریون به طرف شهرهای بنی اسرائیل می‌داند (فصل ۹ جمله ۴۳)

تناقض پنجاه و یکم:

متن متی در چندین موضع مکرراً از زبان عیسی مسیح خطاب به کاتبان و فریسیان:

می‌گوید (...و این فرقه شریر و زناکار) (۱) آیتی می‌طلبند. اما به ایشان آیتی عطا نخواهد شد (جز آیت یونس نبی...) (۲)

این متن اولاً- با عبارت متن مرقس که الحاقیات ۱ و ۲ را ندارد کاملاً- "متناقض است. ثانياً هر دو آنها با متون خودشان متناقضند خصوصاً متی که قبل از آیت (یونس نبی) افزون از صدها آیت و نشانه تا قبل از بالا رفتن به ایشان عطا کرد از قبیل شکافتن پرده هیکل تا فراگرفتن تاریکی سراسر زمین

ص : ۱۱۰

را ۶ ساعت و برخاستن مردگان و غیره

تناقض پنجاه و دوم:

متون سفر تکوین و نحمیا در علت داخل نشدن بنی عمون و بنی مواب به جمعیت رب متناقضند نحمیا (فصل ۱۳) علت داخل نشدن ایشان را چنین بیان می کنند که (چون ایشان نه تنها بنی اسرائیل را به نان و آب استقبال نکردند بلکه بلعام را نیز بر ضد ایشان تحریک کردند لذا مورد لعن قرار گرفتند و لذا داخلی در جمعیت رب نمی شوند.)،

اما سفر تکوین علت این امر را چنانکه مشهور است زناى لوط نعوذ بالله با دخترانش می داند که مشروح آن (در فصل ۱۹ تکوین آمده است).

تناقض پنجاه و سوم:

عبارت نابجا و غلط زیر در فصل ۲۱ متن کتاب ایوب آمده است که

میگوید (. . . و گفت برهنه از رحم مادر بیرون آمدم و برهنه به آنجا بر خواهم گشت)

تناقض پنجاه و چهارم:

عبارت متی در فصل پنجم درباره سیاست کشوری و مملکی

چنین تعلیم می دهد که عیسی در این فصل می گوید (که اگر کسی عبای تو را خواست قبای خود را نیز به او واگذار کن ...) یعنی در مقایسه اگر کسی ذغال سنگ را گرفت نفت را هم دو دستی تقدیم کن الی آخر. (قابل توجه ناسیونالیست ها و وطن پرستان).

تناقض پنجاه و پنجم:

در تاریخ مسیحیت از آغاز تا این زمان و در آینده مسیحیان کفرهایی فراوانی را نسبت به روح القدس انجام دادند از جمله .

ص: ۱۱۱

۱- نوشتن و منسوب کردن هزاران انجیل و رساله و کلام و ...، به روح القدس از زبان عیسی و مریم و حواریون..... غیره

۲- انتخاب بشری از میان این بی نهایت انجیل تدوین شده بشری و مشکوک انهم به جبر و تحمیل سیاسی متکبرین زمان وانتساب آن بروح القدس

۳- سکوت و قبول آن در مقابل تناقضات و سخنان زشتی که در طی قرون به انبیا عظام از جانب روح القدس منسوب شده است.

۴- قبول کردن تراجم کتب که از زبان اصلی به سلیقه اشخاص آنهم از روی

نسخ ناقص و بشری که از جهت بی بنیانی و سستی منسوب به روح القدس شده است.

۵- عدم مخالفت به جهت ایمان به روح در خلاف این عقیده که ترجمه موافق اصل نخواهد بود زیرا یکی از مباحث عمده در مسیحیت که از آغاز گریبان گیرشان بود، مسئله ترجمه کتاب است که آیا اعتبار دارد یا نه که چه در صدر مسیحیت و چه بعدها باعث کشت و کشتار بسیار عظیمی بین مسیحیان شد (مثلاً "در صدر مسیحیت کشتار فراوانی بر سر ترجمه یک کلمه که آیا (هومر- اوسیون) همذاتی می شود یا (هومواوسیون) هم نوعی (که سرازهیست لاهوتی و ناسوتی عیسی درمی آورد) ایجاد شد که اگر تراجم اصالت خود را حفظ می کردند اختلاف معنی نداشت نمی دانم با وجود فقط این مثال جایی برای این مسئله می ماند که ترجمه نیز مانند اصل معتبر نیست یا نه اگر ایشان با کمال تعصب بگویند معتبر است هر چند همه مسیحیان بر سر این اختلافات تلف شوند ما دیگر سخنی نداریم بنابراین کتبی که انسان نمی داند چه شخصی با چه درجه تقوی و صلاحیت و سواد ... دست به این ترجمه زده قابل قبول نیست زیرا فرق بین اصل کلام (کلام حق) و ترجمه (کلام بشر) فرقی به بزرگی فرق خالق و مخلوق است

خصوصاً وقتی که عقاید خود را به آن داخل کنند که جمیع این اعمال کفر به خدا و روح القدس و حضرت مسیح و شاگردان او علی نبینا و آله وعلیهم السلام

است که در متی (جمله ۲ فصل ۱۲) به زبان حضرت عیسی از گناهان

نابخشودنی است. (.....هرنوع گناه (که مقصود عظمت گناه و کفر به روح القدس است.) آمرزیده ولیکن کفر به روح القدس از انسان عفو نخواهد شد (آنوقت بقول معروف محکم کاری کرده و میگوید) اما کسی که برخلاف روح القدس سخن گوید در این عالم و عالم آینده هرگز آمرزیده نخواهد شد.)

پس بر جمیع مسیحیان است که به دین شریف پیامبر معظم اسلام

حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم و ولایت ۱۲ وصی معظم ایشان

ص: ۱۱۲

صلوات الله وسلامه عليهم اجمعين مشرف شده و جان خود را درعالم فانی و باقی رستگار نمایند. الهی آمین یا رب العالمین

تناقض پنجاه و ششم:

تضاد روشن در عبارات (فصل ۶ جمله ۳۱ و ۳۲) و جمله ۹ از فصل ۶ متی که کاملاً باهم متناقضند در جمله ۳۱ و ۳۲ از زبان عیسی می گوید. (. . . اما پدر آسمانی میداند که به این همه چیزها نیازمندید ولی اول ملکوت خداوند و عدالت او را بطلبید که اینهمه (مقصود وسایل دنیایی) برای شما مزید خواهد شد) ولیکن با کمال تعجب میبینیم که در جمله ۹ فصل ۶ قبل از این که ملکوت خداوند و عدالت یعنی اصل را بخواهد فرع را بیان میکند و میگوید که (.... نان کنان ما را امروز به ما بده بعد می گوید ما را در آزمایش میاورو از شریر رهایی ده.....)

تناقض پنجاه و هفتم:

عبارت متن متی (در فصل ۶ جمله ۲۳) (پس اگر چشم تو فاسد است تمام

ص: ۱۱۳

جسدت تاریک می‌باشد. پس اگر نوری که در تست ظلمت باشد چه ظلمت عظیمی است)

غلط و نادرست است زیرا وقتی فرض شد که نور است دیگر ظلمت نیست همانطور که وقتی ظلمت باشد نوری موجود نخواهد بود. و صحیح این عبارت با توجه به معنی آن باید باشد (... اگر نوری که در تست خاموش شود، چه ظلمت عظیمی خواهد بود) یا ۲ (اگر نوری که در تو خواهد آمد خاموش شود چه ظلمت عظیمی خواهد بود....)

تناقض پنجاه و هشتم:

احتیاط واجب

عبارت متی در فصل ۲ جمله اول که شرط محکوم نشدن را محکوم نکردن قرار می‌دهد، با عبارت فصل ۱۲ جمله ۳۷ که محکوم نشدن را سخن نگفتن قرار می‌دهد متناقض است و ثانیاً (معنی ظاهر کلام در عبارت فصل ۱۲ اینست که هر کس به باطل سخن بگوید بر او حکم خواهد شد و البته این کلام بسیار باطل است زیرا این ممکن نیست مگر اینکه شخصی ملهم به روح القدس باشد و از آنجایی که این امر ممکن نیست بقول علما احتیاط واجب اینست که حرف نزنند مبدا حرف باطل در میان کلام او باشد

تناقض پنجاه و نهم:

تناقض عمل ملهم روح القدس یعنی عیسی مسیح (در جمله ۴۸ فصل ۱۲) متی

در مورد رفتار خود به مادر و برادرانش که به جای محبت نمودن و خوش رفتاری

ص: ۱۱۴

به ایشان آنها را بدون هیچ دلیلی اعراض کرده و از آنها روی گردان شده و آنها را بی ادبانه در انتظار قرار داده و مزد زحمات خود را به مادر و برادرانش به اینگونه پاسخ می دهد که شنوندگان و شاگردان خود را خطاب کرده و می گوید اینها هستند برادر و خواهر من و یا در فصل دوم یوحنا جمله ۴ که باز هم مسیح رفتار بسیار بی ادبانه ای نسبت به مادر خود دارد زیرا در این داستان آمده که وقتی مادر مسیح از او تقاضا کرد در جواب او به تندی می گوید (که ای زن مرا با توچکار است) که البته این اعمال او را با خطابه روی کوه عیسی کاملا متناقض است (متی فصل ۵) زیرا در آن عیسی پیروان را امر می کنند که حتی برای دشمنان خود استغفار کنند ۱

و ثانیاً اگر این تفصیر را از عیسی بدانیم در واقع قصور را از روح القدس دانسته ایم و در نتیجه معتقد به نقص شریعت می شویم و این کاملا مطابق عقل است که انسان پیروی شریعت کامل (اسلام) کند تا شریعت ناقص و منسوخ

تناقض ششم:

جمله ۱۱ فصل ۱۵ متن متی در عبارت (نه آنچه به دهان میرود انسان را نجس می سازد بلکه آنچه بیرون می آید)

که اولاً- با عبارت فصل دوم مکاشفات و ثانیاً با اکثر مواضع کتاب متناقض است که در آن مثلاً نهی از خوردن قربانی بت شده (یعنی اگر آن داخل بدن انسان شود انسان را نجس می سازد) و

ص: ۱۱۵

تناقض شصت و یکم:

در جمله ۱۷ فصل ۱۵ متی آمده - و لاکن آنچه از دهان بر آید از دل بر آید که البته به اجماع تمام عقلا عالم این کلام غلط محض است زیرا ای بسا سخنانی که افراد بزبان آورده ولی در دل قصد دیگری دارند .

توضیح این دو تناقض:

کاملاً معلوم است که برعکس آنچه ایشان متذکر شده اند و موافق آنچه که شعور ما حکم می نماید بسیاری از اوقات انسان چون ظاهر خود را به نجاست کشید باطن پلید تجلی کرده باعث فسادها می شود مثلاً شراب و امثال آن چون از فضای دهان پائین رود ممکن است باعث فاجعه و مصیبت‌های فراوانی مثل قتل و فساد و دزدی شود که البته موافق این کلام به زبان عیسی در جمله ۲۷ و ۲۸ فصل ۲۳ متی که طهارت ظالم را شرط تطهیر باطن دانسته است، آمده است.

تناقض شصت و دوم و سوم:

در عبارت ۲۲ در جمله ۲۱ متی آمده ، (مال قیصر را به قیصر و مال خدا را به خدا) که عبارت دوم بی ربط است و خداوند مالی نداشت .

(یعنی سکه ای که جنبه مذهبی داشته باشد) تا آنرا در هیکل خداوند بریزند و نیز در پاسخ صدوقیان در تشریح قیامت آن زن ... عبارت ۲ (... (۱) یعنی من هستم خدای ابراهیم زندگانست) بی ربط بوده و به متن نمیخورد مثل عبارت ۲ (خدای خود محبت نما، و دوم مثل آنست یعنی همسایه خود را مثل خود محبت نما) به متن نمیخورد و اصلاً ربطی هم ندارد زیرا فرض اینکه موسی گفت زنا نکنید در این دو حکم نیست زیرا اگر فرض کنیم که حکم اعظم رابطه خدا و مخلوق باشد و دوم رابطه مخلوق با مخلوق

ص: ۱۱۶

جمع احکام در روابط انسانی در حکم دوم جمع نمی شود مثل زنا احترام به پدر و مادر.... و اگر فرض را در این مطلب قرار دهیم که حکم اول اصلی و اعظم است جمله دوم بی ربط می شود و نیز باز پاسخ عبارت (پس درباره مسیح چه گمان می‌برید؟ او اوپسر کیست) نیز کاملاً بی ربط است.

تناقض شصت و چهارم:

عبارت مزبور (فصل ۳۷ جمله ۲۳ و ۲۲) می گوید (زیرا آنانی که از وی برکت یابند وارث زمین گردند و اما آنانی که ملعون وی اند منقطع خواهند گشت) و نیز با فرض اینکه میدانیم که پولس گفت درباره عیسی (وملعون است هر که به دار آویخته شود) و نیز باز با فرض اینکه می دانیم که عیسی مسیح در هنگام شهادت (به زعم ایشان) بر روی دار از خداوند برکت نگرفت (یعنی خداوند به او نداد) لذا گفت (... پدر چرا مرا واگذاشتی) نتیجه میگیریم که مسیح به این دو حکم نه تنها وارد و وارث ملکوت نشد بلکه بکلی منقطع گشته است نعوذ بالله

تناقض شصت و پنجم و شصت و ششم:

کلام عیسی منقول در فصل ۲۳ جمله ۳۸ خطاب به یهودیان که میگویند (به شما میگوییم که از این پس دیگر مرا نخواهید دید تا بگوئید مبارک است او که به نام خداوند می آید که به روایت دیگر آنکه بر ابرها می آید.

می بینیم که غلط محض از آب درمی آید زیرا مدتی بعد از این پیشگویی یهودیان جمع شده او را دست و پا بسته تسلیم پیلاطس می کنند و بطور کلی و خلاصه کتاب وقایع کشتن، دفن، هبوط..... و غیره را به اختلاف ذکر کرده بهر حال انتظار میرود که احدی در عالم از عقلا و علما در عالم قبول نمایند که

ص: ۱۱۷

این کتاب نه الهام بلکه به تدوین یک نویسنده حسابگرهم نباشد، بهرحال لازم به ذکر نیست که فی المثل با کثرت اخباری که مثلاً "عیسی راجع به برخاستن خود (به سه روز و سه شب) داد محاسبه این زمان کوتاه ازدست چهار کاتب ملهم ایشان در رفته و آنرا به تناقض بنویسند... الی آخر

تناقض شص و هفتم:

طبق تعالیم کتب، تمام انبیا و اولیاء به بدترین جرایم و گناهان دچار بودند

و عجیب اینکه آنچه که به این پیامبران نسبت داده اند. شاید از پست ترین و رذلتین انسانهای عالم نیز سرزده باشد مانند شرابخواری (نوح) طمع به ناموس غیر (داوود) - زنای با محارم (لوط) - قتل (داوود) جنایت (داوود) تزویج زنان فاحشه (حزقیال) بت پرستی (سلیمان) و

وجالب اینکه علماء ایشان تا چند سال پیش معتقد بودند که جمیع انسانها به غیر از خداومسیح که پسر اوست گناهکارند اما در قرن بیست اثبات شد که مسیح هم به معصیت و گناه خود در کتاب شهادت داد (به علت جاری نمودن حد بر زن زانیه) و انشاءالله در این زمان به حکم ما خدای ایشان نیز حتما گناهکاراست و دراین فتوی بایستی به عنوان مثال بواقعه لوط با دخترانش اشاره کرد زیرا دراین واقعه آمده است که لوط در دو شب متوالی به دو دختر خود در حالی که از شدت مستی سراز پا نمی شناخت تجاوز کرده و هردوی آنها به این فرض محال دختران باکره - مستی فوق العاده - حاملگی بلافاصله که مساوی است با معجزه که به دو فرزند کاکل زری حامله گشتند.

ص: ۱۱۸

و از آنجایی که این امر امکان ندارد مگر به نیروی معجزه خداوندی پس باید معتقد شویم که در واقع خداوند هم نعوذ بالله معصیت کار است زیرا این معجزه لوط نبود مگر به اذن و اراده خدا و گرنه چنین فعلی امکان نداشت در عالم ظاهر صورت وقوع داشته باشد.

تناقض شصت و هشتم:

در عبارت ۳۷ فصل ۲۳ متی لفظ نخواستید به دو دلیل نادرست بکار - برده شده است. زیرا عیسی در خطاب به اورشلیم می گوید (ای اورشلیم ای اورشلیم قاتل انبیا نخواستید.) زیرا که صحیح آن لفظ نخواستی است که مخاطب مفرد است اگر اینطور باشد خطاب به اورشلیم محترمانه می شود. حال آنکه این کلام با اطلاق لفظ قاتل انبیاء در عبارت متعارض است و ثانیاً برای اورشلیم و امثال آن همانطور که نمی گویند قاتلهای انبیا (یعنی جمع بکار نمی رود باید بگویند) (قاتل انبیاء نخواستی) و اگر بخواهیم فرض کنیم که در ترجمه این الفاظ این مشکلات بروز کرده خواهیم گفت که همانطور که ما از پیش اخبار کرده بودیم ترجمه هیچگاه نمی تواند اصالت کلام را حفظ کنند و اینکه خانه از پای بست ویران است .

تناقض شصت و نهم:

عبارت متن متی (فصل ۲۳ جمله ۱ و ۲) میگوید که (احکام موسی را نگاه داشته و بجا آورید) و نیز عبارت فصل ۱۹ جمله ۱۷ که عمل به احکام را شرط ورود به حیات جاودان می داند (....چه عمل نیکوکنم تا حیات جاودان یابم (عیسی) گفت احکام را نگاهدار) با عبارت متون رسالات پولس چنانکه مذکور گشت که نهی از عمل به احکام موسی می کنند و آنها را افسانه می خوانند متعارض است یعنی لازمه کلام عیسی اینست که الحال هیچکدام از آنها رستگار نشده و همگی اهل هاویه باشند.

ص: ۱۱۹

تناقض هفتادم:

در اکثر مواضع متون کتاب در نقل مطالب واحد دچار تناقض و اختلاف اند فی المثل متن مرقس با متی در عبارات زیر در یک الحاق و دو جمله با هم مختلف الذکرند. یعنی هر دو متن یک داستان را با دوشکل کاملاً متفاوت عرضه کرده اند مثلاً متی فصل ۳ جمله ۱۲ به زبان یحیی می گوید (.. که من لایق برداشتن نعلین او نیستم او آمد شما را به روح القدس و آتش تعمید خواهد داد) اما مرقس در فصل اول جمله ۸ می گوید (من لایق نیستم دوال نعلین او را باز کنم او آمده شما را به روح القدس تعمید خواهد داد)

تناقض هفتاد و یکم:

عبارات فصل ۱۲ جمله ۱۰ متی با عبارت مرقس فصل ۳ جمله یک باهم متناقضند

متی می گوید (یهودیان با یک سؤال و جواب در صدد ادعای بر علیه عیسی شدند (.... از وی پرسیده و گفتند در سبت شفا دادن جایز است یا نه تا بر او ادعا آورند) ولی در عبارت مرقس آمده که یهودیان بدون اینکه کلمه ای به او سخن گویند بسیار پنهانی در کمین نشسته تا شاید در سبت شفا دهد تا مدعی او گردند.

(.... مراقب وی بودند که شاید در سبت شفا دهد تا مدعی او گردند)

تناقض هفتاد و دوم:

متون متی و مرقس در پیروی و همراهی یاران عیسی (شمعون-اندریاس و یعقوب و یوحنا) در عطف کفر ناحوم متناقضند متی در فصل ۴ جمله ۱۴ آورده که بعد از اینکه عیسی در کفر ناحوم ساکن شد (شمعون اندریاس و یعقوب و یوحنا) با او همراهی کردند ولیکن مرقس این همراهی را قبل از سکناى مسیح در کفر ناحوم ذکر میکند (مرقس فصل اول جمله ۲۱ و ۱۷) (ومتی فصل ۴ جمله ۱۴)

ص : ۱۲۰

تناقض هشتماد و سوم:

بطور کلی لحن متن متی از لحاظ اظهار عقیده و بیان تندی که در مورد دشمنان دارد

با متن مرقس بسیار بسیار باهم متناقضند مثلا در مورد الوهیت مسیح و شدت عقیده راجع به یهودیان (فصل ۱۶ جمله ۱ متی) مثلا وقتی فریسیان و صدوقیان نزد وی آمده و برای امتحان از وی آیتی آسمانی خواستند (... ایشانرا جواب داد... این فرقه شریر و زناکار آیتی می طلبند و آیتی عطا نخواهد شد جز آیت (یونس نبی...)).

اما عبارت مرقس (در فصل ۸ جمله ۱۲) چنین است (... آیتی آسمانی از وی خواستند از دل آهی کشید و گفت از برای چه این فرقه آیتی می طلبند هر آینه به شما میگویم آیتی به ایشان عطا نخواهد شد).

که کثرت مطالب و زیاده روی درباره مسیح در متن متی بطور کلی و نیز در این متن خارج از حد احصاء است.

تناقض هفتماد و چهارم:

عکس العمل شاگردان در عبارات متن متی (جمله ۳۳ فصل ۵) و (جمله ۱۷ از فصل ۱۴) کاملا باهم متناقضند در فصل ۱۴ آمده است که عیسی شاگردان خود و جمعیت کثیری از خلائق (۵۰۰۰ مرد سوای کودکان و زنان) را با ۵ نان و دو ماهی سیر کرد و به فاصله کوتاهی بعد از این واقعه (در فصل ۱۵ جمله ۳۳) وقتی عیسی همراه گروه کثیری با شاگردان به بیابان می روند با کمال تعجب می بینیم که شاگردانی که به زعم ایشان بر ارواح پلیدهم (جمله ۲ فصل ۱۰ متی) قدرت داده شده اند (یعنی ملهم به روح القدسند) به عیسی مسیح می گویند (... از کجا در بیابان ما را آنقدر نان باشد که چنین انبوه را سیر کند...). که اظهار این مطلب از جانب شاگردان آنهم با اعتراض با عقل و شعور الهامی و نیز انسانی کاملا معارض است

ص: ۱۲۱

و یا مثلاً از زمان پرسش فریسیان بر آنچه در مرقس و متون دیگر اناجیل است این امور کاملاً معلوم و مشهود می باشد

تناقض هفتاد و پنج:

عبارات (فصل ۸ مرقس با عبارت فصل ۱۶ متی) کاملاً باهم متناقضند مرقس می نویسد عیسی بعد از اینکه به شاگردان گفت از خمیرمایه فریسیان احتیاط کنید با یک سؤال و جواب (ج ۱۹) تعداد سبد و زنبیل نان را توسط شاگردان بیان می نماید.

حال آنکه در متی فصل ۱۶ می بینیم که نه تنها سؤال و جوابی مطرح نمی شود (یعنی فقط عیسی متکلم وحده است) بلکه تعداد سبد نان و زنبیل را هم نمی گوید.

و ثانیاً مرقس (فصل ۸ جمله ۹) تعداد خورندگان (اعم از زن و مرد و پیر و جوان را) قریب نرسیده به ۴۰۰۰ نفر ذکر میکنند و حال آنکه متی (فصل ۱۵ جمله ۳۸) این تعداد را به غیر از (زنان و اطفال) ۴۰۰۰ نفر می نویسد یعنی تعداد خورندگان حداقل ۶۰۰۰ نفر می شود

تناقض هفتاد و ششم:

متون مرقس (فصل ۹) (جمله ۳۹) و متی (فصل ۷ جمله ۲۳) در بیان نحوه ایمان و شخصیت افراد از نظر عیسی بشدت باهم متناقضند

متی در متن خود آورده است از قول مسیح که (.... نه هر که خداوند، خداوند گوید داخل ملکوت شود، بسا در آن روز (روز قیامت) خواهند گفت. آیا به نام تودیوها خارج نساختیم و معجزات ظاهر نساختیم (پس عیسی میگوید)... ای بدکاران از من دور شوید که... هر که با ما نیست علیه ماست) و مرقس همین داستان را در متن خود با تناقضی عجیبی چنین آورده است. (آنگاه یوحنا ملتفت شده و گفت ای استاد شخصی را دیدم که به نام تودیوها خارج

ص: ۱۲۲

میکرد (انبیاء کذب). ولی متابعت ما نمی نمود و او را ممانعت نمودیم عیسی گفت او را منع مکنید زیرا هیچکس نیست که به اسم من معجزه نماید و بتواند بزودی در حق من بدگوید زیرا هر که ضد ما نیست با ماست)

خلاصه نتایج حاصله

۱- متی از زبان عیسی به وجود انبیاء کذب اشاره کرده و آنان را به زشتی (بدکاران) نام میبرد و نیز به شدت ایشان را محکوم کرده و اهل نجات نمی داند. و حال آنکه مرقس نه تنها رفتار اینگونه اشخاص را توجیه می کند بلکه درصدد است که ایشان را به گونه ای معرفی نماید که خواننده دریابد که نه تنها پیروی ایشان جایز و بلا مانع است بلکه جنبه عبادی دارد.

۲- متی تمام کسانی را که حتی به نام او معجزه ظاهر می کنند چون به راه مسیح نیامدند کافر علی الاطلاق دانسته و حتی ایشان را داخل در عذاب الهی می داند و حال آنکه مرقس تمام کسانی را که به نام مسیح نبوت می کنند (و به راه او نمیروند) را مومن دانسته و اهل نجات (زیرا با ماست) می داند.

۳- متی می نویسد که عیسی می گوید، (هرکس با ما نیست برضد ماست) مرقس می نویسد که عیسی می گوید، (هرکس علیه ما نیست با ماست)

۴- از همه مهمتر متی کذب در رهبری را نفی کرده و آنرا کفر می داند ولی مرقس آنرا کاملاً مستحسن شمرده بلکه عبادت می داند.

تناقض هفتاد و هفتم:

متی در فصل ۹ جمله ۱۸ از قول شخص رئیس میگوید که . (و گفت . . . اکنون دختر من مرده است)

و حال آنکه مرقس در فصل ۵ جمله ۲۳ پس از نقل همین داستان از قول شخص رئیس می گوید نفس دختر من به آخر رسیده (یعنی مشرف

ص: ۱۲۳

به موت است) یعنی و هنوز نمرده است به نحوی که در حضور عیسی نشسته بود که شخص دیگر خبر مرگ دختر را آورد.

تناقض هفتاد و هشتم:

متی قول عبارت (آیا این پسر نجار نمی باشد) و نیز عبارت (نبی بی حرمت نباشد مگر در وطن خویش) را از قول عیسی بعد از فرستادن شاگردان به شهرهای بنی اسرائیل ذکر می کند (فصل ۱۳ جمله ۵۸) و حال آنکه مرقس اینها همه را قبل از فرستادن ایشان ذکر می کند (فصل ۶ ج ۵)

تناقض هفتاد و نهم:

متی در فصل ۲۰ جمله ۲۰ آورده که مادر دو پسران زبدی از عیسی خواست که ایشان را بپذیرد و حال آنکه در مرقس (فصل ۱۰ جمله ۳۵) این درخواست را دو پسران زبدی به همراهی یعقوب و یوحنا از وی نمودند و نیز مرقس هنگام خروج از اریحا صرفاً و فقط یک نفر کور را قید می کند ولی متن متی ۲ کور را می نویسد.

تناقض هشتادم:

متی در فصل ۲۱ جمله ۱۲ می گوید که مسیح بلافاصله پس از ورود به اورشلیم به هیکل وارد شده و مانع خرید و فروش گردیده و تخت صرافان را واژگون و سپس به بیت عنیا رفته ولی با کمال تعجب میبینیم که مرقس در فصل ۱۱ جمله ۱۱ میگوید (چون از اورشلیم به هیکل درآمده امور را ملاحظه کرده عکس العملی نشان نداده به بیت عنیا رفته و آنوقت در برگشت مانع خرید و فروش شده و تخت صرافان را واژگون کرده و.....)

تناقض هشتاد و یکم:

متون متی در فصل ۲۱ از جمله ۳۳ با مرقس در فصل ۱۲ از جمله اول بسیار باهم متناقضند

ص: ۱۲۴

۱- متی می گوید (دفعه اول چون موسم میوه شد غلامان خود را نیز نزد دهقانان فرستاد) و حال آنکه مرقس می نویسد (در موسم نوکری فرستاد)

۲- دفعه دوم به عبارت متی (بازغلامان بیشتر از اولین) عبارت مرقس (باز نوکری دیگر)

۳- متی دفعه سوم را (آخرین دفعه دانسته و مینویسد). (بالاخره پسر خود را نزد ایشان فرستاد) عبارت مرقس (سپس یک نفر دیگر را فرستاد) (بازیک نفر دیگر).....

پس می بینید اولاً "متی تعداد دفعات را ۳ بار میدانند با تناقض در افراد فرستاده شده و بعکس در مرقس هربار یکنفر و آنهم در دفعانی متعدد (حداقل ۶ بار)

تناقض هشتماد و یکم:

متی تعداد ورود عیسی به اورشلیم را تا زمان خرابی هیکل ۲ بار ذکر می کند ولی مرقس این تعداد را ۳ بار ذکر می نویسد.

(مرقس فصل ۱۱ جمله ۸ و ۱۵ و ۲۷) و (متی فصل ۲۱ جمله ۸ و جمله ۱۸).

تناقض هشتماد و سوم:

متی زمان آمدن صدوقیان را نزد عیسی در روز دوم می نویسد (ج ۲۴ فصل ۲۲) و مرقس زمان این حضور را در روز سوم می داند (ج ۱۸ فصل ۱۲)

تناقض هشتماد و چهارم:

با کمال تعجب میبینیم متی سائل بزرگترین حکم را فردی فریسی میدانند. که به جهت نفاق و دشمنی با عیسی و نبوت او به این عمل مبادرت می کند (فصل ۲۲ جمله ۳۶) و حال آنکه مرقس سائل را کاتبی می داند (فصل ۱۲ ج ۳۴ که مجذوب کلام عیسی شده بود زیرا در آخر کلام به او میگوید از ملکوت دور

ص: ۱۲۵

(نیستی)

تناقض هشتماد و پنجم:

عبارت مرقس در فصل ۲ جمله ۳۰ که در جواب کاتب میگوید. (بشنو ای اسرائیل خداوند خدای ما خدای واحد است... او را محبت نما... که کاتب گفت (آفرین ای استاد نیکو گفتمی زیرا خداوند است و سوای او دیگری نیست و او را به تمامی محبت نمودن از همه چیز بالا-تر است پس عیسی او را گفت از ملکوت خدا دور نیستی... ولی متی برعکس بطور خلاصه از محبت به خدا و همسایه (شرک در واحدیت) صحبت نمود و بلافاصله در بحث بالاتری مقام عیسی از داوود میروود و جالب اینکه متی در این قسمت متن جمالتی که دلالت بر وحدانیت خدا دارد را حذف کرده و به بالا بردن مقام عیسی و بیان خدایی او می پردازد تا با کلام او در فصل ۲۸ جمله ۱۹ که میگوید ایشان را به اسم او ابن روح القدس تعمیم دهید موافق شده تا با عبارت ۱۶ فصل ۱۶ مرقس که میگوید (هر که ایمان آورد به خدای بزرگ تعمیم یابد) تناقض ثانی در مثال ما را از تناقضات این متون را حاصل کند.

تناقض هشتماد و ششم:

(۱). در فصل ۲۴ متی زمان خروج عیسی را از هیکل ماضی ذکر میکند. حال آنکه مرقس این زمان را بصورت ماضی استمرار می نویسد. (فصل ۱۳)

(۲) و نیز متی علت پیشگونی خرابی هیکل را توسط مسیح، نیت شاگردان در نشان دادن ساختمان هیکل می داند حال آنکه مرقس علت را سوال اتفافی یکی از شاگردان قید می کند. (و شاگردانش پیش آمدند تا عمارتهای هیکل را به او نشان دهند عیسی ایشانرا گفت یکی از شاگردان به او گفت ... عیسی در جواب گفت) یعنی متی همه شاگردان را سائل می داند حال آنکه مرقس تنها یکی از شاگردان را سوال کننده می نویسد (۳) در عبارت متن مرقس آمده است که خبر وقوع ایام آینده تا انقضای عالم را عیسی بطور سری به ۴ تن از شاگردانش (پطرس یعقوب یوحنا

ص: ۱۲۶

و اندریاس) می گوید و حال آنکه متی همه شاگردان را مخاطب خود قرار می دهد (به دلیل اطاله کلام به قضایای صلب که خطاب به همه شاگردان است)

تناقض هشتاد و هفتم:

عبارات متون مرقس در (جمله ۱۱ فصل ۱۴) و متی در فصل ۲۶ جمله ۱۶ در مورد مزد یهودا کاملاً متناقض و مختلفند یعنی در عبارت مرقس آمده است که یهودیان با یهودا مقدار مزد را معلوم نکردند فقط به او گفتند پولی به او خواهند داد (.. بدو وعده دادند، نقدی به او دهند) ولی متی می نویسد که یهودا برای دریافت پول با ایشان مذاکره می کرد (...گفت مرا چندی می دهید که او را به شما تسلیم کنم ، ایشان سی پاره نقره با وی قراردادند) یعنی مقدار مزد را تعیین کردند.

تناقض هشتاد و هشتم:

متون متی و مرقس در چگونگی شناسایی مکانی که عیسی به جهت عید فصح توسط شاگردان معرفی میکند متناقضند

(فصل ۱۴ ج ۱۴) مرقس می گوید عیسی دو نفر را می فرستد و به عنوان نشانی می گوید

(.....شخصی با سبوی آب به شما برخواهد خورد از عقب وی بروید به هر جایی که در آید صاحب خانه را گوئید) (یعنی شاگردان اصلاً از نام شخص و مکان وی تا زمان ورود به شهر بی اطلاع بوده اند) اما با کمال تعجب می بینیم که عبارت متن متی عکس این مطلب را اظهار می کند و از زبان عیسی می گوید فصل ۲۶ ج ۱۸ (به شهر نزد فلانی رفته بگوئید ...) یعنی شاگردان قبل از ورود به شهر به همه احوالات شخصی صاحب خانه از اسم و آدرس و ... غیره با اطلاع بوده اند.

مرقس می گوید وقتی عیسی به جتسیمانی رسید به سرکوه رفت (قبل از دستگیری توسط یهودا و یهودیان) و ۲ مرتبه دعا کرده نزد شاگردان آمد (فصل ۱۴ جمله ۴۱) اما متی در فصل ۲۶ جمله ۴۴ میگوید عیسی ۳ مرتبه دعا کرده و آنوقت نزد شاگردان آمد و جالب اینکه متن لوقا می نویسد که او

ص: ۱۲۷

فقط یکمرتبه دعا کرده و بلافاصله یهودا با دیگران سر رسید. (فصل ۲۲ جمله ۴۲)

تناقض نودم:

"مرقس در فصل ۱۵ جمله ۱۵ می گوید (پس پیلاتس چون خواست که مرد مرا خوشنود گرداند برابا را برای ایشان آزاد کرد و عیسی را تازیانه زده تسلیم نمود تا مصلوب شود) و این کلام درست برعکس کلام متی در فصل ۲۷ جمله ۲۴ است زیرا او می نویسد که نارضایی او از اعمال مردم تا حدی بود که آب طلب نموده دستهای خود را بشست و گفت "

(من بری هستم از خون این شخص عادل شما ببینید).

تذکر

البته لازم است متذکر شویم که کثرت تناقضات بحدی است که ما مجبور شدیم به جهت اختصار بسیار سریع و خلاصه مطالب را بیان نمائیم مثلاً اناجیل در موضوع یهودا و شام آخر و به طور کلی در مورد زمان برخاستن، تعداد فرشتگان، زمان دیدن عیسی و کیفیت ظاهر شدن او، تعداد و چگونگی آمدن زنان و نیز زمان آمدن ایشان و... متناقضند،

تناقض نود و یکم:

عبارت دوم فصل ۱۳ رومیان می گوید (حتی هر که با قدرت برتر مقاومت نماید، مقاومت با ترتیب خدا نموده باشد....) که این عبارت با عبارتهای ۲۹ فصل ۵ اعمال و نیز فصل ۴ جمله ۱۸ کاملاً متناقض است. زیرا در این فصول ذکر شده که چگونه بعضی از شاگردان با قدرتهای برتر جنگیدند تا حدی که بعضی کشته بعضی ، لازم به ذکر است که عبارت بالا دلالت بر اعتقاد به جبر اعمال دارد و منکر اراده و اختیار و از مکاتب شیطانی است تا مردم تابع جنایات حاکمان باشند و راضی به ظلم آنان و ... دلیل قاطع در تحریف متن.

تناقض نود و دوم:

متون متی و لوقا در کیفیت شفاء غلام یوزباشی با هم متناقضند.

ص: ۱۲۸

متن متی در فصل هشتم جمله ۶ میگوید، (یوزباشی نزد وی آمد و بدو التماس نمود) و حال آنکه متن لوقا قید می نماید که (فصل ۷ جمله ۶). (.....یوزباشی چند نفر از دوستان خود را نزد (عیسی فرستاد و (گفت) خود را لایق ندانستم نزد تو آییم (یعنی اصلا عیسی را ندید).

تناقض نود و سوم:

لوقا داستان عیسی را با موسی در فصل ۹ جمله ۲۲ با متون مرقس و متی بکلی متناقض ذکر می کند "

۱- خواب رفتن پطرس و دو نفر دیگر و بیدار شدن و در پایان (لوقا) گفتگو را بیان می کند و حال آنکه در مرقس (فصل ۹ جمله ۶) و (متی فصل ۷ جمله ۴) پطرس از اول رویا بیدار بوده است.

۲- در لوقا (۳۳) پطرس درخواست سایبانرا وقتی نمود که آن دو نفر از عیسی جدا میشدند و حال آنکه در مرقس و متی این خواهش را هنگام گفتگوی ایشان می دانند.

۳- بطور ضمنی و خلاصه متون در زمان غیبت موسی و الیاس و نیز زمان رسیدن خطاب، متناقضند.

تناقض نود و چهارم:

عبارات متون مرقس و متی در فصل ۹ جمله ۲۲ و فصل ۱۷ جمله ۲۴ با هم بکلی متناقضند زیرا مرقس میگوید. (... واما این سخن را درک نکردند). ولی میگوید (... پس بسیار محزون شدند (یعنی عمیقا درک کردند)

تناقض نود و پنجم:

فصل ۸ جمله ۳ مرقس که می گوید (... پطرس را نهیب داده و گفت یا شیطان از من دور شو زیرا امور الهی را اندیشه نمی کنی بلکه چیزهای

ص: ۱۲۹

انسانی را) یعنی بعوض اینکه امور الهی را اندیشه کنی امور انسانی را می اندیشی اولاً- با کلام عیسی در جمله ۲۸ کاملاً متناقض است زیرا کلام او اصلاً جنبه انسانی نداشت و ثانیاً بر عکس امور انسانی را باید اندیشه کرد نه امور الهی را چنانکه متی موافق این و متضاد آن کلام صحبت می کند (فصل ۱۶ جمله ۲۳) که (پطرس گفت دور شوای شیطان زیرا باعث لغزش من می باشی و این با کلام الهامی کاملاً متضاد است که اگر اعتماد نتوان کرد بر عیسی با آن عظمت در الهام، از ترسی لغزش آنهم از پطرس، چه انتظار از وارثان شریعت (شاگردان) می توان داشت. زیرا نه تنها امور الهی بلکه امور انسانی را هم تفکر می کنی) یعنی در عوض اینکه نه امور الهی و نه امور انسانی را تفکر کنی در هر دو می اندیشی.

تناقض نود و ششم:

مرقس در فصول ۹ و ۸ خود دچار تناقض بهت آوری شده است به این معنی که مرقس در فصل ۸ جمله ۳۲ قید می کند که عیسی به شاگردان خیر قتل و برخاستن خود را می دهد همه به ظاهر ناراحت شده به حدی که پطرس او را گرفته و شدیداً شروع به منع کردن می نماید (یعنی از فرط ناراحتی) ولی با کمال تعجب می بینم که در فصل ۹ (یک فصل جلوتر) جمله ۳۲ وقتی جریان را دوباره متذکر می شود می نویسد که (اما این سخنها درک نکرده شاگردان و ترسیدند که از او پرسند).

تناقض نود و هفتم:

بطور خلاصه عبارات مرقس (فصل ۷ جمله ۶) و متی (فصل ۱۴ جمله ۱۹ و لوقا فصل ۹ جمله ۱۵) در مورد چگونگی نشستن مردم روی سبزه ها باهم تناقض شدیدی دارند.

ص : ۱۳۰

تناقضی نود و هشتم:

لوقا در فصل ۱۱ جمله ۳۸ به بعد نقل می کنند که عیسی مسیح روزی یک فریسی را به میهمانی دعوت کرد و چون طبق قوانین یهود می بایست دست را قبل از غذا بشوید، فریسی از عمل عیسی که میزبان بود و دست خود را قبل از غذا نشست تعجب نمود ولیکن تعجب فریسی همان و ناسزاهای عیسی به او همان که البته این اعمال یعنی اولاً، حرمت میهمان را نداشتن و ثانیاً فحاشی نمودن و ثالثاً نظافت نداشتن یعنی (دست را قبل از غذا نشستن) از صفات انبیاء نیست لذا از موارد تحریف شده کتاب است.

بهر حال امیدواریم انشاءالله تعالی وبه عنایات خاصه حضرت

بقیه الله العظم حجه بن الحسن العسگری صاحب العصر والزمان عج الله تعالی فرجه الشریف این کتاب بتواند چراغ روشنی برای پیروان راه رستگاری باشد.

اتمام کتاب در سوم شعبان سال ۱۳۹۹ بعد از هجرت. عبدالله عصام رودسری

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری
۴. صرفاً ارائه محتوای علمی
۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و ... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

